



## مصونیت از مجازات در ایران:

مرگ خبرنگار عکاس زهرا کاظمی



## مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

## اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران در تلاش است که:

- سوابق و اسناد تاریخی وضعیت حقوق بشر در ایران از زمان انقلاب ۱۳۵۷ به بعد را به صورت جامع و عینی تهیه کند و بر اساس این سوابق، در قبال موارد نقض حقوق بشر حس مسئولیت ایجاد کند؛
- این اسناد و سوابق را به صورت بایگانی و آرشیو، برای مقاصد آموزشی و پژوهشی در دسترس عموم قرار دهد؛
- فرهنگ مسئولیت پذیری، احترام به حقوق بشر و قانونمندی را در ایران ترویج دهد؛ و
- پژوهشگران و عامه مردم را به گفتگوی آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران و خارج از ایران تشویق کند.

آدرس:

### Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۲۲۱۸-۷۷۲ (۲۰۳)

نمابر: ۱۷۸۲-۷۷۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: [info@iranhrdc.org](mailto:info@iranhrdc.org)

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکس روی جلد از زندان اوین، توسط خانم فریبا امینی اهدا شده است.  
عکس پشت جلد از طریق بنیاد زهرا کاظمی تهیه شده است.

## فهرست مطالب

بخش اول: چکیده .....	۵
بخش دوم: روش بررسی .....	۶
الف- منابع .....	۶
ب- ساختار گزارش .....	۷
بخش سوم: مقدمه .....	۷
الف - شرح واقعه .....	۸
۱. دستگیری زهرا کاظمی .....	۸
۲. بازداشت در زندان اوین .....	۹
۳. انتقال به بیمارستان بقیه‌الله الاعظم .....	۱۰
بخش چهارم: تلاش مسئولان برای بررسی علت فوت زهرا کاظمی .....	۱۱
الف- تحقیقات و گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری .....	۱۱
ب- تحقیقات و گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی .....	۱۶
یافته‌های کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی .....	۱۶
۱. غیرقانونی بودن دستگیری زهرا کاظمی بر اساس قوانین ایران .....	۱۷
۲. دخالت در امر تحقیقات در زمینه مرگ زهرا کاظمی .....	۱۸
۳. مداخله در روند اطلاع رسانی کمیسیون اصل نود که مطابق با قانون اساسی الزامی است .....	۲۲
ج- محاکمه و تبرئه رضا احمدی به اتهام "قتل شبه عمد" زهرا کاظمی .....	۲۵
مسائل مهم در محاکمه رضا احمدی .....	۲۶
۱. شهود .....	۲۶
۲. شواهد و مدارک .....	۲۷
۳. دسترسی و کیل به اطلاعات و مدارک دادگاه .....	۲۸
۴. رأی دادگاه .....	۲۸
بخش پنجم: مسائلی که به واسطه پرونده خانم کاظمی مطرح شدند .....	۳۰
الف- موانع ساختاری در تضمین مسئولیت‌پذیری در موارد نقض حقوق بشر .....	۳۰
۱. فقدان سیستم قضایی بی‌طرف و مستقل .....	۳۰
۲. تداخل بیش از حد اختیارات ارگانهای متعدد در بازداشت و بازجویی و روشن نبودن حدود نظارت سازمانی .....	۳۴
۳. ناکارآمدی راهکارهای قضایی در رسیدگی به تخلفات قوه قضاییه .....	۳۸
۳-۱. رسیدگی قضایی به پرونده کاظمی .....	۳۸
۴. ضعف و ناکارآمدی ارگانهای تحقیقاتی حقوق بشر .....	۳۹
۴-۱. کمیسیون اصل نود مجلس .....	۳۹
۴-۲. دیگر سازمانهای تحقیقاتی حقوق بشر .....	۴۰

۵. ضعف قانونمندی ..... ۴۰
- ب- نقض قوانین داخلی و بین‌المللی در پرونده زهرا کاظمی ..... ۴۲
۱. منع شکنجه ..... ۴۲
- ۱-۱. بر اساس قوانین بین‌المللی، شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ممنوع است. .... ۴۲
- ۱-۲. بر اساس قوانین ایران شکنجه ممنوع است ..... ۴۳
- ۱-۳. حق مصونیت از شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در پرونده زهرا کاظمی نقض شد ..... ۴۶
۲. حقوق متهم ..... ۴۷
- ۱-۲. بر اساس قوانین بین‌المللی، ایران موظف به حمایت از حقوق متهمان است. .... ۴۷
- ۲-۲. در قوانین ایران مجموعه‌ای از حمایت‌های قانونی برای تضمین حقوق متهم وجود دارد. .... ۴۸
- ۲-۳. عدم رعایت حقوق متهم در پرونده زهرا کاظمی ..... ۴۹
۳. عدم حمایت و احترام دولت به حق زندگی ..... ۵۰
- ج- وظیفه دولتها برای تأمین چاره‌جویی و جبران خسارت بر اساس قوانین بین‌المللی ..... ۵۲
۱. وظیفه دولتها برای انجام تحقیقات و پیگرد موارد نقض قانون ..... ۵۳
۲. مسئولیت دولت و فرد بر اساس قوانین بین‌المللی ..... ۵۵
- ۱-۲. مسئولیت دولت در قبال نقض قانون بین‌المللی حقوق بشر ..... ۵۵
- ۲-۲. مسئولیت فرد در قبال نقض قوانین کیفری بین‌المللی ..... ۵۵
- ۱-۲-۲. اشکال مسئولیت ..... ۵۵
- ۲-۲-۲. مسئولیت مافوق ..... ۵۷
- ۲-۲-۳. مسئولیت مافوق در پرونده کاظمی ..... ۵۹
- بخش ششم: نتیجه‌گیری ..... ۶۱
- الف- تقویت مکانیسم‌های مسئولیت‌پذیری ..... ۶۲
- ب- تقویت قانونمندی. .... ۶۲

## بخش اول: چکیده

در تیرماه ۱۳۸۲، زهرا (زیبا) کاظمی، خبرنگار عکاس، در مقابل زندان اوین تهران دستگیر شد. جراحات وارده بر او در دوره بازجویی در زندان که بیش از سه روز طول کشید، سرانجام منجر به مرگ او شد. دستگیری و بازداشت زهرا کاظمی و نیز تحقیقات نافرجام در مورد علت مرگ او، نشانگر وجود اشکالات اساسی در نظام قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران است.

بررسی اطلاعات ارائه شده از سوی دولت ایران و نیز شهود، تردیدهای زیادی را در رابطه با قانونی بودن دستگیری، بازداشت و نیز شیوه برخورد با زهرا کاظمی در زندان بر می‌انگیزد. این تردیدها به‌نوبه خود استقلال و بی‌طرفی نظام قضایی ایران را زیر سؤال می‌برد. اقدامات مسئولان قضایی در مورد پرونده زهرا کاظمی حاکی از آن است که قوه قضاییه ایران، دست کم در موارد همکاری با مسئولان امنیتی، از پیگرد و مجازات عاملان نقض حقوق بشر چشم‌پوشی کرده و خود عملاً به متخلف اصلی بدل می‌شود. افزون بر این، تداخل اختیارات شماری از ارگانهای امنیتی و اطلاعاتی رسمی و غیررسمی، در زمینه دستگیری و بازجویی از متهمان، خود مانعی بر نظارت و جوابگویی کارآمد است.

به‌ویژه، اقدامات نادرست دادستان کل تهران، سعید مرتضوی، از جمله وادار کردن شهود به ادای شهادت دروغ یا تحریف شده، عدم همکاری با مسئولان تحقیق پرونده زهرا کاظمی، عدم حضور در برابر کمیسیون تحقیق مجلس و مداخله احتمالی در انتشار گزارش نهایی آن که به شرح یافته‌های کمیسیون مزبور می‌پرداخت، مانع پیشرفت تلاشهای انجام شده برای روشن شدن چگونگی مرگ زهرا کاظمی شد.

به‌علاوه، محاکمه یک کارمند رده پایین وزارت اطلاعات به اتهام "قتل شبه عمد" زهرا کاظمی ایرادهای دیگری را به نمایش گذاشت: از جمله این ایرادها می‌توان مخالفت دادگاه با احضار شهود (بنا به گزارشها، دست کم بیست نفر از ابتدا شاهد دستگیری زهرا کاظمی بوده‌اند)، عدم حذف مدارکی که آشکارا جعلی بوده و یا قلب شده بودند و بی‌اعتنایی به درخواست بررسی آنها و همچنین عدم دسترسی و کیل خانواده کاظمی به پرونده کامل دادگاه را برشمرد. به‌علاوه، انتخاب متهم از سوی دادستان و اتهامی که به او نسبت داده شد، انتقاد شدید خانواده قربانی را، که مدارک زیادی برای متهم کردن دیگر مقامات دولتی ارائه داده بودند، به همراه داشت.

پرونده زهرا کاظمی این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ایران به وظایف قانونی خود مطابق با قوانین بین‌المللی عمل کرده است یا نه؟ این وظایف، تضمین حق حیات، منع شکنجه، تحقیق کامل و بی‌طرفانه درباره موارد ادعایی نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و وظیفه جلوگیری یا در صورت لزوم مجازات متخلف مطابق قوانین جزایی را شامل می‌شود. اسناد و مدارک پزشکی موجود نشان می‌دهند که زهرا کاظمی در دوره بازداشت مورد ضرب و شتم، شکنجه و تجاوز قرار گرفته بود و این امر پذیرش توجیهات مقامات قضایی - مبنی بر اینکه زهرا کاظمی از حال رفته، افتاده و به سرش ضربه وارد شده - را دشوار می‌سازد. شواهد حاکی از آنند که اصول قانونی منع شکنجه و حمایت از حقوق متهم (هم بر اساس قوانین بین‌المللی و هم بر اساس قوانین ایران) نقض شده‌اند.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران به این نتیجه می‌رسد که پذیرش و افزایش فرهنگ مسئولیت‌پذیری و قانونمندی در ایران نیازمند اصلاحات بنیادی - به‌ویژه در نظام قضایی - است.

## بخش دوم: روش بررسی

### الف - منابع

مرکز اسناد حقوق بشر ایران اطلاعات لازم برای تهیه این گزارش را از بررسی منابع زیر به دست آورده است:

- گزارش ارائه شده از سوی هیئت ویژه رئیس جمهوری (متشکل از مقامات ارشد از وزارتخانه‌های دادگستری، اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کشور، و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) که از سوی رئیس جمهور، محمد خاتمی، به منظور بررسی علت مرگ زهرا کاظمی تشکیل شده بود؛
- گزارش ارائه شده توسط کمیسیون مجلس (به ریاست حسین انصاری راد، نماینده مجلس) در انطباق با اصل نود قانون اساسی ایران که بررسی شکایات علیه دولت را الزامی می نماید؛
- تقاضای تجدیدنظر ارائه شده از سوی وکیل مادر زهرا کاظمی، عزت کاظمی، پس از تبرئه محمد رضا اقدم احمدی (کارمند وزارت اطلاعات و متهم به قتل شبه عمد زهرا کاظمی)؛<sup>۱</sup>
- مدارک پزشکی ارائه شده از سوی دکتر شهرام اعظم، پزشک اورژانس که به هنگام انتقال زهرا کاظمی از زندان اوین به بیمارستان بقیه‌الله الاعظم او را تحت مداوا قرار داده بود،<sup>۲</sup> به اضافه بررسی اسناد و مدارک موجود توسط پزشک مرکز اسناد حقوق بشر ایران؛
- مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای شهود و کارشناسان حقوقی ایرانی؛
- گزارشهای رسانه‌ای، از جمله بیانات مقامات جمهوری اسلامی که در مطبوعات ایران منتشر شده‌اند؛ و
- گزارشهای سازمانهای غیردولتی.

در مواردی که این گزارش به اطلاعات ارائه شده از سوی مقامات دولتی یا طرفین دعوی استناد یا از آنها نقل قول می کند، منبع اطلاعات به دقت نقل شده و همچنین میزان اعتبار اطلاعات با توجه به میزان اعتبار منابع آنها ارزیابی شده است.

هویت برخی افراد که منبع اطلاعات بوده‌اند، به منظور حفظ امنیت آنها ذکر نشده است. برای کسب اطلاعات بیشتر با وکلای خانواده کاظمی مشورت شده است، اما آنها تأثیری بر نتایج نهایی این گزارش نداشته‌اند. همچنین، اعضای از هیئت امناء این مرکز که با خانواده کاظمی و یا وکیلشان در تماس بوده‌اند، در جلساتی که به تأیید نهایی محتوای این گزارش انجامید حضور نداشتند.

<sup>۱</sup> متن کامل گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری برای رسیدگی به مسئله فوت خانم زهرا کاظمی، ۲۸ تیر ۱۳۸۲ [از این به بعد: گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری] (پیوست شماره ۱)

<sup>۲</sup> گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی مربوط به علل و عوامل کشته شدن خانم زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار ایرانی، ۷ آبان ۱۳۸۲ [از این به بعد: گزارش کمیسیون اصل نود] (پیوست شماره ۲)

<sup>۳</sup> تقاضای تجدیدنظر و نقض دادنامه به دادگاه تجدیدنظر استان تهران در خصوص دادنامه شماره ۳۴۲ مورخ ۴/۳۰/۱۳۸۳ صادره در پرونده کلاسه ۸۲/۱۸۵۸ شعبه ۱۱۵۸ دادگاه عمومی جزایی تهران، که در سال ۱۳۸۳ درخواست شده است. [از این به بعد: تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی] (پیوست شماره ۳)

<sup>۴</sup> گزارش پزشکی دکتر شهرام اعظم در مورد معاینه زهرا کاظمی در بیمارستان بقیه‌الله الاعظم، ۶ تیر ۱۳۸۲ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۳ (این گزارش توسط دکتر شهرام اعظم به مرکز اسناد حقوق بشر ایران ارائه شده است). [از این به بعد: گزارش پزشکی دکتر شهرام اعظم] (پیوست شماره ۴)

## ب- ساختار گزارش

این گزارش با شرحی کوتاه از رویدادهای مهم مربوط به بازداشت و بازجویی از زهرا کاظمی آغاز می‌شود که بر اساس اطلاعات گردآوری شده از سوی هیئت ویژه رئیس جمهوری و تحقیقات کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی پیرامون مرگ زهرا کاظمی تنظیم شده است. سپس توضیحاتی درباره محاکمه دو روزه محمد رضا اقدم احمدی (از این به بعد: رضا احمدی) داده می‌شود که پاره‌ای از انتقادات اساسی است که از سوی وکیل خانواده کاظمی در مورد این محاکمه ارائه شده است را شامل می‌شود.

پس از این مقدمات، گزارش به بررسی مشکلات و نارساییهای فراوان نظام قضایی ایران که در پرونده زهرا کاظمی مطرح شده است می‌پردازد:

اول، وجود موانع ساختاری که از مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در موارد نقض حقوق بشر در ایران جلوگیری می‌کند، از جمله: فقدان یک سازمان قضایی مستقل، نارسایی در فعالیت نهادهای اجرایی قانون در ایران به دلیل عدم نظارت و تداخل اختیارات در زمینه بازداشت و بازجویی، نارسایی راه‌حلهای قضایی برای برخورد با موارد نقض قانون از سوی نظام قضایی، و همچنین ضعیف و محدود بودن ارگانهای تحقیق و بررسی موارد نقض حقوق بشر.

دوم، ضعف قانونمندی در ایران: به‌ویژه تأکید همزمان مقامات بر نهادهای قانونی جهت محدود کردن حقوق افراد و در عین حال سر باز زدن آنها از پابندی به محدودیتهای قانونی بر اختیارات خود، مانند رعایت تشریفات قانونی و آیین دادرسی جهت حفظ حقوق متهم، منع شکنجه، و وظیفه تضمین حق حیات. این گزارش سپس موارد نقض حقوق بشر در پرونده زهرا کاظمی را به تفصیل بررسی می‌کند.

این گزارش همچنین بحثی پیرامون قوانین ایران و نحوه اجرای آن، که با قوانین بین‌المللی حقوق بشر مغایرت دارد و نیز توصیه‌هایی برای انجام اصلاحات لازم به‌منظور حل این مشکل را در بر می‌گیرد. در کادرهای خاکستری توجه خوانندگان به جنبه‌های ویژه و نکات مهم پرونده زهرا کاظمی جلب می‌شود.

## بخش سوم: مقدمه

پس از بررسی اسناد مربوط به مرگ زهرا کاظمی، برای مرکز اسناد حقوق بشر ایران روشن شد که نظام قضایی، زندانها و سیستم اطلاعاتی ایران دچار مشکلات ساختاری اساسی است. به طور اخص، اولین ویژگی سیستم اجرایی قانون در ایران فقدان قانونمندی است که به اعمال قضاوت شخصی به طور غیر قابل قبول و خودسرانه انجامیده است. دومین ویژگی آن، مصونیت از مجازات یا فقدان مسئولیت پذیری عاملان اصلی نقض قانون می باشد. عملکرد نظام قضایی، به ویژه به دلیل فقدان بی طرفی، مشکل آفرین است و به نظر می رسد که تحت تأثیر مسئولان سیاسی می باشد.

## الف - شرح واقعه

زهرا کاظمی، متولد شیراز، در سال ۱۳۵۳ شمسی (۱۹۷۴ میلادی) به فرانسه رفت و در دانشگاه پاریس مشغول به تحصیل شد. او در سال ۱۳۷۲ شمسی (۱۹۹۳ میلادی) با پسرش، استفان هاشمی، به کانادا مهاجرت کرد و پس از مدتی تبعه کانادا<sup>۵</sup> شد. خانم کاظمی به عنوان خبرنگار عکاسی که به تهیه گزارش از زندگی روزمره مردمی که با فقر، حکومت‌های سرکوبگر و جنگ، دست و پنجه نرم می کنند شهرت یافت. او پس از تهیه گزارشاتنی از عراق و افغانستان، ظاهراً امیدوار بود که ایران را مرکز فعالیتهای حرفه ای خود قرار دهد و در منطقه وسیعتری از خاورمیانه فعال شود.<sup>۶</sup>

## ۱. دستگیری زهرا کاظمی

زهرا کاظمی در تابستان ۱۳۸۲ با گذرنامه ایرانی وارد زادگاهش شد و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز رسمی عکاسی دریافت کرد.<sup>۷</sup> با این وجود (علی رغم داشتن مجوز) در دوم تیر ۱۳۸۲، در حالی که از تجمع خانواده‌های زندانیان ناآرامیهای خردادماه تهران<sup>۸</sup> در مقابل زندان اوین عکس می گرفت، ظاهراً به اتهام عکس گرفتن از دیوار زندان (که

<sup>۵</sup> زهرا کاظمی علاوه بر تابعیت کانادایی، تابعیت ایرانی نیز داشت.

<sup>۶</sup> *ایران: راز یک قتل* (اخبار بی بی سی که در ۲۶ بهمن ۱۳۸۲ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۰۴ از شبکه ۲ بی بی سی پخش شده است). متن خبر را می توان در [http://news.bbc.co.uk/2/hi/programmes/this\\_world/3475705.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/programmes/this_world/3475705.stm) مشاهده کرد [تاریخ دسترسی: ۵ اردیبهشت ۱۳۸۴ برابر با ۲۵ آوریل ۲۰۰۵] [از این به بعد: ایران: راز یک قتل].

<sup>۷</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۳

<sup>۸</sup> بر اساس گزارش گروه بحران بین الملل:

در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۳ برابر با ۲۰ خرداد ۱۳۸۲، حدود ۸۰ دانشجوی ساکن خوابگاههای دانشگاه تهران علیه شایعه طرح خصوصی سازی مدارس تظاهرات کردند. این تظاهرات نخست اقتصادی بود ... اما به سرعت به یک حرکت جدی سیاسی بدل شد. گروهی از جوانان دلسرد شده از مناطق مختلف پایتخت - که بسیاری از آنها بیکار بودند و افرادی از از خانواده‌های شدیداً مذهبی نیز در میان آنها بودند - احساس کردند فرصتی ایجاد شده تا انزجار خود را از حکومت ابراز دارند و در مدت کوتاهی به تظاهر کنندگان دانشجوی پیوستند. ... همچنین، چند هزار نفر از طبقه متوسط تهران، که شماری از آنها به وسیله شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای ایرانیان مقیم لوس آنجلس ترغیب شده بودند، با اتومبیل به اطراف محوطه دانشگاه رفتند و بوقهای اتومبیل‌هایشان را به صدا درآوردند. در طول یک هفته ناآرامی، تظاهر کنندگان شعارهایی سر دادند و در کنار مسائل دیگر خواستار "آزادی" و "رفراندوم" شدند - این شعار رایجی در میان تظاهر کنندگان جوان است که به طور ضمنی حاکی از رأی عمومی برای تغییر رژیم است. تظاهر کنندگان رادیکال تر شعارهای توهین آمیزی را علیه رهبر حکومت، خامنه‌ای، و رهبر متوفی آیت‌الله خمینی - کاری که در گذشته در راهپیماییهای عمومی قابل تصور نبود - سر دادند. با این حال اگرچه نزدیک به ۱۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند، این تظاهرات هرگز برای رژیم تهدیدآمیز نبود. ... بنا به گزارشها، حدود ۴۰۰۰ نفر دستگیر شدند.

گروه بحران بین الملل، "ایران: نارضایتی و اغتشاش" [International Crisis Group, Iran: Discontent and Disarray]، گزارش خاورمیانه گروه بحران بین الملل، شماره ۱۱، ۲۳ مهر ۱۳۸۲ برابر با ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳، صص. ۴-۵.



علامت "عکاسی ممنوع" داشت) مورد اعتراض مقامات زندان واقع شد. ساعت ۱۷:۴۰ زهرا کاظمی دستگیر و به داخل زندان اوین منتقل شد. اگرچه شرح دقیق واقعه مورد اختلاف است، اما گفته می‌شود که چندین شاهد در رابطه با برخورد دو نفر از مقامات زندان، محمد بخشی (مسئول امنیت زندان اوین) و مظفر بابایی (معروف به "تهرانی") با زهرا کاظمی شهادت داده‌اند. همچنین تعدادی از شهود بیان داشتند که آقای بخشی کیف خانم کاظمی را با خشونت از دست او در آورد به گونه‌ای که منجر به زمین خوردن او شد.<sup>۹</sup> دست کم یک شاهد اظهار داشت که در جریان نزاع دست آقای بخشی به سر خانم کاظمی خورد؛ موضوعی که عمدی یا تصادفی بودن آن هنوز مورد اختلاف است.<sup>۱۰</sup>

## ۲. بازداشت در زندان اوین

پس از دستگیری زهرا کاظمی، دست کم سه سازمان دولتی، به‌طور جداگانه (رک. بخش چهارم، قسمت الف) ایشان را به شدت و به مدت چند روز مورد بازجویی قرار دادند. ترتیب دقیق وقایع و هویت عاملان دخیل در این بازجوییها هنوز مورد اختلاف است. تا به امروز، دقیق ترین ترتیب زمانی وقایع از جانب هیئت ویژه رئیس جمهوری، که اندکی پس از مرگ زهرا کاظمی و به دستور رئیس جمهور خاتمی تشکیل شد، ارائه شده است. این ترتیب زمانی نشان می‌دهد که خانم کاظمی بیش از سه روز میان مأمورین دادستانی، اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا)<sup>۱۱</sup> و وزارت اطلاعات و امنیت (از این به بعد: وزارت اطلاعات) به‌منظور بازجویی دست به دست گشته است. زهرا کاظمی که بنا بر تمام گزارشها، پیش از دستگیری از سلامت کامل برخوردار بود، حدود ساعت ۲۰:۴۰ روز ۵ تیر، از بی‌حال بودن خود شکایت می‌کند. یکی از پرستاران زندان برای معاینه او احضار می‌شود. خانم کاظمی از بی‌حالی، تهوع، و سردرد شکایت می‌کند و در این هنگام استفراغ می‌کند که در آن خون مشاهده می‌شود.<sup>۱۲</sup> مقامات زهرا کاظمی را به بهداری زندان می‌برند و سپس در ساعت ۲۳:۳۰ تصمیم می‌گیرند که ایشان را به بیمارستان منتقل کنند.<sup>۱۳</sup>

<sup>۹</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، صص. ۱۰-۷

<sup>۱۰</sup> همان، بخش اول، ص. ۱۰

<sup>۱۱</sup> بنا به گزارش گروه بحران بین‌الملل:

نیروی انتظامی، که نوعی پلیس انقلابی است، در سال ۱۹۹۰ با ادغام پلیس شهرداری، ژاندارمری و کمیته‌های انقلاب تشکیل شد. از آنجایی که پلیس شهرداری و ژاندارمری توسط شاه پایه‌گذاری شده بود، تابعیت آنها از دستورات مورد تردید بود. در مقابل کمیته‌های انقلاب مستقیماً زاده انقلاب و مسئول تعقیب فروشندگان مواد مخدر، گروههای مخالف، و قانون‌شکنان ضداسلام بود. بنا به گفته منابع آگاه ایرانی، ادغام مذکور به هدف خود جهت ایجاد یک نیروی انتظامی غیرسیاسی کارآمدتر که مسئول حفظ قانون و نظم باشد دست نیافت. در عوض، پلیسهای آموزش‌دیده دوره شاه در نیروی انتظامی به کارهای فرعی گمارده شدند و اعضای سابق کمیته انقلاب قدرت را در دست گرفتند. در سالهای اخیر، شماری از فرماندهان بلندپایه نیروی انتظامی نیز به نقض قانون پرداخته‌اند، نظیر حمله‌های سال ۱۳۷۷ به همراهان رئیس جمهور خاتمی.

گروه بحران بین‌الملل، "ایران: کشمکش برای روح انقلاب"

[International Crisis Group, *Iran: The Struggle for the Revolution's Soul*], گزارش خاورمیانه گروه بحران بین‌الملل، شماره ۵، ۱۴ مرداد ۱۳۸۱ برابر با ۵ اوت ۲۰۰۲، صفحه ۵.

تحلیلگر سیاسی، ویلفرد بوچا، می‌افزاید: "نیروی انتظامی نقشی کلیدی در حفظ امنیت داخلی ایفا می‌کند، همان‌طور که سرکوب تظاهرات دانشجویی در تیرماه سال ۱۳۷۸ نشان داد." ویلفرد بوچا، مروری بر بخش امنیتی ایران، مدارک مرکز کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح در ژنو

[Wilfred Buchta, *Iran's Security Sector: An Overview*. Geneva Center for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF) Working Paper]

شماره ۱۴۶، ژنو، مرداد ۱۳۸۳ برابر با اوت ۲۰۰۴، ص. ۱۲ [از این به بعد: مروری بر بخش امنیتی ایران]

<sup>۱۲</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۳

<sup>۱۳</sup> همان، ص. ۳

### ۳. انتقال به بیمارستان بقیه‌الله الاعظم

خانم کاظمی در ساعت ۲۰ دقیقه بامداد روز ۶ تیر ۱۳۸۲، در بیمارستان نظامی بقیه‌الله الاعظم بستری شد. دکتر شهرام اعظم، پزشک کشیک اورژانس که خانم کاظمی را پس از پذیرش، در بامداد ۶ تیر ۱۳۸۲، مورد معاینه قرار داد، گزارش مفصلی از وضعیت پزشکی او ارائه کرده است.<sup>۱۴</sup> در این گزارش، جراحتهای زیر ذکر شده است:

- کبودی وسیع در نقاط مختلف بدن خانم کاظمی: صورت، شکم، پشت، ران و کشاله ران (از جمله کبودی کفل به قطر ۷/۵ سانتیمتر)، ساعد دست چپ و پشت بازوی راست تا نزدیکی شانه و کف پاها؛
- شکستگی بینی، شکستگی انگشتهای دست و چند تا از انگشتهای پا و ناخنها؛
- خراشیدگیهای عمیق خطی موازی در گردن و زخمهای خطی نوارمانند در پشت؛ و
- شکستگی جمجمه

دکتر اعظم، به دلیل مرد بودن، مجاز به معاینه ناحیه لگن خاصره خانم کاظمی نبوده است، اما پرستار زن اورژانس که لگن خاصره خانم کاظمی را معاینه کرده گزارش داده است که کبودی شدید و آسیب‌دیدگی این ناحیه نشان می‌دهد که "تجاوز جنسی بسیار وحشیانه" ای صورت گرفته است.<sup>۱۵</sup>

صبح همان روز زهرا کاظمی به اغمای کامل رفت. در ۱۹ تیر ۱۳۸۲، خانم کاظمی را از دستگاه حفظ حیات جدا<sup>۱۶</sup> و فوتش را اعلام کردند.

<sup>۱۴</sup> ر.ک. پیوست ۵- الف (کپی مجوز پزشکی دکتر شهرام اعظم) و پیوست ۵- ب (جدول ساعات کار که نشان می‌دهد دکتر اعظم در ماه تیر ۱۳۸۲ در بیمارستان بقیه‌الله کار می‌کرده است).

<sup>۱۵</sup> گزارش پزشکی دکتر شهرام اعظم، صص. ۱ و ۲ (آسیب‌دیدگی شدید در ناحیه لگن خاصره مورد توجه قرار گرفته است)؛ همچنین ریچارد کلرو، "به نقل از دکتر، پلیس مخفی ایران یک زن را تا سرحد مرگ شکنجه داد"، ۱۲ فروردین ۱۳۸۴ برابر با اول آوریل ۲۰۰۵، تایمز آنلاین (لندن) (که مشاهدات پزشکی دکتر اعظم در هنگام معاینه زهرا کاظمی را نقل می‌کند).

[Richard Cleroux, *Iran secret police tortured woman to death, says doctor*, THE TIMES ONLINE (UK)]

ر.ک. [www.timesonline.co.uk/article/0,,3-1549842,00.html](http://www.timesonline.co.uk/article/0,,3-1549842,00.html) [تاریخ دسترسی: ۵ اردیبهشت ۱۳۸۴ برابر با ۱۷ آوریل ۲۰۰۵]

<sup>۱۶</sup> گفته می‌شود که دستگاه حفظ حیات زهرا کاظمی را بدون هیچ مشورتی با مادر یا پسر او، استفان هاشمی، خاموش کردند.

## بخش چهارم: تلاش مسئولان برای بررسی علت فوت زهرا کاظمی

تلاش مسئولان برای بررسی علل و چگونگی فوت زهرا کاظمی شامل سه اقدام مهم بود:

- تحقیقات و گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری
- تحقیقات و گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی
- محاکمه و تبرئه رضا احمدی به اتهام "قتل شبه عمد" زهرا کاظمی

### الف - تحقیقات و گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری

پس از فوت زهرا کاظمی، محمد حسین خوشوقت، مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بیانیه‌ای منتشر کرد و اظهار داشت که خانم کاظمی به علت سکتته مغزی فوت کرده است.<sup>۱۷</sup> روز بعد، رئیس جمهور خاتمی، که گویا متقاعد نشده بود، دستور انجام تحقیقات توسط هیئتی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کلیدی دولت، شامل وزارت دادگستری، اطلاعات و امنیت، فرهنگ و ارشاد اسلامی، و کشور را صادر نمود.<sup>۱۸</sup> از آنها خواسته شد که چگونگی فوت و نیز ابهامات پرونده را روشن نموده و نتیجه کار خود را به رئیس جمهور و افکار عمومی گزارش نمایند.<sup>۱۹</sup>

هیئت ویژه رئیس جمهوری، از طریق یک سری نشست با پرسنل پزشکی، اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی و قضایی و نیز بررسی اسناد و مدارک موجود و مصاحبه با "مأمورین، بازجوها و کلیه افرادی که به نوعی با خانم کاظمی در تماس بوده و یا حرکات وی را تحت نظر داشته‌اند"<sup>۲۰</sup> به جمع‌آوری اطلاعات پرداخت. به تمام ارگانهای دولتی که خانم کاظمی در بازداشت آنها به سر برده بود دستور داده شد که در گزارشی "جداگانه و مستقل" به جزئیات زیر بپردازند:

"وقایع رخ داده در طول نگهداری مشارالیها اعم از رفتارها و روحیات وی، رفتار قاضی، بازجو و سایر مأمورین مراقب، اظهارات شفاهی و کتبی وی، نحوه رفتار مأموران و محلهای نگهداری او."<sup>۲۱</sup>

<sup>۱۷</sup> رک. نامه سرگشاده محمد حسین خوشوقت، مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی به سردبیر روزنامه "یاس نو" که با عنوان "مدیر کل ارشاد در مقابل دروغ سازیهای دادستان تهران ایستاد: آنچه در ملاقات خوشوقت و مرتضوی رخ داد" چاپ شد. رویداد (۱۳۸۲) صص. ۲ و ۳ [از این به بعد: نامه آقای خوشوقت] (پیوست شماره ۶). همچنین برای اطلاعات بیشتر از حوادثی که به انتشار این نامه ختم شد، رک. بخش چهارم، قسمت ب، بند ۲.

<sup>۱۸</sup> این هیئت در ابتدا از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (احمد مسجد جامعی)، وزیر دادگستری (اسماعیل شوشتری)، وزیر اطلاعات (علی یونسی)، وزیر کشور (عبدالواحد موسوی لاری) و معاونان آنها تشکیل شده بود. بعداً از وزیر بهداشت و آموزش پزشکی (مسعود پزشکیان) دعوت شد که به این هیئت بپیوندد (گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۲). وکیل حقوق بشر ایرانی، عبدالکریم لاهیجی، استدلال می‌کند که ترکیب هیئت ویژه رئیس جمهوری ممکن است مانع از انجام تحقیقات بی‌طرفانه شده باشد:

هم این هیئت را هیئتی مستقل و غیرجانبدار، که پیش شرط گماردن یک هیئت تحقیق است، نمی‌دانستیم. سه تن از چهارعضو این هیئت، وزرای اطلاعات، دادگستری و فرهنگ و ارشاد اسلامی، که به اعتبار مسئولیتهای سیاسی و حرفه‌ای‌شان از نخستین ساعتهای بازداشت زهرا کاظمی در جریان امر بوده‌اند نه تنها از بروز فاجعه جلوگیری نکردند که با سکوت ممتد خود به سعید مرتضوی متهم اصلی این جنایت اجازه دادند که کار را به جایی برساند که به مدیر کل رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستور دهد که علت مرگ زهرا کاظمی را سکتته مغزی اعلام کند.

رک. اظهارات عبدالکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، ۳۱ تیر ۱۳۸۲ برابر با ۲۲ جولای ۲۰۰۳ (پیوست شماره ۷)، ص. ۱

<sup>۱۹</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۱

<sup>۲۰</sup> همان، ص. ۲

<sup>۲۱</sup> همان، ص. ۲

به‌علاوه مقرر شد که وزیر بهداشت و آموزش پزشکی، مدارک پزشکی زندان اوین و بیمارستان بقیه‌الله را بررسی کند.<sup>۲۲</sup>

تحقیقات هیئت ویژه رئیس جمهوری در کمتر از یک هفته پایان یافت و در ۲۹ تیر ۱۳۸۲ گزارش نهایی آن منتشر شد.<sup>۲۳</sup> در این گزارش، بازداشت و بازجویی خانم کاظمی به چهار مرحله کلی تقسیم شده است:

- در ۲۱ ساعت اول، زهرا کاظمی در بازداشت دادسرا و زندان بوده است؛
- در ۲۶ ساعت بعد، در بازداشت واحد اطلاعات نیروی انتظامی بوده است؛
- در ۴ ساعت بعد از آن، در بازداشت دادسرا بوده است؛ و
- در ۲۶ ساعت پایانی، در بازداشت وزارت اطلاعات بوده است.

جزئیات بیشتر ترتیب زمانی وقایع که در گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری آمده است، به شرح زیر است:

### ترتیب زمانی حوادث در دستگیری و بازجویی زهرا کاظمی مطابق گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری

#### مرحله نخست: (۲۱ ساعت در اختیار دادسرا و زندان)

- ۲ تیر، ساعت ۱۷:۴۰. زهرا کاظمی ابتدا به نگهبانی زندان برده شده و در آنجا "با حضور" دو قاضی، که نام آنها ذکر نشده، از او توضیح خواسته می‌شود. از ایشان درخواست می‌شود<sup>۲۴</sup> که دوربین و مجوز عکاسی و فیلمهای خود را تحویل دهد و روز بعد برای گرفتن آنها برگردد. خانم کاظمی نمی‌پذیرد و تصمیم می‌گیرد "با مسئولیت خود" در کنار لوازمش در زندان بماند.<sup>۲۵</sup> در این هنگام خانم کاظمی، عمداً حلقه‌های فیلم دوربینش را در معرض نور قرار داده و آنها را سیاه می‌کند.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۲</sup> همان، ص. ۲. علاوه بر این، "همچنین برای مستند نمودن هرچه بیشتر بررسی، قرار شد از جسد عکس و فیلم تهیه و در سوابق سازمان پزشکی قانونی نگهداری شود." همان. وکیل خانواده کاظمی این سؤال را مطرح کرد که چرا تحقیق‌کنندگان فیلم را درخواست و بررسی نکرده‌اند. (تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، ص. ۱۱)

<sup>۲۳</sup> گفته می‌شود که بخشهایی از گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری در واقع هرگز منتشر نشده است؛ محسن آرمین نماینده مجلس اظهار داشت که گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری دارای "پیوستی" بود که تا به حال منتشر نشده است. رک. محسن آرمین: مرتضوی باید محاکمه شود؛ ضمیمه گزارش تحقیق رئیس جمهور درباره زهرا کاظمی منتشر نشد. [از این به بعد: اظهارات محسن آرمین: مرتضوی باید محاکمه شود] (پیوست شماره ۸)، ص. ۱. گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵، به همین صورت نشان می‌دهد که مقداری حذف و سانسور، دست کم در مورد شهادت محمد حسین خوشوقت، مدیر مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ صورت گرفته است:

"حسب اظهارات جناب آقای مسجد جامعی، وزیر محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه مورخ ۸۲/۵/۷ این کمیسیون و تصویر مستند پیوست جوائیه مورخ ۸۲/۶/۱۵ وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، ماجرای احضار و ملاقات آقای خوشوقت در دادستانی عمومی تهران و آنچه که بر اساس اظهارات آقای خوشوقت مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت مزبور فی ما بین جناب آقای مرتضوی دادستان محترم و ایشان گذشته است، در انتهای گزارش اولیه هیئت ویژه رئیس جمهوری با امضاء پنج نفر از وزراء عضو هیئت منعکس شده بوده لکن در نهایت حذف گردیده است. علت حذف و شناسایی کسانی که در حذف این مطلب مهم نقش داشته‌اند، می‌تواند حقایق بیشتری را در کشف واقعتی امر مشخص نماید."

<sup>۲۴</sup> در توضیح این حادثه، در گزارش ذکر شده است "نامبردگان از خانم زهرا کاظمی می‌خواهند معرفی‌نامه وزارت ارشاد، دوربین و فیلمهای خود را جهت بازبینی تحویل دهد و زندان را ترک گوید و روز بعد برای دریافت لوازم خویش مراجعه کند." گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۲ (تأکید بر نامبردگان اضافه شده است). با این حال، پیش از این جمله در گزارش، اسم هیچ کسی ذکر نشده و مرجع مورد نظر مبهم باقی مانده است.

<sup>۲۵</sup> عبد الکریم لاهیجی، وکیل حقوق بشر ایرانی، می‌گوید:

دیگر اینکه مگر زندان هتل است که اشخاص به میل خود بخواهند در آنجا رحل اقامت افکنند؟ چرا زهرا کاظمی را از زندان بیرون نمی‌کنند؟ بازداشت یک شخص تنها در صورت ارتکاب جرم و آن هم به دستور قاضی صورت می‌گیرد. هیچ کس به میل خود نمی‌تواند در زندان باقی بماند. حال فرض را بر استتکاف زهرا کاظمی می‌گذاریم، چرا او را در همان اتاق "نگهبانی زندان" نگاه نمی‌دارند تا کار بازبینی دوربین پایان پذیرد و پس از ۳ ساعت بازجویی وی را روانه "بند ۲۴۰" می‌کنند؟

اظهارات عبد‌الکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۱.

<sup>۲۶</sup> شاهدان بر این باور بوده‌اند که زهرا کاظمی با خانواده بازداشت‌شدگان مصاحبه کرده و از آنها عکس گرفته بوده است، و نخواست به دست اعضای سرویسهای اطلاعاتی بیفتد.

- ساعت ۲۰:۳۰. خانم کاظمی با یکی از مأموران زندان به عنوان "تحت نظر" به بند ۲۴۰ زندان اوین فرستاده می‌شود.
- ۳ تیر ۱۳۸۲، ساعت ۲۲:۲۵ تا ساعت ۲:۳۰. خانم کاظمی نزدیک ۴ ساعت توسط مأموران قوه قضاییه (یک معاون دادستان<sup>۲۷</sup> که نام او ذکر نشده و همین‌طور دادستان کل تهران [سعید مرتضوی]) مورد بازجویی قرار می‌گیرد. خانم کاظمی تا ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه صبح روز بعد در بند ۲۴۰ باقی می‌ماند.<sup>۲۸</sup>
- ساعت ۱۰:۳۰. قرار بازداشت صادر می‌شود<sup>۲۹</sup> و خانم کاظمی به بند نسوان زندان اوین منتقل می‌شود.

#### مرحله دوم (۲۶ ساعت در اختیار نیروی انتظامی)

- ساعت ۱۴:۳۰. خانم کاظمی "با اخذ دستور قضایی" جهت "ادامه تحقیقات و به‌منظور گردآوری سوابق کیفری" به بند نسوان، مقر ۱۱۰، وابسته به اطلاعات نیروی انتظامی منتقل می‌شود.
- ساعت ۱۸:۴۵. "مسئول مقر ۱۱۰" که نام او ذکر نشده است به سلول خانم کاظمی می‌رود تا با او صحبت کند. مشخص نیست که این ملاقات چه مدت طول کشیده است.
- ساعت ۲۲. بازجویانی که هویت آنها مشخص نیست وارد سلول وی می‌شوند و پس از ۱۰ دقیقه آنجا را ترک می‌کنند.
- ۴ تیر ۱۳۸۲، ساعت ۱۶:۴۰. خانم کاظمی، تحت مراقبت، به محل دیگری در زندان اوین منتقل می‌شود. هنگامی که خانم کاظمی صدای بازجویی را که برای سؤال کردن از او آمده بود می‌شنود، شروع به فریاد زدن و فحاشی می‌کند.

#### مرحله سوم (۴ ساعت در اختیار دادسرا)

- ساعت ۱۷:۲۰. خانم کاظمی در اختیار دادسرا قرار داده می‌شود. یک نماینده وزارت اطلاعات او را به بند ۲۴۰ منتقل می‌کند. وی تا ساعت ۲۱:۳۰ آنجا می‌ماند.

<sup>۲۷</sup> بعدها در گزارشها مشخص شد که این فرد قاضی ارجمند بوده است. رک. "شرح ماجرای شکنجه و قتل زهرا کاظمی از زبان محسن آرمین" که متن کامل نطق محسن آرمین در مجلس است. میهن، ۸ شهریور ۱۳۸۲ برابر با ۳۰ اوت ۲۰۰۳، [از این به بعد: متن کامل نطق محسن آرمین در مجلس] (پیوست شماره ۹)، ص. ۶؛ و تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۱۲.

<sup>۲۸</sup> صاحب‌نظران این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا زهرا کاظمی تحت نظارت و بازجویی شدید قرار گرفته با اینکه، تنها چند ساعت قبل از آن، ظاهراً فقط از او خواسته شد که دوربینش را جهت بازرسی بگذارد و صبح روز بعد آن را پس بگیرد. عبدالکریم لاهیجی خاطر نشان کرد:

چرا در فاصله دو ساعت همه چیز تغییر می‌کند و بازجویی از کسی که بر خلاف نظر دو قاضی خود خواسته است که در بازداشت بماند، به قدری ضرورت و فوریت پیدا می‌کند که در ساعت ۱۰:۳۰ شب به سراغ او می‌روند و سعید مرتضوی و معاونش تا ساعت ۲:۳۰ صبح از او بازجویی می‌کرده‌اند؟ فردی که دارای هیچ‌گونه پیشینه کیفری نبوده و حداکثر تخلفی که ممکن است از ناحیه وی سر زده باشد اینست که از نمای خارجی زندان اوین عکس گرفته، متهم به ارتکاب چه جنایتی است که نیمه‌های شب دادستان تهران و معاونش در زندان اوین به مدت چهار ساعت او را به بازجویی بکشند؟ آن هم دادستانی که در دوران تصدی نه چندان درازش در منصب قضا، تخصص در جاسوس‌سازی دارد.

اظهارات عبدالکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۱.

<sup>۲۹</sup> در گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری (رک. زیرنویس ۱، ص. ۲) ذکر شده است که این قرار بازداشت از سوی "بازپرس شعبه ۱۲" (بدون ذکر نام بازپرس) صادر شده است. در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی (رک. زیرنویس ۳، ص. ۱۷) هویت این فرد به‌عنوان بازپرس دادسرای عمومی (منطقه ۷، شعبه ۱۲) به اسم طباطبایی نژاد مشخص شده است.

## مرحله چهارم (۲۶ ساعت در اختیار وزارت اطلاعات)

- ساعت ۲۱:۴۰. خانم کاظمی تحت نظر کارشناسان وزارت اطلاعات قرار می‌گیرد. از ۲۱:۴۵ تا ۲۲:۱۵ مورد بازجویی قرار گرفته و سپس "برای استراحت به بند" بازگردانده می‌شود.
- ۴ تیر ۱۳۸۲، ساعت ۲۲:۳۰ تا ۱۰ صبح روز ۵ تیر. وی در سلول خود در بند نسوان باقی می‌ماند.
- ۵ تیر ۱۳۸۲، ساعت ۱۰ تا ۱۴. خانم کاظمی مورد بازجویی بیشتری قرار می‌گیرد اما بنا به گزارشها "از پاسخ به پرسشهای مأمورین طفره رفته و اظهار می‌دارد این پرسشها هیچ ارتباطی با حرفه وی ندارد."
- ساعت ۱۴. خانم کاظمی به سلولش برگردانده می‌شود و تا ساعت ۱۵:۳۰ در آنجا می‌ماند.
- ساعت ۱۵:۳۰. بازجویی مجدداً آغاز و تا ساعت ۱۶:۳۰ ادامه می‌یابد.
- ساعت ۱۶:۳۰. پزشک وزارت اطلاعات خانم کاظمی را مورد معاینه قرار داده و تشخیص می‌دهد که حال عمومی او خوب است و می‌تواند به سؤالات پزشکی به‌خوبی پاسخ دهد. خانم کاظمی تنها از بی‌حالی و ضعف شکایت داشت. پزشک به او توصیه می‌کند که به اعتصاب غذا پایان داده و مقداری دارو مصرف کند.
- ساعت ۱۷ تا ۱۹ بعدازظهر. خانم کاظمی جهت بازجویی بیشتر به اتاق بازجویی برگردانده می‌شود. در این هنگام بازجویان متوجه می‌شوند که وی حالت عادی ندارد، از این رو پرستاری را صدا می‌زنند تا به او آب قند بدهد.
- ساعت ۲۰:۴۰. یکی از نگهبانان زندان با مسئول خود تماس می‌گیرد و عنوان می‌کند که خانم کاظمی بی‌حال است. یک پرستار بند امنیتی از بهداری به بند می‌آید تا او را ببیند. خانم کاظمی از ضعف شکایت دارد. وی سپس به مدت ده دقیقه می‌خوابد و به محض اینکه بیدار می‌شود از ناراحتی شدید - بی‌حالی، تهوع، و سردرد شکایت می‌کند. در این فاصله، از بینی او خون می‌آید و استفراغ می‌کند که خون در آن مشاهده می‌شود. مقامات او را با صندلی چرخ‌دار به بهداری اوین می‌برند.
- ساعت ۲۳:۳۰. مقامات زندان اوین تصمیم می‌گیرند خانم کاظمی را به بیمارستان نظامی بقیه‌الله الاعظم منتقل کنند.
- ۶ تیر ۱۳۸۲، ساعت ۲۰ دقیقه بامداد. زهرا کاظمی به همراه سه نگهبان، در اتاق اورژانس بیمارستان نظامی بقیه‌الله الاعظم به‌دلیل "ناراحتی گوارشی" یا مشکل معدی - روده‌ای پذیرفته می‌شود.<sup>۳۰</sup>
- ساعت ۱۳:۳۰. خانم کاظمی پس از مرگ مغزی به بخش مراقبتهای ویژه انتقال می‌یابد.
- ۱۹ تیر ۱۳۸۲. زهرا کاظمی فوت می‌کند.

<sup>۳۰</sup> دلایل این تشخیص اولیه مبهم است. همان‌طور که شواهد پزشکی نشان می‌دهد، زهرا کاظمی جراحتهای زیادی داشته است که در این تشخیص پزشکی منعکس نشده است. (گزارش پزشکی دکتر شهرام اعظم، رک. زیرنویس ۴، صص. ۱ و ۲)

هیئت ویژه رئیس جمهوری تشخیص داد که شواهد پزشکی حاکی از آن است که مرگ زهرا کاظمی به علت ضربه‌ای بوده که به جمجمه او وارد شده بوده است. به عبارت دقیق‌تر، "شکستگی جمجمه، خونریزی مغزی و عوارض آن بر اثر اصابت جسم سخت به سر و یا برخورد سر به جسم سخت."<sup>۳۱</sup> هیئت ویژه رئیس جمهوری نتیجه گرفت که با توجه به گزارشهای پزشکی در مورد زمان ضرب‌دیدگی جمجمه، دو فرضیه قابل طرح است:

- زمان ضرب دیدگی جمجمه پنجم تیرماه و حداکثر ۲۴ ساعت پیش از آن بوده؛ یا
- زمان ضرب دیدگی جمجمه پنجم تیرماه و حداکثر ۱۲ ساعت پیش از آن بوده است.

بر این اساس، هیئت ویژه رئیس جمهوری به این نتیجه رسید که "تمامی کسانی که در محدوده‌های زمانی فوق با نامبرده [زهرا کاظمی] در ارتباط بوده‌اند شناسایی شوند و مورد تحقیق قرار گیرند."<sup>۳۲</sup> همچنین، هیئت ویژه رئیس جمهوری پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

الف. ارجاع پرونده به قوه قضاییه و تعیین بازپرس ویژه و مستقل به منظور شناسایی مسئول یا مسئولان اصلی حادثه؛<sup>۳۳</sup>

ب. اطلاع‌رسانی سریع به افکار عمومی؛

ج. تدوین و به کارگیری شیوه‌هایی مناسب برای ارتقای کیفیت نگهداری متهمان، به ویژه خبرنگاران در مدت بازداشت.<sup>۳۴</sup>

<sup>۳۱</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۳.  
<sup>۳۲</sup> همان، ص. ۳. ناظران با انتقاد از هیئت به دلیل پنهان کردن آشکار اطلاعات مهم و واگذاری مجدد همان کاری که هیئت برای انجام آن تشکیل شده بود، خاطرنشان کردند که:

هیئت تحقیق نه از دادستان تهران و معاونش تحقیق می‌کنند و نه از "تمامی کسانی که در محدوده‌های زمانی فوق از زهرا کاظمی بازجویی کرده‌اند" و بدین بسنده می‌کنند که این افراد بایستی "شناسایی شوند و مورد تحقیق قرار گیرند".

اظهارات عبدالکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۲.

<sup>۳۳</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۴. بنا بر گزارش رسانه‌ها، رئیس قوه قضاییه نخست تحقیق و پیگیری را به خود مرتضوی واگذار کرد. بی بی سی در ۳۰ تیر ۱۳۸۲ برابر با ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۳ در مقاله‌ای گزارش داد:

سعید مرتضوی ریاست تحقیقات در مورد مرگ خانم کاظمی ۵۴ ساله را برعهده خواهد داشت. انتصاب مرتضوی یک روز بعد از این صورت گرفت که نمایندگان مجلس ... به خاطر ناتوانی او در محافظت از خانم کاظمی... خواستار استعفای وی شدند ... انتصاب مرتضوی از سوی آیت‌الله محمود شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، زمانی صورت گرفت که رئیس جهور خاتمی بعد از ناکام بودن تحقیقات دولت در زمینه چگونگی و علت فوت خانم کاظمی از ایشان خواسته بود تا جزئیات پرونده را روشن کند.

"دادستان تهران درباره مرگ خبرنگار تحقیق می‌کند"، بی بی سی آنلاین، ۳۰ تیر ۱۳۸۲ برابر با ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۳،

[BBC News online, Tehran prosecutor investigates journalist's death]

رک. [http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle\\_east/3085225.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/3085225.stm) [تاریخ دسترسی: ۶ اردیبهشت ۱۳۸۵] در حالی که به نظر می‌رسد که انجام تحقیقات در نهایت به اشخاص دیگری محول شد، گفته می‌شود که مرتضوی تنها پس از افزایش فشار بر او از ایفای این نقش منصرف شد. همچنین نگاه کنید به تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۵ (توضیح درباره تلاش تحقیقاتی درباره مرگ زهرا کاظمی توسط یک گروه سه نفره که رئیس قوه قضاییه تعیین کرده بود).

<sup>۳۴</sup> با این حال، تقاضای هیئت ویژه رئیس جمهوری جهت انجام تحقیقات بیشتر در مورد مرگ زهرا کاظمی با توجه به قسمت "ملاحظات" که این هیئت به هنگام نتیجه‌گیری گزارش خود فهرست کرده است تضعیف می‌شود (ظاهراً هیئت بر این باور بوده که این موارد فاکتورهایی برای تخفیف دادن است):

- ۱- خانم کاظمی از ابتدای بازداشت تا آخر، از خوردن غذا امتناع می‌ورزیده و فقط آب می‌آشامیده است.
- ۲- وی در مراحل مختلف بازداشت، به سؤالات، پاسخهای نامربوط می‌داده و از ارائه هر گونه پاسخ شفاف طفره می‌رفته است.
- ۳- در تاریخ ۸۲/۴/۱۵ از سوی قاضی پرونده با قید وثیقه پنج میلیون تومانی آزاد می‌شود و در بیمارستان در اختیار خانواده‌اش قرار می‌گیرد.
- ۴- رفتارهای غیرطبیعی، جسورانه و پرخاشگرانه او در مدت بازداشت از سوی هر سه نهاد ذیربط تأیید شده است.
- ۵- هنگامی که در اختیار ناجا بوده است، جز اظهار ناراحتی به خاطر برخوردهای تنبیهی مأموران مراقب او در شب اول اقامت در بازداشتگاه، ناراحتی دیگری گزارش نشده است.

## ب- تحقیقات و گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی

اندکی پس از انتشار گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، بررسی دیگری درباره مرگ زهرا کاظمی، بر اساس اصل نود قانون اساسی، که مجلس را ملزم به تحقیق و تهیه گزارش در مورد شکایات افراد<sup>۳۵</sup> علیه قوای سه گانه می کند، آغاز شد.<sup>۳۶</sup> این تحقیقات در ۹ تیر ۱۳۸۲ به ریاست حسین انصاری راد، نماینده مجلس، آغاز شد<sup>۳۷</sup> و در مدت چند ماه و از طریق نشستهایی با مقامات دولتی، اسناد و مدارک لازم جمع آوری گردید.

### یافته‌های کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی

گزارش کمیسیون در آبان ۱۳۸۲ منتشر شد. در این گزارش فهرستی از قوانین متعددی که در جریان دستگیری و بازداشت زهرا کاظمی نقض شده بودند، ارائه شد.<sup>۳۸</sup> کمیسیون اقدامات سعید مرتضوی، دادستان کل تهران، و به ویژه اقدامات آشکار ایشان در مداخله در تحقیقات رسمی و پنهان کردن حقایق مرگ زهرا کاظمی را شدیداً مورد انتقاد قرار داد.

گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۴. به همین نحو، گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری (در ص. ۱) خاطر نشان می کند که "در فرانسه (زهرا کاظمی) با همسرش اختلاف پیدا کرد و ... از او جدا شد." (توضیحی که رابطه آن با پرونده مبهم است و احتمالاً تنها با هدف توصیف خانم کاظمی به عنوان شخصی که ذاتاً مشاجره طلب بوده ذکر شده است.) در حالی که ممکن است توصیف هیئت ویژه رئیس جمهوری از زهرا کاظمی به عنوان فردی که در طول مدت بازداشت تمایلی به همکاری نداشته، تلاشی برای القای این مطلب که رفتار خود او سبب و علت بد رفتاری با او شده است، چنین استدلالی بر اساس دستورالعمل‌های بین المللی برای رفتار با بازداشت شدگان (که در بخش پنجم، قسمت ب، بند ۲ توضیح داده خواهد شد) نادرست است.

همچنین توجه کنید که ملاحظه شماره ۳- جسد خانم کاظمی در بیمارستان به خانواده کاظمی برگردانده شد - مورد اختلاف است، نگاه کنید به تقاضای تجدیدنظر خانواده کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۱۱ (که در آن ذکر شده که مادر خانم کاظمی را "مجبور" به دفن سریع جسد زهرا کاظمی کردند، بدون آنکه به پزشکی که از سوی خانواده کاظمی انتخاب شده بودند فرصت داده شود که او را معاینه کنند.) عبدالکریم لاهیجی چنین استدلال می کند که "این دروغ و قیچانه هم دلیل دیگری است بر جانبداری و عدم استقلال این هیئت در انجام مأموریت، و نه تحقیق خویش." اظهارات عبدالکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۲.

در حالی که جزئیات دقیق درباره ملاحظه ۵ مبهم است، در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی گزارش شده است که در گزارش واحد اطلاعات نیروی انتظامی ذکر شده که خانم کاظمی از بد رفتاری، ضرب و شتم و تجاوز در مدتی که در زندان اوین بوده است شکایت داشته و یک گزارش ضرب و شتم و تجاوز برای او آماده شده است (تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۲۱)

<sup>۳۵</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۱ توضیح می دهد که:

"در تاریخ ۸۲/۴/۱۸ شکواییه خانم عزت ابراهیمی، مادر خانم زهرا کاظمی واصل گردید که ملتمسانه در خصوص وضعیت دخترش کمک می خواست و تصریح داشت که فرزندش در بیمارستان بقیه الله در حالت اغما بستری می باشد و امیدی به زنده ماندنش وجود ندارد."

<sup>۳۶</sup> اصل نود قانون اساسی مقرر می سازد که:

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

همچنین، ماده دوم قانون نحوه اجرای اصل نود تصریح می کند که مقامات موظف هستند به درخواست کمیسیون اصل نود برای اطلاعات پاسخ دهند: این کمیسیون می تواند جهت کسب اطلاعات کافی از مسئولین مذکور (قوای سه گانه) دعوت یا مستقیماً با آنها مکاتبه نماید و آنها مکلف به اجابت هستند. در صورت تخلف و ثبوت جرم عدم پاسخگویی توسط کمیسیون و اعلام آن، دادگاه صالح موظف است خارج از نوبت رسیدگی و در صورت ثبوت جرم مقدار کیفر مذکور در تبصره ماده واحده مصوب را مشخص و نتیجه را به کمیسیون اعلام نماید.

گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۳.

<sup>۳۷</sup> برای توضیح بیشتر درباره کمیسیون اصل نود قانون اساسی و اعضای آن در دوره ششم مجلس، نگاه کنید به

[http://member.majlis.ir/pro/memberlist.asp?x\\_dore=200&z\\_dore=%3D%2C%2C&x\\_comission=30&z\\_comission=%3D%2C%2C](http://member.majlis.ir/pro/memberlist.asp?x_dore=200&z_dore=%3D%2C%2C&x_comission=30&z_comission=%3D%2C%2C) (تاریخ دسترسی: ۲ خرداد ۱۳۸۵)

<sup>۳۸</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲. همچنین برای توضیح بیشتر از قوانین جمهوری اسلامی که در دستگیری و بازداشت زهرا کاظمی نقض شدند، نگاه کنید به تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، صص. ۲۱-۱۳.



## ۱. غیرقانونی بودن دستگیری زهرا کاظمی بر اساس قوانین ایران

کمیسیون اصل نود تأکید کرد که اگرچه خانم کاظمی مجاز به عکس گرفتن از دیوار زندان اوین نبوده است، اما به صورت قانونی مجوز عکاسی در ایران را دریافت کرده بود.<sup>۳۹</sup> به نظر کمیسیون، دستگیری و بازداشت خانم کاظمی، عکس‌العملی نامناسب در برابر خطای او، یعنی نادیده گرفتن علائم "عکسبرداری ممنوع" و احتمالاً نقض محدوده مجوز عکاسی‌اش، بوده است.<sup>۴۰</sup> کمیسیون اظهار داشت:

"از مقام قضایی دادستان عمومی تهران بعید است که بدون توجه به عناوین [ی] تعریف شده مجرمانه که به تفصیل در قوانین جزایی احصاء شده است عکسبرداری از دیوار اوین را جرم تلقی نمایند و یا شخصی را بدین استناد مستحق بازداشت و یا صدور قرار تأمین دیگری بدانند."<sup>۴۱</sup>

کمیسیون تأکید کرد که اتهام جاسوسی علیه خانم کاظمی بی‌اساس بوده است:

قطعاً دستگیری اولیه نامبرده که به هدایت خانم کاظمی به زندان اوین تعبیر شده است، بدون دلایل کافی در توجه اتهام جاسوسی بوده است، نظر وزارت اطلاعات به عنوان مرجع قانونی در کشف جرایمی مثل جاسوسی<sup>۴۲</sup> مبنی بر آزاد کردن خانم کاظمی به خوبی نشان‌دهنده این واقعیت است که مدارک و دلایل کافی برای توجه چنین اتهامی اساساً وجود نداشته است.<sup>۴۳</sup>

علاوه بر این، فقدان اسناد و مدارک لازم برای اثبات تخلف زهرا کاظمی به این معنی است که پیش‌نیازهای لازم برای صدور قرار بازداشت وجود نداشته است، بنابراین "می‌توان این بازداشت را غیرقانونی خواند." کمیسیون توضیح داد:

پس از بازداشت وی موازین اصل ۳۹ قانون اساسی<sup>۴۴</sup> نیز در مورد متهمه رعایت نشده است. مواد ۳۲ و ۳۵ و ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۸/۵/۲۸ برای جایز بودن و یا الزامی بودن صدور قرار بازداشت شرایطی را ذکر کرده است که در هر صورت وجود قرائن، امارات و دلایل قانونی در توجه اتهام، فرض اولیه برای صدور چنین قرار تأمینی می‌باشد، در حالی که با توجه به مخالفت وزارت اطلاعات در دستگیری و ادامه بازداشت خانم کاظمی، تنها مدرک متصور، فیلم موجود

<sup>۳۹</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۳.

<sup>۴۰</sup> در گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۱، ذکر شده است که "در معرفی (معرفی نامه) کمرا پرس، هدف از فعالیت خانم کاظمی تهیه عکس از زندگی روزانه مردم عادی در شهر تهران، قید شده بود." در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۱۳، از یک سرباز به نام مسلم شاهی صدرآبادی، که آن روز نگهبان ورودی زندان اوین بوده، نقل شده است که خانم کاظمی صرفاً از مردم متحصن بیرون از زندان اوین عکس می‌گرفت - و اصلاً ذکر نشده که او از ساختمان زندان یا منطقه‌ای ممنوعه عکس گرفته است.

<sup>۴۱</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۳.

<sup>۴۲</sup> صراحت بند ماده ۱۰ قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۶۲/۵/۲۷ (گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵).

<sup>۴۳</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵، با این حال، باور عامه در این مورد بیشتر همان بود که مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، محمد حسین خوشوقت گفت: "آیا اگر کسی واقعاً جاسوس باشد احتیاجی به این نوع مجوز دارد و بدین سان آشکار در برابر چشم مأموران از زندان اوین عکسبرداری می‌کند؟" نگاه کنید به نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۱۷، ص. ۲. همچنین معلوم نیست که کدام مدرک زمینه را برای این ادعای مرتضوی فراهم کرده است که: "این خانم علاوه بر جاسوسی وظیفه دیگری هم داشتند و آن بررسی در مورد توزیع صد میلیون و یا پانصد میلیون دلار (تردید از من است [خوشوقت]) پول آمریکاست به افراد مختلف برای براندازی نظام، تا ببینند که اینان به وظایفشان عمل کرده‌اند یا خیر؟" (شهادت خوشوقت به کمیسیون اصل نود که در گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۱، ذکر شده است).

<sup>۴۴</sup> اصل ۳۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است."

در دوربین عکاسی وی بوده که حسب اظهارات همه مسئولین ذریبط، فیلم مورد نظر توسط خانم کاظمی و در حضور مأمورین زندان، نور دیده و قابلیت ظهور نداشته است، بنابراین می‌توان بر این نظر بود که صدور قرار بازداشت توسط قاضی محترم مستقر در زندان اوین موجه نبوده.<sup>۴۵</sup>

کمیسیون خاطر نشان کرد که مدرک دیگر غیرقانونی بودن قرار بازداشت اولیه زهرا کاظمی، آزاد کردن خانم کاظمی در ۱۵ تیر ۱۳۸۲ با قید وثیقه پنج میلیون تومانی است. (هنگامی که زهرا کاظمی در اغما به سر می‌برده است). کمیسیون بیان داشت که این امر:

... به‌خوبی اثبات‌کننده این نکته است که صدور قرار بازداشت اولیه بدون رعایت موازین قانونی موضوع ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بوده و صادرکننده آن به استناد ماده مزبور ... قابل تعقیب ... می‌باشد.<sup>۴۶</sup>

سرانجام، کمیسیون خاطر نشان کرد که این تخلفات علی‌رغم حضور قضاتی در زندان اوین که خود می‌بایستی تضمین‌کننده اجرای درست اصول آیین دادرسی باشند روی داده است:

قضاتی در زندان اوین حضور داشتند و می‌توانستند با توجه به بازجویی‌های اولیه موجبات آزادی خانم کاظمی و یا صدور قرار تأمین مناسب را فراهم آورند.<sup>۴۷</sup>

پرسشهای دیگر در مورد قانونی بودن دستگیری و بازداشت خانم زهرا کاظمی در بخش پنجم، قسمت ب، بند ۲ توضیح داده خواهد شد.

## ۲. دخالت در امر تحقیقات در زمینه مرگ زهرا کاظمی

کمیسیون اصل نود از دادستان مرتضوی به دلیل عدم همکاری در زمینه انجام تحقیقات و نیز عدم حضور در جلسه‌های تحقیقاتی کمیسیون پس از درخواست از او برای شرکت در آنها، شدیداً انتقاد کرد. کمیسیون اظهارات آقای مرتضوی مبنی بر اینکه "الزام قانونی به شرکت در جلسات کمیسیون اصل نود ندارد"، "شگفت‌انگیز" خواند و خاطر نشان کرد که:

اگر آقای مرتضوی مرور کوتاهی به قوانین موضوعه در خصوص حدود اختیارات کمیسیون مصوب مجلس شورای اسلامی می‌کردند هرگز با چنین صراحتی مرتکب این اشتباه بزرگ نمی‌شدند و کمیسیون را متهم به عدم اطلاع از قوانین نمی‌کردند.<sup>۴۸</sup>

<sup>۴۵</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵ (تأکید شده است). وکیل خانواده کاظمی استدلال می‌کند که در حالی که قانون آیین دادرسی کیفری اجازه صدور قرار بازداشت موقت را می‌دهد، ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تأکید می‌کند که تنها در صورتی می‌توان چنین قرارهایی را صادر کرد که اساس قانونی مناسب داشته باشند و اینکه دستگیری و حق اعتراض مظنون به‌طور روشن و واضح در متن قرار بازداشت ذکر شود - ملزوماتی که به آنها عمل نشد. به‌علاوه، وکیل خانواده کاظمی استدلال می‌کند که با توجه به دیدگاه افسران پلیس خارج زندان (آن‌گونه که در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، صص. ۱۴-۱۳ ذکر شده است) و وزارت اطلاعات (آن‌گونه که در گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی، صص. ۲ و ۳ ذکر شده است) مبنی بر اینکه خانم کاظمی هیچ تهدیدی نبوده، و همین‌طور عدم ذکر هر نوع اعتراض به دستگیری از سوی خانم کاظمی در مدارک دستگیری، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که صدور قرار بازداشت مطابق با آیین دادرسی غیرقانونی بوده است. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، صص. ۱۴-۱۳.

<sup>۴۶</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵.

<sup>۴۷</sup> همان، ص. ۴.

<sup>۴۸</sup> همان، ص. ۳. گزارش کمیسیون اصل نود متذکر شد که بیمارستان نظامی بقیه‌الله الاعظم (که خانم کاظمی تحت درمان قرار گرفت) و نیروی انتظامی نیز به درخواست اطلاعات توسط کمیسیون پاسخ ندادند.

کارشکنی آقای مرتضوی در روند تحقیقات، منحصر به عدم حضور در جلسات کمیسیون اصل نود نبود. تلاش ایشان برای جلوگیری از انجام تحقیقات، جعل کردن مدارک و وادار کردن شهود به پس گرفتن یا تغییر دادن شهادت قبلی خود از جمله مواردی است که کمیسیون از آنها پرده برداشت.<sup>۴۹</sup> کمیسیون اصل نود همچنین مدارکی مبنی بر دخالت سایر مقامات و مسئولان در روند تحقیقات به دست آورد که نامشان ذکر نشده است.

• قاضی مرتضوی، محمد حسین خوشوقت (مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) را تحت فشار قرار داد تا شهادت دروغ بدهد و تهدید کرد که پای او را در اتهام جاسوسی علیه کاظمی به میان خواهد کشید.<sup>۵۰</sup>

کمیسیون اصل نود نامه‌ای از آقای مرتضوی دریافت کرد (مورخ ۱۹ تیر ۱۳۸۲) که در آن ایشان اظهار داشته که بر اساس گزارش محمد حسین خوشوقت، مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خانم کاظمی در حال "تهیه گزارش و عکس برای یکی از سازمانهای اطلاعاتی [جاسوسی] بیگانه"، "بدون کسب مجوز از وزارت اطلاعات و رعایت تشریفات قانونی"<sup>۵۱</sup> بوده است. در نامه آقای مرتضوی خاطر نشان شده که آقای خوشوقت "مطابق تقاضای کتبی پیوست پرونده، از دادسرا تقاضای ممانعت از فعالیت نامبرده را نموده است."<sup>۵۲</sup>

در حالی که کمیسیون در رابطه با گزارش مذکور به این نتیجه رسید که این گزارش - که آقای مرتضوی به آن به عنوان مدرک استناد کرده بود - در حقیقت نتیجه تهدید آقای خوشوقت توسط آقای مرتضوی بوده است. در نشستی با نمایندگان کمیسیون، آقای خوشوقت شهادت داد که:

... در تاریخ ۸۲/۴/۴ چهارشنبه صبح اول وقت دفتر آقای مرتضوی تماسی روی موبایل من داشتند که خواستند من با آقای مرتضوی تماس فوری بگیرم ... من بلافاصله تماس گرفتم ایشان به من گفتند که یک خبرنگار جاسوس گرفتیم در حال جاسوسی و متوجه شدیم که شما در واقع مجوز فعالیت به ایشان داده‌اید، شما چرا به جاسوسها مجوز کار می‌دهید؟<sup>۵۳</sup>

از قرار معلوم آقای مرتضوی، آقای خوشوقت را صرفاً به دلیل صدور مجوز عکاسی برای خانم زهرا کاظمی توسط دفتر ایشان، تهدید به مشارکت در اتهام جاسوسی علیه زهرا کاظمی کرد. آقای مرتضوی تأکید کرد که:

این همین خانم کاظمی هست ایشان جاسوس است و اعتراف به جاسوسی کرده، اعتراف کرده که وصل به سرویس هست. به هر حال شما کمک کردید به ایشان برای این جرمی که مرتکب شده اگر ایشان اعتراف بکند که با شما قبل از اینکه از عراق به ایران<sup>۵۴</sup> بیاید در ارتباط بوده و این اقدام مجرمانه را با همکاری شما انجام داده با او همدست بودید چه کار می‌کنید؟<sup>۵۵</sup>

<sup>۴۹</sup> همان، ص. ۳

<sup>۵۰</sup> نامه سرگشاده آقای خوشوقت به مدیر مسئول یاس نو جزئیات بیشتری را در مورد جلسه‌ای که در آن مرتضوی او را وادار به جعل مدارک کرده است ارائه می‌دهد. (نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۱۷، صص. ۲ و ۳)

<sup>۵۱</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۱

<sup>۵۲</sup> همان، ص. ۱

<sup>۵۳</sup> همان، ص. ۱

<sup>۵۴</sup> چنان که قبلاً ذکر شد، زهرا کاظمی قبلاً چند بار برای تهیه گزارش به عراق سفر کرده بود.

<sup>۵۵</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۱

در اعتراض آقای خوشوقت که "شما باید این را ثابت کنید"، ظاهراً آقای مرتضوی پاسخ داد:

تا بخواهد ثابت شود خیلی طول می‌کشد... اگر من بخواهم ... اگر من بخواهم بفرستم به اوین زیردست بازجو می‌روید معلوم نیست کی بیاید بیرون و این کار را انجام نمی‌دهم. اگر بخواهم وثیقه تعیین کنم که الآن ساعت چهار است دیر است این کار را هم نمی‌کنم ولی شما این فرم متهم به معاونت در جرم جاسوسی را پر کنید.<sup>۵۶</sup>

آقای خوشوقت همچنین درباره دومین جلسه‌اش با مرتضوی در خصوص انتشار بیانیه مطبوعاتی‌ای که قرار بود پس از مرگ خانم کاظمی منتشر کند، نزد کمیسیون شهادت داد که:

شنبه ۲۱ تیرماه باز دفتر ایشان به من تلفن کردند و گفتند آقای مرتضوی می‌خواهند ساعت ۳ امروز حتماً شما را ببینند ... رفتیم و ایشان بلافاصله گفتند این خانم فوت کرد و حالا شما این خبر را چگونه می‌خواهید مخابره کنید؟ (بعد آقای مرتضوی اصرار کردند برای خبرنگاران بنویس که:) ... این خانم نزد بازجویان وزارت اطلاعات بوده آنجا اظهار کسالت می‌کند و به بیمارستان اعزام می‌شود و آنجا سگته مغزی می‌کند و می‌میرد. آقای مرتضوی اصرار داشت که من بنویسم وزارت اطلاعات هم ایشان را تأیید نمی‌کرده است ... و گفتند این مطالب را از قول من ننویس و از قول خودت بنویس<sup>۵۷</sup> ... به هر حال من کوتاه آمدم که اینها را از قول یک مقام قضایی یا یک مرجع قانونی ذکر کنیم و نه از قول دادستان ... بعد از تایپ آقای مرتضوی گفتند امضا کن و من امضا کردم. ... ایشان به دفترشان گفتند این متن مصاحبه امضا شده را برای خبرگزاری فکس کنید ... من خواستم خداحافظی کنم آقای مرتضوی با خنده زیبایی [زیایی] به من گفتند شما باش و از این جا نرو تا خبر که روی خروجی ایرنا رفت و برای ما فکس شد از این جا تشریف ببرید.<sup>۵۸</sup>

آقای مرتضوی فشار بر آقای خوشوقت را تنها زمانی کاهش داد که از رابطه نزدیک خانوادگی ایشان با آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آگاه شد.<sup>۵۹</sup> با این حال، آقای خوشوقت خاطرنشان کرد: "وقتی که آقای مرتضوی ... به صورت مکتوب آن اظهارات خلاف را کردند من واقعاً شوکه شدم و وجدانم اجازه نداد سکوت کنم و مجبور شدم به صورت مکتوب پاسخ بدهم."<sup>۶۰</sup>

<sup>۵۶</sup> همان، ص. ۱.

<sup>۵۷</sup> به گفته آقای خوشوقت، آقای مرتضوی اصرار کرد که به‌عنوان منبع اطلاعات شناخته نشود، زیرا به گفته خودش: "این روزها فشار بر روی من زیاد است، با ذکر نام من در مصاحبه شما، فشار بیشتر می‌شود". (نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۱۷، ص. ۳) علاوه بر دیکته کردن محتویات بیانیه مطبوعاتی به آقای خوشوقت، آقای خوشوقت گفتند که آقای دادستان:

"پیش نویس تنظیم شده از سوی اینجانب را به مسئول دفتر خود داد تا بر سربرگ وزارت ارشاد [وزارتی که آقای خوشوقت در آن کار می‌کرد] - که در اختیار ایشان بود- تایپ شود!

این برگ، به ابتکار شخص آقای مرتضوی و از طریق کپی کردن سربرگی تهیه شد که متعلق به معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد بود و متن مصاحبه نخستین اینجانب روی آن تایپ گردیده بود."

نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۱۷، ص. ۳.

<sup>۵۸</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، صص. ۱ و ۲.

<sup>۵۹</sup> همان، ص. ۱. در اخبار رویداد گزارش شده که خواهر آقای خوشوقت، عروس رهبر انقلاب است. (نگاه کنید به نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۱۷، ص. ۴)

<sup>۶۰</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۲. خوشوقت اشاره کرد که دیگر مقامات دولتی نیز از این تعاملات اطلاع داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال، او خاطرنشان کرد که "آقای صفحی، معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد، در جریان کامل (هر دو ملاقات) قرار داشتند."

- گفته می‌شود که آقای مرتضوی متن نامه‌ای را که رسماً توسط یک مقام زندان اوین نوشته شده، به او دیکته کرده است. در این نامه آمده بود که خانم کاظمی دچار "سکته مغزی" شده است. هنگامی که کمیسیون اصل نود آقای مرتضوی را مورد سؤال قرار داد، او به این نامه به‌عنوان مدرک ادعایش اشاره کرد.

آقای مرتضوی ادعا کرد که منبع خبر در مورد "سکته مغزی" خانم کاظمی، نامه‌ای از رئیس بازداشتگاه امنیتی زندان اوین، مورخ ۱۹ تیر ۱۳۸۲ بوده است.<sup>۶۱</sup> اما وزارت اطلاعات اظهار داشت که:<sup>۶۲</sup>

رئیس بازداشتگاه امنیتی اوین طی نامه مورخ ۸۲/۴/۶ که به شعبه ۱۲ بازپرسی ناحیه ۷ تهران می‌نویسد، برای نخستین بار به اعتصاب غذای خانم کاظمی اشاره می‌کند و اعلام می‌نماید که: "... (خانم کاظمی) به علت پارگی رگ مغز در حال کوما به‌سر می‌برد." ولی آقای مرتضوی به این نامه اعتراض می‌کند و با حضور در بازداشتگاه امنیتی اوین عنوان می‌نماید که شما چرا اعتصاب غذا را در نامه ذکر کرده‌اید؟ و خواستار تعویض نامه ارسالی می‌شوند و بر این اساس نامه دیگری به تاریخ ۸۲/۴/۷ تنظیم و ارسال می‌شود. در این نامه رئیس بازداشتگاه امنیتی اوین خطاب به شعبه ۱۲ بازپرسی می‌نویسند: "متهم زهرا کاظمی به علت ناراحتی مغزی حسب دستور پزشک بهداری اوین در مورخه ۸۲/۴/۵ به بیمارستان بقیه‌الله جهت درمان اعزام گردید که تاکنون در بیمارستان مذکور بستری بوده و حسب اعلام نظر پزشک معالج وی در بیمارستان نامبرده سکته مغزی نموده و در حال حاضر در کوما به‌سر می‌برد."<sup>۶۳</sup>

همان‌طور که کمیسیون اصل نود ذکر کرده است:

لذا بر اساس جوابیه وزارت اطلاعات نامه دوم به دستور و هدایت آقای مرتضوی تهیه می‌شود و همین نامه (که با دستور خود آقای مرتضوی تهیه شده است) مستند نامه آقای مرتضوی در جوابیه واصله قرار گرفته است!<sup>۶۴</sup>

کمیسیون اظهار داشت که "می‌توان بر این نظر بود که هم نظریه القاء شده آقای مرتضوی به رئیس بازداشتگاه امنیتی اوین خارج از حدود اختیارات و وظایف مقام قضایی است و هم اجابت کردن رئیس بازداشتگاه در این خصوص غیر قابل دفاع می‌باشد."<sup>۶۵</sup>

- "دفتر وقایع زندان" اوین و "وقایع بندها دستکاری شده و مخدوش است."<sup>۶۶</sup>

<sup>۶۱</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۴. (جوابیه مرتضوی مورخ ۹ شهریور ۱۳۸۲)

<sup>۶۲</sup> همان (جوابیه وزارت اطلاعات مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۸۲)، ص. ۴.

<sup>۶۳</sup> همان، ص. ۴.

<sup>۶۴</sup> همان، ص. ۴.

<sup>۶۵</sup> همان، ص. ۴. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۱۹، از احسان موسوی، یکی از کارکنان زندان اوین، نقل می‌کند که او یک گزارش وضعیت سلامتی در مورد خانم کاظمی نوشت و بعد از صحبت با مرتضوی یک نسخه تغییر داده شده از آن را ارسال کرد (که به "سکته مغزی" ادعا شده، اشاره می‌کرد).

<sup>۶۶</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۲. در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی جزئیات شماری از تغییرات داده شده در مدارک زندان زهرا کاظمی ذکر شده است، از جمله این امر که یک کپی از گزارش دستگیری حاوی یک جمله اضافی در پایان بوده است، که در کپی‌های دیگر نبوده است (در بخش چهارم، قسمت ج، بند ۲، با جزئیات بیشتری توضیح داده خواهد شد)؛ یک گزارش که در مورد مهر و موم کردن و بازکردن در سلول بوده است و "عمدتاً مخدوش یا بعضاً بدون امضاء بوده و تاریخها دستکاری شده است" و "مخدوش بودن امضاء بازپرس شعبه ۱۲ دادسرای ناحیه ۷ مستقر در زندان اوین، آقای طباطبایی‌نژاد در اوراق بازجویی خانم کاظمی" تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۲ "الحاق و جعل"، صص. ۱۴ و ۱۵.

## • مداخله در ادای شهادت شهود دستگیری کاظمی در زندان اوین

کمیسیون اصل نود مدارکی به دست آورد که نشان‌دهنده وجود شهود هنگام دستگیری (و خشونت در حین آن) زهرا کاظمی بود: "سرباز برجک و پرسنل زندان و سربازهایی که آنجا بودند [دیدند] و در حدود ۲۰ نفر می‌شوند در اظهارات اولیه شهادت داده‌اند ... بعداً این شهود را جمع می‌کنند و می‌برند توجیه می‌کنند ... تا همه حرفهایشان را پس بگیرند. این کار را مسئولین حفاظت اطلاعات زندان اوین انجام می‌دهند."<sup>۶۷</sup>

\* \* \*

در مجموع، کمیسیون خاطر نشان کرد که مدارک "حکایت از نابسامانی و آشفتگی در رفتار دادستانی تهران و نهایتاً انحراف مسیر واقعی پرونده در خصوص مرگ خانم کاظمی دارد."<sup>۶۸</sup> با این حال، کمیسیون از ارائه نتیجه‌گیری قاطع در مورد مسئولیت کیفری هر یک از عاملان "قتل"<sup>۶۹</sup> زهرا کاظمی خودداری کرده و در عوض اظهار داشت که تحقیقات بیشتری لازم است.<sup>۷۰</sup>

### ۳. مداخله در روند اطلاع رسانی کمیسیون اصل نود که مطابق با قانون اساسی الزامی است.

با وجود الزام ارائه گزارش به مردم توسط کمیسیون، مطابق با اصل نود قانون اساسی، دسترسی عمومی به گزارش کمیسیون درباره کاظمی با محدودیت همراه بود. البته گزارش به اطلاع عموم رسانده شد: در ۶ آبان ۱۳۸۲، یکی از

<sup>۶۷</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۲. توجه کنید که محمد بخشی (که ادعا می‌شود در جریان دستگیر کردن زهرا کاظمی با او برخورد داشته است) از قرار معلوم در آن زمان رئیس حفاظت اطلاعات زندان اوین بوده است. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، ص. ۴.

<sup>۶۸</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵. احتمالاً فشار سیاسی مانعی برای علنی کردن تمام یافته‌های ارگانه‌های تحقیقاتی دولت بوده است. گزارش‌های مطبوعاتی‌ای که در آنها وزارت اطلاعات، در جواب به اتهامات علیه خود، "تهدید به چاپ تمام آنچه که می‌داند" کرده بود، حاکی از این امر است که درباره حقایق که علنی شده [و انتخاب آنها] توافقی صورت گرفته بود. سخنان افرادی مانند آقای خوشوقت که گفت "البته مطالب دیگری نیز هست که عندالاقضاء اما نزد مراجع عالی‌رتبه زیربط بیان خواهم داشت" (نامه آقای خوشوقت، رک. زیرنویس ۶، ص. ۳) اشاره به این امر دارد که حتی صریح‌ترین مقامات هم از بازگو کردن یک سری اطلاعات خودداری کردند.

<sup>۶۹</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۲.

<sup>۷۰</sup> با وجود این توصیه‌ها، بعد از انتشار گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی، اقدامات پیگیری اندکی انجام شد. گزارش کمیسیون اصل نود قانون اساسی صراحتاً بیان می‌کند که:

یک نسخه از این گزارش به استناد و صراحت تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶۵/۸/۲۵ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۶۵/۹/۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است به قوه قضاییه برای ارجاع به دادگاه صالح و یک نسخه به دادسرای انتظامی قضات جهت رسیدگی به تخلفات دادستان عمومی تهران و سایر قضاتی که در مراحل اولیه بازداشت مرحوم خانم زهرا کاظمی دخالت و دستور غیر قانونی داشته‌اند ارسال می‌شود تا نتایج رسیدگی‌ها را که به استناد و تبصره یاد شده خارج از نوبت خواهد بود به اطلاع این کمیسیون برسانند.

گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵ و ۶.

با وجود این، مشکل اساسی این بود که چگونه از رجوع پرونده به دادستانی تهران جلوگیری شود. به‌عنوان مثال، چنان که کمیسیون اصل نود قانون اساسی در مورد غیرقانونی بودن بازداشت زهرا کاظمی اشاره کرد: "صادرکننده [قرار بازداشت] ... به‌لحاظ حیثیت عمومی جرم و نیز تخلف انتظامی، قابل تعقیب در دادسرای محترم انتظامی قضات و سپس دادسرای عمومی تهران [می] باشد." گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵. به تقاضاهای خانواده کاظمی برای تعیین یک بازپرس مستقل (و توصیه هیئت ویژه رئیس جمهوری برای "تعیین بازپرس ویژه و مستقل به‌منظور شناسایی مسئول یا مسئولان اصلی حادثه"، گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۴) ظاهراً توجهی نشد.

گزارش شده است که تعدادی تحقیقات داخلی (علاوه بر تحقیقاتی که در بالا ذکر شد) توسط دولت انجام شد. در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی چنین نقل می‌شود که قاضی مرتضوی سعی کرد شخصی به نام آقای محمودی، رئیس حفاظت اطلاعات زندان اوین (رئیس محمد بخشی) را به جای وزارت اطلاعات برای تحقیقات در خصوص جزئیات قضیه بگمارد و این تحقیقات را از دستان وزارت اطلاعات خارج کند؛ حرکتی که برای انجام آن، قاضی مرتضوی صلاحیت قضایی نداشت. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۱-۴، ص. ۳-۵. همچنین در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی به این نکته اشاره می‌شود که هیئت سه نفره‌ای توسط رئیس قوه قضاییه در بازرسی کل کشور تشکیل شد که تحقیقات مفصلی انجام دادند و این سؤال مطرح می‌شود که چرا یافته‌های این گزارش توسط بازپرس دادگاه بدوی مطالبه نشده است. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش ۱، قسمت ۳-۴، ص. ۵.

اعضای کمیسیون، گزارش کمیسیون را در جلسه علنی مجلس قرائت کرد که به صورت مستقیم از رادیوی دولتی تهران پخش شد.<sup>۷۱</sup> اما، دادستان مرتضوی، آن گونه که در زیر شرح داده خواهد شد، برای محدود کردن دسترسی عمومی به گزارش به سرعت وارد عمل شده.

"تنها یک روزنامه در تهران بیانیه کمیسیون را چاپ کرد. دیگر روزنامه‌ها ... اقدام زیادی برای گزارش یافته‌ها نکردند. [روزبه میرابراهیمی روزنامه‌نگار] مطلع شد که مرتضوی با تمام ویراستاران تهران تماس گرفته و تهدید کرده که اگر یافته‌های کمیسیون را پوشش مطبوعاتی بدهند روزنامه آنها را خواهد بست. مدت کوتاهی بعد از آن، یک گزارشگر رادیو فردا که معادل فارسی رادیو اروپای آزاد می‌باشد و تحت حمایت آمریکا است با میرابراهیمی تماس گرفت. گزارشگر از او پرسید که چرا روزنامه‌های تهران یافته‌های کمیسیون را گزارش ندادند. میرابراهیمی خاطر نشان کرد، "من گفتم که مرتضوی مسئول این کار بوده. و من به یاد دارم که هیچ کسی نبود که از من حمایت بکند. هیچ ویراستار دیگری حاضر نشد که بگوید، ما می‌دانیم - مرتضوی با ما هم تماس گرفت. من کاملاً تنها بودم."<sup>۷۲</sup>

گفته می‌شود که مدت کوتاهی بعد از آن، آقای میرابراهیمی برای ملاقات با مقامات اطلاعاتی احضار شد و در آنجا مطلع شد که آقای مرتضوی علیه اقدامات او شکایت کرده است. آقای میرابراهیمی پس از توییح آزاد شد.<sup>۷۳</sup>

ناظران حقوق بشر این مطلب را تأیید کرده و گزارش دادند شب قبل از آنکه روزنامه "یاس نو" گزارش کمیسیون اصل نود را منتشر کند، آقای مرتضوی با ویراستار این روزنامه تماس گرفته و هشدار داده بود که آن را منتشر نکند.<sup>۷۴</sup> اما از آنجاییکه روزنامه زیر چاپ بود، "یاس نو" تنها روزنامه‌ای بود که متن کامل گزارش کمیسیون اصل نود را منتشر کرد.<sup>۷۵</sup>

این وقایع نشان می‌دهد که حتی با وجود مکانیسم‌های تحقیقاتی نظیر کمیسیون اصل نود، زد و بندهای سیاسی مانعی اساسی بر توانایی و قابلیت کارکرد آنهاست.

<sup>۷۱</sup> لارا سکور، فراریها: ایرانیان جوان با فروپاشی اصلاح طلبی رو به رو می‌شوند، مجله نیویورکر،

[Laura Secor, *Fugitives: Young Iranians confront the collapse of the reform movement*, The New Yorker]

۳۰ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵. ر.ک. [http://www.newyorker.com/fact/content/articles/051121fa\\_fact4](http://www.newyorker.com/fact/content/articles/051121fa_fact4) (تاریخ دسترسی: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۲۰ مه ۲۰۰۶) (از این به بعد: فراریها)

<sup>۷۲</sup> همان

<sup>۷۳</sup> همان

<sup>۷۴</sup> دیده‌بان حقوق بشر، مثل مرده در تابوت: شکنج، بازداشت و سرکوب مخالفین در ایران (خرداد ۱۳۸۳ برابر با ژوئن ۲۰۰۴).

[Human Rights Watch, *Like the Dead in their Coffins: Torture, Detention, and the Crushing of Dissent in Iran*]

ر.ک. <http://hrw.org/reports/2004/iran0604/> (تاریخ دسترسی ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۲۱ مه ۲۰۰۶) (از این به بعد: مثل مرده در تابوت)، در ۵۹، شماره ۱۵۳

<sup>۷۵</sup> همان. در ۲۹ بهمن ۱۳۸۳، دادستان مرتضوی دستور بستن روزنامه یاس نو را صادر کرد، چون این روزنامه گزیده‌هایی از نامه‌ای را منتشر کرده بود که در آن بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس از رهبر خامنه‌ای به خاطر تأیید رد صلاحیت بیش از ۲۰۰۰ کاندیدای انتخابات آینده ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان انتقاد کرده بودند. دیده‌بان حقوق بشر گزارش داد که "ماموران امنیتی به دستور مرتضوی ساختمان این روزنامه را محاصره کردند تا از انتشار شماره‌هایی که حاوی گزیده نامه نمایندگان مجلس بود جلوگیری کنند." دیده‌بان حقوق بشر، ایران: فعالیت روزنامه اصلاح طلب قبل از انتخابات منع شده، (۳۰ بهمن ۱۳۸۴ برابر با ۱۹ فوریه ۲۰۰۴)،

[Human Rights Watch, *Iran: Reformist Newspapers Muzzled Before Election*]

ر.ک. <http://hrw.org/english/docs/2004/02/19/iran7571.htm> (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۴).

## رابطه بین پرونده کاظمی و سرکوب گسترده تر مطبوعات

اعمال محدودیت بر مطبوعات نه تنها نقض قانون است، بلکه با جلوگیری از گردآوری اطلاعات درباره موارد نقض قانون و نقض کنندگان آن باعث مصونیت از مجازات می‌شود. متأسفانه، نقش روزنامه‌نگاران در پخش و انتشار اطلاعات باعث می‌شود که بتوان آنها را تحت عناوین مجرمانه مبهمی نظیر "اهانت به رهبری"، "اهانت به اسلام"، "تبلیغ علیه نظام"، یا "جاسوسی" و "ارتباط با سازمانهای خارجی" متهم کرد. در واقع، در پرونده کاظمی، خوشوقت شهادت داد که مرتضوی صراحتاً به او گفته است:

این خبرنگارها همه جاسوس هستند؛ می‌آیند و خط می‌دهند و مشکل ایجاد می‌کنند. شما مساعدت کنید و خبرنگار خارجی را تا انتهای تیرماه ۱۳۸۲ اجازه ورود به ایران ندهید.<sup>۷۷</sup>

اینکه مرتضوی قاطعانه خبرنگاران را با جاسوسها برابر می‌داند - و فرض آشکار او مبنی بر اینکه می‌تواند روی کمک مدیر مطبوعات و رسانه‌های خارجی از طریق ندادن مجوز ورود به خبرنگاران حساب کند - باعث نگرانی شدید در مورد نحوه برخورد با خبرنگاران می‌شود. گرچه مرتضوی را می‌توان سمبل اقدامات برای محدود کردن آزادی مطبوعات در ایران دانست، این اقدامات فراتر از آنچه وی انجام می‌دهد می‌باشد.<sup>۷۸</sup> همان‌طور که یک ناظر در توصیف این شرایط می‌گوید: "اصول گفتمان عمومی در ایران ثابت و بخشش ناپذیر باقی مانده است: شما نمی‌توانید از رهبر، روحانیون و یا سیستم قضایی انتقاد کنید".<sup>۷۹</sup> علاوه بر این، دولت به‌طور منظم لیستی از

<sup>۷۶</sup> سازمان عفو بین‌الملل، ایران: نظام قانونی‌ای که آزادی بیان یا آزادی داشتن انجمن را حراست نمی‌کند، صص. ۹-۳، آذر ۱۳۷۹ برابر با دسامبر ۲۰۰۱.

### Amnesty International, Iran: A Legal System that Fails to Protect Freedom of Expression or Association

رک. <http://web.amnesty.org/library/Index/ENGMDE130452001?open&of=ENG-2D2> (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶) فهرستی از مقررات قانونی که عموماً علیه خبرنگاران به کار برده می‌شود در این منبع لیست شده است؛ این گزارش خاطر نشان می‌کند که قانون مجازات ایران "شامل تعدادی مواد مبهم در مورد انجمنها و امنیت ملی" است که از برخی از فعالیتها، از جمله آنهايي که به خبرنگاری و گفتمان عمومی مربوط می‌شود، جلوگیری می‌کند. حال آنکه این فعالیتها الزاماً تخلفات کیفری مشخصی محسوب نمی‌شوند. "کمیته حمایت از خبرنگاران در سال ۱۳۷۹ گزارش داد که هنگامی که رهبر، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، اعلام کرد نشریه‌های خاصی که نام آنها ذکر نشده، به "پایگاههای دشمنان" مبدل شده است، قوه قضاییه "از این امر به‌عنوان بهانه‌ای برای آغاز سرکوب بی‌سابقه مطبوعات اصلاح‌طلب استفاده کرد. ظرف چند روز مقامات ۱۶ روزنامه مهم اصلاح‌طلب را توقیف کردند." رک. کمیته حمایت از خبرنگاران، جنگ غیر مدنی ایران، ۲۴ مرداد ۱۳۷۹ برابر با ۱۴ اوت ۲۰۰۰.

### [COMMITTEE TO PROTECT JOURNALISTS, Iran's Uncivil Wars]

رک. [http://www.cpj.org/Briefings/2000/Iran\\_aug00/Iran\\_aug00.html](http://www.cpj.org/Briefings/2000/Iran_aug00/Iran_aug00.html) (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶) همچنین نگاه کنید به ژوئل کامپانیا، کمیته حمایت از خبرنگاران، ایران: محاکمه مطبوعات، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۹ برابر با ۵ مه ۲۰۰۰.

### [Joel Campagna, Committee to Protect Journalists, Iran: the Press on Trial]

رک. [http://www.cpj.org/Briefings/2000/Iran\\_may00/Iran\\_may00.html](http://www.cpj.org/Briefings/2000/Iran_may00/Iran_may00.html) (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶) گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیر نویس ۲، ص. ۱.

<sup>۷۸</sup> مرتضوی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۲ دادستان کل تهران شد. پیش از این انتصاب، مدتی رئیس دادگاه شعبه ۱۴۱۰، که از آن به‌عنوان "دادگاه مطبوعات" یاد می‌شود و به خاطر پیگرد و زندانی کردن خبرنگاران و بستن دهها روزنامه معروف است، بود. نادر انتصار، کارشناس علوم سیاسی می‌گوید:

"دادگاه مطبوعات ... که نهادی بی‌سابقه و بحث برانگیز است ... همانند مجرای بوده که جناح محافظه کار حاکم از طریق آن تلاش کرده مخالفان را خفه کند و از زیر سؤال رفتن ساختار قدرت کشور از سوی مطبوعات بازخیزنده و فعال جلوگیری کند. شمار متعددی از ویراستاران روزنامه و ناشران به دادگاه مطبوعات احضار شده‌اند و نشریه‌های آنها توقیف شده است."

نادر انتصار، مجله مطالعات جهان سوم، محدودیتهای تغییر: محدودیتهای قانونی بر اصلاحات سیاسی در ایران، بخش ۱۳، ص. ۶.

### [Limits of Change: Legal Constraints to Political Reform in Iran, Journal of Third World Studies]

رک. [http://www.findarticles.com/p/articles/mi\\_qa3821/is\\_200204/ai\\_n9045076](http://www.findarticles.com/p/articles/mi_qa3821/is_200204/ai_n9045076) (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶) [از این به بعد: محدودیتهای تغییر].

<sup>۷۹</sup> فراریها، رک. زیر نویس ۷۱.



موضوعات "خط قرمز" یا ممنوع را برای رسانه‌های کشور می‌فرستد.<sup>۸۰</sup> در حقیقت همان‌طور که خبرنگاران بدون مرز تأیید کرد، شورای عالی امنیت ملی ایران هر هفته فهرستی از موضوعات ممنوعه را برای تمامی روزنامه‌ها ارسال می‌کند. از جمله این موضوعات در سال ۱۳۸۲، "تظاهرات دانشجویان در سال ۱۳۷۸، از سرگیری مذاکرات با ایالات متحده، قتل خبرنگار عکاس زهرا کاظمی و هر مطلبی درباره توافقات مربوط به سلاح‌های هسته‌ای"<sup>۸۱</sup> بوده است.

در حالی که گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری در مورد مرگ کاظمی بر نیاز به "تدوین راهکارهای مناسب برای ارتقای کیفی بازداشت متهمان، به‌ویژه خبرنگاران،"<sup>۸۲</sup> تأکید ورزید، رویداد شگفت و واضحی روی داد - و آن اینکه زهرا کاظمی در جریان تلاش برای روشن کردن موضوعات حساس از طریق خبرنگاری، خود به یک موضوع ممنوعه مبدل شد - که باعث نگرانی شدیدی در مورد امنیت کسانی می‌شود که تلاش می‌کنند در مورد تخلفات گزارش بدهند.

### ج- محاکمه و تبرئه رضا احمدی به اتهام "قتل شبه عمد" زهرا کاظمی

در تیرماه ۱۳۸۳، رضا احمدی، یک مقام رده پایین وزارت اطلاعات، به اتهام "قتل شبه عمد" کاظمی محاکمه شد. محاکمه دو روزه ایشان، به ویژه تصمیم دادستان جهت انتخاب احمدی به‌عنوان متهم، تا حد زیادی بحث‌انگیز بود؛ تصمیمی که باعث نادیده گرفتن عمدی افرادی که مظنون به داشتن نقش مهمتر در پرونده بودند تلقی شد.<sup>۸۳</sup> وکیل خانواده کاظمی استدلال کرد که دادستانی حق ندارد حق شاکی در ایراد اتهام به دیگران در قبال جنایتی که علیه قربانی صورت گرفته است را نادیده بگیرد. آنها همچنین خواستند بدانند که چرا احمدی به‌عنوان متهم انتخاب شده است، علی‌رغم اینکه مادر کاظمی به‌طور مشخص علیه دادرسی عمومی شکایت کرده بود.<sup>۸۴</sup> تنها رابطه آشکار احمدی با جراحات کاظمی، مأموریت او برای محافظت از کاظمی بود و اینکه مقامات قضایی ادعا می‌کنند که احمدی تنها کسی بوده که در طول بازداشت کاظمی مدت طولانی را با او تنها سپری کرده است.<sup>۸۵</sup> با وجود این، وزارت اطلاعات تأکید داشت که احمدی به‌عنوان سیر بلا انتخاب شده است.

<sup>۸۰</sup> همان

<sup>۸۱</sup> خبرنگاران بدون مرز، گزارش سالانه ایران، ۲۰۰۴ میلادی برابر با ۱۳۸۳ / ۱۳۸۴ شمسی،

[Reporters Without Borders, *Iran Annual Report*]

رک. [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=9940](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=9940) (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶)

<sup>۸۲</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۴۰.

<sup>۸۳</sup> گفته می‌شود که در مراحل مختلف اشخاص دیگری نیز به‌دست داشتن در مرگ کاظمی متهم شدند، اما تنها پرونده‌ای که علیه احمدی بود به محاکمه کامل انجامید. به‌عنوان نمونه، نگاه کنید به درخواست استیناف کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، ص. ۲ (که ذکر می‌کند مریم اصغرزاده و مریم شیخ‌الاسلامی به "مشارکت در قتل" متهم شده و موقتاً بازداشت شده‌اند).

<sup>۸۴</sup> همان، بخش اول، قسمت ۳، ص. ۳. شهادتی که در محاکمه حضور داشت گزارش داد که قاضی فرهنگی صریحاً از پرداختن به مسائلی که به محمد بخشی مربوط می‌شد سرباز زد و اظهار داشت که اتفاقاتی که مربوط به اشخاصی غیر از متهم می‌شوند، خارج از پرونده‌اند. علی‌رغم این واقعیت که بر اساس درخواست استیناف زهرا کاظمی، در قسمتی از پرونده زهرا کاظمی، محمد بخشی به ایراد ضرب و جرح عمدی متهم شده بود. گزارش ارائه شده از سوی شاهد A که شرحی از مشاهدات ایشان از محاکمه احمدی می‌باشد و در مرکز اسناد حقوق بشر ایران موجود است. [از این به بعد: گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی]. درخواست استیناف زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۱، ص. ۲.

<sup>۸۵</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، زیرنویس ۸۴

وکیل خانواده کاظمی همچنین این سؤال را مطرح کرد که چرا اتهام "قتل عمد" در پرونده به "شبه عمد" تغییر داده شده است.<sup>۸۶</sup> به علاوه، وکیل خانواده کاظمی مکرراً اصرار داشت که دادگاه به لحاظ فنی (ایراد عدم صلاحیت ذاتی دادگاه) فاقد صلاحیت قضایی برای رسیدگی به پرونده است.<sup>۸۷</sup> گفته می‌شود که همانند گزارش اصل نود، پوشش مطبوعاتی محاکمه محدود شده بود.<sup>۸۸</sup>

## مسائل مهم در محاکمه رضا احمدی

### ۱. شهود

هنگامی که وکلای خانواده کاظمی خواستار احضار شهودی شدند که در ابتدا به اعمال خشونت در جریان دستگیری کاظمی شهادت داده بودند اما بعداً شهادت خود را پس گرفته یا مدعی شده بودند که اشتباه کرده‌اند، قاضی حسین شهرابی فراهانی این درخواست را نپذیرفت و بازرس دادستانی نیز پیگیر آن نشد.

گفته می‌شود که دست کم بیست نفر – از جمله پنج قاضی و تعدادی از سربازان و کارمندان زندان – در ابتدا گزارشهایی تهیه کردند و آنچه را که در جریان دستگیری کاظمی دیده بودند شرح دادند.<sup>۸۹</sup> از برخی از این شهود نقل شده است که در جریان مشاجره اولیه، محمد بخشی<sup>۹۰</sup> و مظفر بابایی تلاش کردند که کیف خانم کاظمی را از او بگیرند. حداقل یکی از آنها توضیح داد که آقای بخشی را دیده است که بازوی خانم کاظمی را گرفت و او را با خشونت کشید که در نتیجه آن خانم کاظمی به زمین افتاد و مجروح شد.<sup>۹۱</sup> بعد از تهیه گزارشات اولیه، چهار نفر از قضات شهادت خود را پس گرفتند و

<sup>۸۶</sup> درخواست استیناف زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش سوم، قسمت ۳، ص. ۲۲.

<sup>۸۷</sup> وکیل خانواده کاظمی استدلال کرد که بر اساس تبصره ماده ۴ اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون تأسیس دادگاههای عمومی و انقلاب، جرایم دارای ماهیت مشابه جرم ادعا شده در این پرونده (اتهام قتل عمد) باید در دادگاه کیفری استان تهران، و نه دادگاه کیفری عمومی که به بررسی پرونده پرداخت، مورد بررسی قرار گیرد؛ جهت توضیحات بیشتر در مورد "ایراد عدم صلاحیت قضایی" نگاه کنید به همان منبع، بخش اول، ص. ۲.

<sup>۸۸</sup> چند روزنامه ایرانی توانستند گزارش روز اول محاکمه در روز ۲۷ تیر ۱۳۸۳ را منتشر کنند اما گزارش داده شد که مرتضوی با چند روزنامه تماس گرفت و به آنها هشدار داد شرح محاکمه را منتشر نکنند. نگاه کنید به مقاله سی بی سی، *دادستان خبرنگاران ایرانی را که از محاکمه زهرا کاظمی گزارش تهیه کرده بودند، تهدید می‌کند*.

[CBC News, *Prosecutor threatens Journalists Covering Kazemi Trial*, July 19, 2004]

رک. [http://www.cbc.ca/world/story/2004/07/19/iran\\_kazemi040719.html](http://www.cbc.ca/world/story/2004/07/19/iran_kazemi040719.html) (تاریخ دسترسی: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۱۹ مه ۲۰۰۶). این مقاله از قول یکی از خبرنگاران گزارش می‌کند که قاضی مرتضوی به او گفته بود: "به نفع تو است که محاکمه را مختومه حساب کنی و از گزارش مطالبی که نباید چاپ شود خودداری کنی." مدت کوتاهی بعد از محاکمه، قاضی مرتضوی دستور بستن دو روزنامه که درباره محاکمه گزارش چاپ کرده بودند را می‌دهد. به عنوان نمونه نگاه کنید به مقاله واشنگتن پست، *دادستان ایرانی دو روزنامه را می‌بندد: گزارشی از روزنه‌های خروج اخبار درباره محاکمه‌ای که مقامی رسمی را در مرگ خبرنگار بازداشت شده متهم می‌کنند*، ص. ۱۸.

[Washington Post, *Iranian Prosecutor Shuts Two Newspapers: outlets reported on trial that implicated official in death of detained photographer*, July 27, 2004]

رک. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A16431-2004Jul26.html> (تاریخ دسترسی: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۲۰ مه ۲۰۰۶). این مقاله گزارش می‌کند:

"دادستان، سعید مرتضوی، روزنامه جمهوری، که تنها ۱۲ روز از انتشارش می‌گذشت، و وقایع اتفاقیه را به علت پوشش مطبوعاتی از محاکمه یک مأمور اطلاعات به اتهام ضرب و قتل [کاظمی] توقیف کرد ... منابع در تهران گفتند، بستن این روزنامه‌ها درس عبرتی برای دیگر رسانه‌های خبری ایران بود."

<sup>۸۹</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۴، ص. ۶-۱۰؛ گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۸۴.

<sup>۹۰</sup> همان‌طور که در بالا ذکر شد، محمد بخشی رئیس حفاظت اطلاعات زندان اوین بود.

<sup>۹۱</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۴، ص. ۶-۱۰ (در این قسمت نام شماری از شهود دستگیری کاظمی به همراه شهادت ارائه شده توسط آنها ذکر شده است).

مدعی شدند که در ابتدا دروغ گفته‌اند، در حالی که قاضی دیگر، حسن مقدس احمدی، گفت که دست آقای بخشی با سر کاظمی برخورد کرد، اما ضربه تصادفی به نظر می‌رسید.<sup>۹۲</sup> همچنین چند شاهد دیگر شهادت اولیه خود را پس گرفتند، اما حداقل از یکی از شهودی که بعداً شهادت خود را پس گرفت نقل شده است که وی توسط دادستانی و مأموران اطلاعاتی تحت فشار قرار گرفته بود.<sup>۹۳</sup> وکیل خانواده کاظمی چندین بار درخواست احضار این شهود به دادگاه را کرد که با مخالفت قاضی فراهانی روبرو شد.<sup>۹۴</sup> بازرس دادستانی هیچ یک از این شهود را احضار نکرد، و هیچ یک از شهودی که شهادت خود را پس گرفتند و ادعا کردند که در ابتدا دروغ گفته‌اند به اتهام شهادت دروغ مورد پیگرد قرار نگرفتند.<sup>۹۵</sup>

## ۲. شواهد و مدارک

گزارش دستگیری خانم کاظمی که به وضوح تغییر داده شده و در آن ادعا شده بود که نامبرده در حال عکس گرفتن از مناطق ممنوعه زندان اوین بود تلاشی آشکار برای توجیه دستگیری خانم کاظمی بود، اگرچه هم مقامات وزارت اطلاعات و هم وکلای کاظمی گفتند که آن گزارش جعلی بوده است.<sup>۹۶</sup> گزارش مزبور زمانی را که خانم کاظمی اولین بار در جلو زندان اوین مشاهده شد را توصیف می‌کند و در خط آخر چنین نوشته است که: "باید این را اضافه کرد که او سرگرم عکاسی از مناطق ممنوعه زندان بود."<sup>۹۷</sup> گفته شده که جمله پایانی گزارش روی امضاهای نامه نوشته شده است.<sup>۹۸</sup> علاوه بر این، بنا به گزارشات، کپی دیگری از گزارش دستگیری - که باید دقیقاً مشابه هم باشند - با جمله "پس از احراز هویت به نام زهرا کاظمی بوده است"<sup>۹۹</sup> تمام می‌شود و حاوی جمله پایانی مورد بحث که ادعا می‌کند زهرا کاظمی سرگرم عکاسی از مناطق ممنوعه زندان بود، نیست.<sup>۱۰۰</sup> درخواست تحقیق در مورد "اضافه شدن" این جمله به گزارش دستگیری، ظاهراً نادیده گرفته شد.<sup>۱۰۱</sup>

<sup>۹۲</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۶-۴، بند خ، ص. ۹

<sup>۹۳</sup> همان، بخش اول، قسمت ۵، ص. ۱۰، که ذکر می‌کند سرباز آرمین عمرالعلایی شهادت داد که: "... با توجه به اتفاقاتی که افتاده اظهار می‌دارم که در خصوص خانم زهرا کاظمی من را به دادرسی انقلاب نزد قاضی پرونده احضار کردند که در این خصوص به اینجانب وعده‌های زیادی ... دادند که من [ما] تحت تأثیر محیط و فشارها [فشارهای] قرار گرفته و اظهاراتی نوشته‌ام و همچنین از طرف بند ۲۰۹ (بند وزارت اطلاعات) به نزد من آمدند و آنها نیز این وعده‌ها را به من دادند که باز هم من تحت تأثیر محیط و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته که اظهاراتی را نوشته‌ام ..."

<sup>۹۴</sup> حقوقدانان ایرانی که در مورد پرونده کاظمی اظهار نظر کردند این تصمیم را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. یکی از آنها گفت:

"اقدام دادگاه در رد درخواست وکلای پرونده برای احضار شهود با موازین حقوقی و قانونی سازگار نیست؛ دادگاه مکلف به تکمیل تحقیقات و رفع نواقص بوده است. آنچه که در این پرونده بیش از هر چیز دیگری محرز است، وقوع جرمی است که هنوز عامل اصلی آن مشخص نشده است. قوه قضاییه نتوانسته در مکان معینی که جرم واقع شده مرتکب اصلی را شناسایی کرده و مورد محاکمه قرار دهد و بنا عنایت به تبریته متهم، ضعف عملکرد دادرسی در نحوه تنظیم کیفرخواست مشخص می‌شود."

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، نگاه حقوقدانان به حکم پرونده مرگ زهرا کاظمی، ۴ مرداد ۱۳۸۳ برابر با ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۴، رک. <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-410726> (تاریخ دسترسی: ۳۱ فروردین ۱۳۸۵ برابر با ۲۰ آوریل ۲۰۰۶).

<sup>۹۵</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۶۸۵ تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۱۲، ص. ۱۲. همچنین هیچ یک از افرادی که در "درگیری" هنگام دستگیری کاظمی دست داشتند جهت بازجویی احضار نشدند، با وجود اینکه هویت آنها شناخته شده بود.

<sup>۹۶</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۸۵ همچنین تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۱-۲، ص. ۱۴.

<sup>۹۷</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۱-۲

همان.

<sup>۹۹</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۱-۲

<sup>۱۰۰</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۵-۲

<sup>۱۰۱</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۸۴

ارائه مدارک دیگر در طول محاکمه پذیرفته نشد. به عنوان مثال، هنگامی که وکیل خانواده کاظمی به گزارشات کمیسیونهای تحقیقاتی رسمی دولت در مورد مرگ کاظمی ارجاع کرد، گفته می‌شود که قاضی فراهانی اعتراض کرد که این گزارشات در پرونده دادگاه نیست و کپی‌هایی را که از سوی وکیل کاظمی ارائه شدند نپذیرفت. علاوه بر این، هنگامی که وکیل کاظمی می‌خواست از گزارش کمیسیون اصل نود نقل قول کند، گفته می‌شود که قاضی حرف او را قطع کرد و به او هشدار داد که دارد اظهاراتی را بیان می‌کند که اثبات نشده است و می‌تواند افترا تلقی شود و در نتیجه تحت پیگرد قرار گیرد.<sup>۱۰۲</sup>

### ۳. دسترسی و کلا به اسناد و مدارک دادگاه

وکلا خانواده کاظمی بر این باورند که امکان بررسی دقیق و کافی پرونده دادگاه را نداشته‌اند با وجودی که آنها از قبل نسخه‌ای از پرونده را درخواست کرده بودند، هرچند که اجازه داشته‌اند که پرونده را به مدت محدودی در محل دادگاه مطالعه کنند.<sup>۱۰۳</sup> به علاوه، در حالی که پرونده می‌بایست حاوی بیش از ۲۰۰۰ صفحه با شماره متوالی باشد، صفحات متعددی از آن مفقود شده بودند. وکیل خانواده کاظمی فقدان صفحات مفقود در پرونده را خاطر نشان کرد و موکداً خواهان توضیح در مورد نحوه گم شدن این صفحات شد، اما هیچ توضیحی ارائه نشد.<sup>۱۰۴</sup>

### ۴. رأی دادگاه

دادگاه با بیان اینکه شواهد کافی در اختیار ندارد، احمدی را از اتهام قتل تبرئه کرد.<sup>۱۰۵</sup> به دنبال تبرئه احمدی، دادسرا با صدور اطلاعیه‌ای در مورد زهرا کاظمی چنین نتیجه‌گیری نمود:

"با برائت تنها مظنون به قتل شبه عمد پرونده خانم زهرا کاظمی، تنها یک گزینه باقی مانده است آن هم حادثه بودن فوت مرحوم کاظمی در اثر پایین افتادن قند خون، ناشی از اعتصاب غذا که در حال ایستادن منتهی به سقوط فرد و افتادن وی به اطراف و ضرب دیدگی می‌گردد."<sup>۱۰۶</sup>

وکلا خانواده کاظمی نسبت به حکم برائت و محکوم نشدن هیچ فردی به عنوان مجرم اعتراض کردند و خواستار اقدامات قانونی بیشتر شدند. در سال ۱۳۸۴، بعد از یک جلسه رسیدگی کوتاه، دادگاه استیناف تبرئه آقای احمدی را تأیید

<sup>۱۰۲</sup> همان

<sup>۱۰۳</sup> همان

<sup>۱۰۴</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۸۴

<sup>۱۰۵</sup> دیده‌بان حقوق بشر، *ایران: قوه قضاییه مرگ خبرنگار را نادیده می‌گیرد*، ۴ خرداد ۱۳۸۴ برابر با ۲۵ مه ۲۰۰۵،

[Human Rights Watch, Iran: Judiciary Stonewalls on Journalist's Death]

رک. <http://hrw.org/english/docs/2005/05/24/iran11007.htm> (تاریخ دسترسی: ۱۹ تیر ۱۳۸۵ برابر با ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶).

<sup>۱۰۶</sup> بیانیه منتشر شده از سوی دادسرای عمومی تهران در ۵ مرداد ۱۳۸۳ برابر با ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۴. بخش فارسی بی بی سی، وکلای خانواده زهرا کاظمی خواستار تعیین یک بازرس ویژه شدند، ۷ تیر ۱۳۸۳ برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۴، رک.

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/07/printable/040728\\_a\\_iran\\_kazemi.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/07/printable/040728_a_iran_kazemi.shtml)

کرد اما با ذکر "کوتاهی در تحقیق" ۱۷ خواستار تحقیقات بیشتر شد. با این حال، مشخص نیست در پاسخ به این دستور چه اقدام قضایی صورت گرفته است.

---

<sup>۱۷</sup> اخبار سی بی سی (کانادا)، دادگاه ایران دستور بازگشایی پرونده کاظمی را می‌دهد، ۲۵ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۱۶ نوامبر ۲۰۰۵، CBC News, *Iran court orders Kazemi case reopened* <http://www.cbc.ca/story/world/national/2005/11/16/kazemi051116.html> ر.ک.  
و اخبار بی بی سی، حکم تبرئه متهم در قتل کاظمی تأیید شد، ۲۵ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۱۶ نوامبر ۲۰۰۵، BBC News Online, *Kazemi killing acquittal upheld* [http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/4442910.stml](http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/4442910.stml) ر.ک.  
(تاریخ دسترسی: در ۱۹ تیر ۱۳۸۵ برابر با ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶).

## بخش پنجم: مسائلی که به واسطه پرونده خانم کاظمی مطرح شدند

### الف- موانع ساختاری در تضمین مسئولیت پذیری در موارد نقض حقوق بشر

مصونیت از مجازات در موارد نقض حقوق بشر در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد، از جمله:

- فقدان سیستم قضایی بی طرف و مستقل؛
- تداخل بیش از حد اختیارات ارگانهای متعدد در بازداشت و بازجویی و روشن نبودن حدود نظارت سازمانی؛
- ناکارآمدی راهکارهای قضایی در رسیدگی به تخلفات قوه قضاییه؛
- ضعف و ناکارآمدی ارگانهای تحقیقاتی حقوق بشر؛ و
- ضعف قانونمندی.

همان گونه که پرونده کاظمی نشان می دهد، این عوامل شدیداً ظرفیت سیستم قضایی ایران را در اجرای تحقیقات مؤثر در موارد نقض قانون تضعیف می کند.

#### ۱. فقدان سیستم قضایی بی طرف و مستقل

قوه قضاییه ایران در حوزه هایی که نقش اساسی در حمایت از حقوق بشر دارند فاقد استقلال، که مستلزم آزادی از دخالت دو قوه دیگر در امور قضایی است، و بی طرفی، به معنی پرهیز از تعصب بی جا، می باشد.<sup>۱۰۸</sup>

دادستانان و قضات غالباً تابع و پاسخگو به عوامل سیاسی خاصی هستند: ماده ۳۹ آیین دادرسی کیفری مقرر می سازد که در تحقیقات جنایی، "دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام دهند"<sup>۱۰۹</sup> و در قانون اساسی ذکر شده است که "قوه قضاییه قوه ای مستقل است."<sup>۱۱۰</sup> با وجود این، به نظر می رسد که رابطه نزدیک برخی از دادستانها با رهبری و این امر که آنها در درجه اول در مقابل دفتر او مسئول هستند بی طرفی عوامل قضایی را تضعیف می کند. علاوه بر این، اختیارات گسترده رئیس قوه قضاییه (که خود از سوی رهبری منصوب می شود)<sup>۱۱۱</sup> در نصب و عزل قضات، آنها را در مقابل فشارهای سیاسی آسیب پذیر می سازد.

<sup>۱۰۸</sup> در حقیقت این مفاهیم به هم مرتبط هستند، چرا که فقدان استقلال عموماً به عنوان یکی از مشخصه های جانبداری تلقی می شود. علاوه بر این، وجود قوه قضاییه مستقل و بی طرف زیربنای برخورداری از حق محاکمه عادلانه در حقوق بین الملل است و از سوء استفاده از قدرت توسط مسئولان اجرایی و تأثیر عوامل سیاسی بر نیروهای انتظامی و نظام قضایی جلوگیری می کند.

<sup>۱۰۹</sup> گروه ردرس (فریادرس)، *تاوان شکنجه: مروری بر قانون و اجرای آن در ۳۰ کشور منتخب (گزارش کشور ایران)*، ص. ۱۱، اردیبهشت ۱۳۸۲ برابر با مه ۲۰۰۳

[Redress, *Reparation for Torture: A Survey of Law and Practice in 30 Selected Countries (Iran Country Report)*]

رک. <http://www.redress.org/studies/Iran.pdf> [از این به بعد: گزارش ایران].

<sup>۱۱۰</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل ۱۱، اصل ۱۵۶.

<sup>۱۱۱</sup> رئیس قوه قضاییه مستقیماً از سوی رهبری به مدت ۵ سال منصوب می شود.

قضات در عین توانایی، در جایگاه قضاوت مستقل نیستند، چرا که قانون از سوی گروه منتخبی از قضات "که از سوی رهبری منصوب شده‌اند و در مقابل او پاسخگو هستند"<sup>۱۱۲</sup> تفسیر و اجرا می‌شود. اصل ۱۵۸ قانون اساسی که به رئیس قوه قضاییه اختیارات گسترده جهت نصب، عزل، انتقال و ترفیع قضات می‌دهد، عدم استقلال و وابستگی قضات را برجسته‌تر می‌کند. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه استقلال قضات و وکلا، نگرانی ویژه خود را در مورد بیانیه معاون اول رئیس قوه قضاییه، هادی مروی، ابراز داشته است. بنابر این بیانیه "قضات باید تابع مقام معظم رهبری باشند و هیچ استقلالی در قضاوت نداشته باشند"<sup>۱۱۳</sup>.

علاوه بر این، به نظر نمی‌رسد که سیستم انتخاب نامزدهای قضایی مانعی بر سر راه عاملان سیاسی برای گماردن نامزدهای دست چین شده در مناصب بالای قضایی به وجود آورد.<sup>۱۱۴</sup> به‌عنوان مثال، صاحب‌نظران ارتقای مقام سریع سعید مرتضوی، ابتدا به ریاست دادگاه مطبوعات و بعد به پست پر قدرت دادستان کل تهران (علی‌رغم داشتن تنها چند سال تجربه قضایی) را به رابطه نزدیک او با مقامات ارشد و رهبر نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند.<sup>۱۱۵</sup> ناظران حقوق بشر گزارش کردند که در مدت تصدی مرتضوی به‌عنوان قاضی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران ("دادگاه مطبوعات")، مقامات پرونده‌های حساس را به دادگاه وی ارسال کردند، به این دلیل که مطمئن بودند حتی با وجود ناکافی بودن مدارک علیه متهم، او محکوم خواهد شد.<sup>۱۱۶</sup> به‌علاوه، گزارش شده است که مرتضوی، در زمان تصدی مقام قضاوت، در مورد نحوه رسیدگی به پرونده‌های خاص، آشکارا با مقامات دولت تلفنی مشورت می‌کرده است.<sup>۱۱۷</sup>

بنا به گفته یک مقام سابق دولت که مرکز اسناد حقوق بشر ایران با او مصاحبه کرده است<sup>۱۱۸</sup>، در حالی که انتظار می‌رود مرتضوی (به‌عنوان دادستان کل) تحت نظارت مقامات قضایی باشد، در پرونده‌هایی که خیلی "سیاسی" تلقی می‌شوند، مرتضوی به طور مستقیم از دفتر رهبری دستور و خط مشی می‌گیرد.<sup>۱۱۹</sup> بنا به گزارشات، رهبر "خیلی علاقمند و درگیر مدیریت خرد" در مسائل مربوط به ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی است.<sup>۱۲۰</sup> علاوه بر این، این شبهه وجود دارد که مرتضوی با حداقل یک سرویس مخفی "موازی"، که خود آشکارا تابع دستورات رهبری است، ارتباط نزدیکی داشته باشد.<sup>۱۲۱</sup> این

<sup>۱۱۲</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۴۳.

<sup>۱۱۳</sup> گزارش داتو پارام کوماراسوامی، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه استقلال قضات و وکلا - ۱۳ بهمن ۱۳۷۹ برابر با ۱ فوریه ۲۰۰۱، پاراگراف ۱۱۶  
[Report of the UN Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers, Dato' Param Kumaraswamy, February 1, 2001, E/CN.4/2001/65, at ¶ 116]

<sup>۱۱۴</sup> کمیته وکلای حقوق بشر، ساختار قضایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ برابر با ۱۹۹۳، فصل ۲، بخش الف، (بحث صلاحیت لازم برای نامزدهای قضایی)  
[Lawyers Committee for Human Rights, The Justice System of the Islamic Republic of Iran, 1993]

<sup>۱۱۵</sup> اظهارات وکیل ایرانی که به مرکز اسناد حقوق بشر ایران ارائه شده است. همچنین، مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۴۴ (که خاطرنشان می‌کند مرتضوی "به‌عنوان پاداش برای تصدی قابل اطمینان وی درمسند قضاوت، به سمت دادستانی منصوب شد".)

<sup>۱۱۶</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، صفحه ۴۴

<sup>۱۱۷</sup> همان

<sup>۱۱۸</sup> مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با یک مقام سابق دولت، شهر نیویورک (New Haven)، ۲۷ بهمن ۱۳۸۴ برابر با ۱۶ فوریه ۲۰۰۶ [از این به بعد: مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با یک مقام سابق دولت].

<sup>۱۱۹</sup> همان. دفتر رهبری دفتر رسمی است که آیت‌الله خامنه‌ای از طریق آن اعمال قدرت می‌کند. وظیفه این دفتر رسیدگی به امور اداری و همچنین استخدام مشاورانی است که در مسائل مربوط به زمینه‌هایی مانند فرهنگ، اقتصاد، امور نظامی و رسانه‌ها مورد مشاوره قرار می‌گیرند.

<sup>۱۲۰</sup> همان

<sup>۱۲۱</sup> همان

در حالی است که سید محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، ضمن اظهار تعهد به انجام اصلاحات قضایی، سوءاستفاده در بخشهای معینی را "نادیده" می‌گیرد و در عین حال ادعا می‌کند که قوه قضاییه مستقل باقی می‌ماند.<sup>۱۲۲</sup>

**مشخص نبودن اختیارات و نقش دادستانها و قضات:** مشکلات دیگر از این واقعیت نشأت می‌گیرند که حدود اختیارات و نقش قاضی و دادستان به وضوح تعریف نشده و این دو نقش غالباً با هم تداخل می‌کنند. همان‌طور که گروه کاری سازمان ملل [The UN Working Group] در زمینه بازداشت‌های خودسرانه (از این به بعد: "گروه کاری سازمان ملل") متذکر می‌شود، "اصل جدایی اختیارات دادستان و قاضی" در سیستم قضایی ایران به گونه‌ای متناسب اعمال نشده است. در اواسط دهه ۱۹۹۰، بعد از تلاش طولانی از سوی محمد یزدی، رئیس سابق قوه قضاییه،<sup>۱۲۳</sup> نقش دادستان به کلی از سیستم قضایی حذف شد.<sup>۱۲۴</sup> کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان با ابراز نگرانی اعلام کرد که در نتیجه این امر، قضات دادگاههای بدوی در هر پرونده هم به‌عنوان قاضی و هم به‌عنوان دادستان عمل می‌کنند.<sup>۱۲۵</sup> بنابراین قضات دادگاههای بدوی که باید بی‌طرف باشند و فرض را بر بی‌گناهی متهمان بگذارند، خود مسئول اجرای مراحل تحقیقاتی (از جمله گردآوری اسناد و مدارک)، آماده کردن اتهامات علیه متهمان و بازجویی از متهمان هستند.<sup>۱۲۶</sup> این سیستم همچنین مورد انتقاد گروه کاری سازمان ملل قرار گرفت که متذکر شد:

دعاوی حقوقی به‌صورتی مورد بررسی قرار می‌گیرند که با معیارهای تضمین‌کننده حق برخورداری از رعایت تشریفات قانونی در دادرسی، از جمله بی‌طرفی قاضی، سازگار نیست. چرا که ... قاضی هر پرونده

<sup>۱۲۲</sup> همان. آقای هاشمی شاهرودی تمایل خود را برای مطرح کردن لزوم اصلاحات قضایی نشان داد. قبل از دیدار سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) گروه کاری سازمان ملل در زمینه بازداشت‌های خودسرانه، گفته می‌شود که هاشمی شاهرودی به اعضای عالی‌رتبه قوه قضاییه اعلام کرد که به هنگام به عهده گرفتن وظایف خود، "ویرانه‌های قوه قضاییه" را به ارث برده است و اظهار داشت که بازسازی سیستم قضایی اولویت او خواهد بود. ر.ک. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، نشست شصتم، حقوق مدنی و سیاسی، از جمله مسئله بازداشت و شکنجه - گزارش گروه کاری سازمان ملل در زمینه بازداشت‌های خودسرانه، بازدید از جمهوری اسلامی ایران، ۲۶ بهمن - ۸ اسفند ۱۳۸۱ برابر با ۲۷ - ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ [از این به بعد: گزارش گروه کاری سازمان ملل]

[U.N. Commission on Human Rights, 60<sup>th</sup> Sess., Civil and Political Rights, Including the Question of Torture and Detention - Report of the Working Group on Arbitrary Detentions, Visit to the Islamic Republic of Iran (15-27 February 2003), E/CN.4/2004/3/Add.2 (June 27, 2003) ]

استفاده رسانه‌ها از عبارت "استقلال قضایی" گاهی حکایت از معنای متمایزی از این عبارت در جامعه ایران می‌کند - به خصوص که قوه قضاییه "مستقل" از نظارت دولت است. به‌عنوان مثال، یک مقاله در آبان ۱۳۸۲ در مورد دستگیری دانشجوی فعال، احمد باطنی، اندکی بعد از دیدار او با گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی بیان، از طرف یک تحلیلگر دولت نقل کرد که:

"مرتضوی ... ممکن است عمداً دستور ربودن باطنی را داده باشد، صرفاً برای اینکه به [گزارشگر ویژه] آمبیه لیگابو (Ambye Ligabo) و جامعه جهانی نشان دهد که ... قوه قضاییه مستقل از دولت است."

خبرگزاری ایران، احمد باطنی در زندان اوین پدیدار شد، ۶ آذر ۱۳۸۲ برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۰۳،

[Iran Press Service, Ahmad Batebi Surfaced in Evin Prison, Nov 27 2003]

ر.ک. [http://www.iran-press-service.com/articles\\_2003/Nov-2003/batebi\\_in\\_evin\\_271103.htm](http://www.iran-press-service.com/articles_2003/Nov-2003/batebi_in_evin_271103.htm) (تاریخ دسترسی: ۱۳ فروردین ۱۳۸۵ برابر با ۲ آوریل ۲۰۰۶)

<sup>۱۲۳</sup> اظهارات یک وکیل ایرانی که در اختیار مرکز اسناد گذاشته شده و در بایگانی این مرکز وجود دارد.

<sup>۱۲۴</sup> کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، ایران: حمله به عدالت، ۵ شهریور ۱۳۸۱ برابر با ۲۷ اوت ۲۰۰۲،

ر.ک. [http://www.icj.org/news.php3?id\\_article=2685&lang=en](http://www.icj.org/news.php3?id_article=2685&lang=en) (از این به بعد: کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، حمله به عدالت)

[THE INTERNATIONAL COMMISSION OF JURISTS, IRAN: ATTACKS ON JUSTICE, August 27, 2002]

در ص. ۱۹۷ این گزارش بیان شده که قانون تأسیس دادگاههای عمومی و انقلاب چند تغییر که "در سطح گسترده‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است" را در سیستم قضایی ایجاد کرد و "دادسرا از نهاد قوه قضاییه حذف شد." در گزارش گروه کاری سازمان ملل خاطرنشان شده که "در طول دوره هفت ساله‌ای که خدمات دادستانی به حالت تعلیق در آمد، دادرسی به‌وسیله قاضی آغاز می‌شد که خود تحقیقات را انجام می‌داد و سرانجام خود حکم صادر می‌کرد. او هم به‌عنوان دادستان و هم قاضی تحقیق، از سرویسهای نیروی انتظامی یا [سپاه پاسداران انقلاب] و در موارد مقتضی از دیگر نیروهای مسلح، تحت مجوز شورای امنیت ملی (مطابق با ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری) کمک می‌گرفت." گزارش گروه کاری سازمان ملل، ر.ک. زیرنویس ۱۲۲، پاراگراف ۱۷.

<sup>۱۲۵</sup> کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، حمله به عدالت، ر.ک. زیرنویس ۱۲۴، ص. ۱۹۷

<sup>۱۲۶</sup> همان



در ابتدا به‌عنوان دادستان، سپس قاضی تحقیق و سرانجام قاضی صادرکننده حکم عمل می‌کند. از این رو گروه کاری سازمان ملل این تعدد وظایف و اختیارات را ناقص حق برخورداری از رعایت تشریفات قانونی در دادرسی دانسته و متذکر می‌شود که این امر باید در متن قوانین عفو عمومی و بخشش مورد توجه واقع شود.<sup>۱۲۷</sup>

در زمان بازداشت زهرا کاظمی در سال ۱۳۸۲، دادستان به‌عنوان بخشی از سیستم قضایی ایران مجدداً شروع به کار کرده بود،<sup>۱۲۸</sup> اما مدت بیشتری برای ترمیم آسیبهای ساختاری ناشی از حذف دادستانی لازم بود. رئیس دادگستری تهران در گفتگو با گروه کاری سازمان ملل تأیید کرد که حذف دادستانها هفت سال پیش، "مصیبتی" برای اجرای عدالت بوده است.<sup>۱۲۹</sup> در زمان بازدید گروه کاری سازمان ملل - تنها چند ماه قبل از بازداشت خانم کاظمی - اجرای اصلاحات فقط در سه حوزه قضایی، از جمله تهران شروع شده بود.<sup>۱۳۰</sup>

چنانچه محاکمه زهرا کاظمی نشان داد، تأثیر حقیقی احیای خدمات دادستانی نا معلوم مانده است.<sup>۱۳۱</sup> در سال ۱۳۸۳، ارزیابی ناظران حقوق بشر سازمان ملل نشان داد که پرونده افرادی که به خاطر دیدگاه سیاسی‌شان بازداشت شده بودند، همچنان در دست قضاتی بود که همزمان نقش "دادستان، بازپرس، و تصمیم‌گیرنده نهایی"<sup>۱۳۲</sup> را داشتند.

دخالت دادستانها و قضات در طول بازجویی و تحقیقات آشکارا شخصی و مستقیم بود. در سال ۱۳۸۳، ناظران گزارش دادند که قضات پرونده‌های سیاسی، شخصاً در اتاق بازجویی و بازداشتگاه، متهمان را ملاقات می‌کردند، که نشان‌دهنده فقدان تفکیک واضح بین نقش بازپرس، دادستان و قاضی است.<sup>۱۳۳</sup>

<sup>۱۲۷</sup> گزارش گروه کاری سازمان ملل، رک. زیرنویس ۱۲۲، ص. ۶۲ (تأکید شده).

<sup>۱۲۸</sup> در گزارش گروه کاری سازمان ملل ذکر شده که "به موجب یک اصلاحیه در قانون آیین دادرسی کیفری که به تصویب مجلس رسید و در ۲۰ آبان ۱۳۸۱ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت ... خدمات دادستانی احیا شد. همان، ص. ۳۴.

<sup>۱۲۹</sup> همان

<sup>۱۳۰</sup> همان

<sup>۱۳۱</sup> همچنین نگاه کنید به سازمان عفو بین‌الملل، مدافعین زن حقوق بشر در معرض خطر، اسفند سال ۱۳۸۳ برابر با مارس سال ۲۰۰۵ (که به "تأثیر نابرابر احیای نقش دادستانی در سال ۲۰۰۲" اشاره می‌کند).

[AMNESTY INTERNATIONAL, WOMEN HUMAN RIGHTS DEFENDERS AT RISK, March 2005]

رک. <http://web.amnesty.org/library/index/engact770112005>

<sup>۱۳۲</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۴۳.

<sup>۱۳۳</sup> همان، ص. ۴۴. به همین صورت (و همان‌طور که عبدالکریم لاهیجی، رک. زیرنویس ۲۷ خاطر نشان می‌کند) حضور شخص دادستان کل تهران در بازجویی از کاظمی حیرت برانگیز است. بی بی سی نیوز از حمید مجتهدی (که یک وکیل حقوق بشر کانادایی است و در پرونده کاظمی با مقامات در ارتباط بوده است) نقل می‌کند که:

هنگامی که من با [مرتضوی] دیدار کردم در مورد همین موضوع [این واقعیت که او شخصاً در بازجویی از کاظمی حضور داشته] با او بحث کردم. او گفت 'خب، من تصادفی برای اطلاع از شرایط شخص دیگری آنجا بودم و سرکی کشیدم تا ببینم اوضاع چگونه پیش می‌رود. 'خب، در واقع، این حقیقت ندارد، او به این پرونده علاقه شخصی داشت، او شخصاً دخالت کرد و در کل این قضیه سهم است.

ایران: راز یک قتل، رک. زیرنویس ۶.

سؤالات مشابهی در مورد نقش قضات در زندان اوین در مورد پرونده زهرا کاظمی مطرح شده است. همان‌طور که عبدالکریم لاهیجی، وکیل حقوق بشر، استدلال می‌کند که:

زهرا کاظمی را به زندان اوین می‌برند و "با حضور دو نفر از قضات از وی توضیح خواسته می‌شود". اما در گزارش گفته نمی‌شود که چه کسانی توضیح می‌خواهند. چرا آن دو قاضی خود به بازپرسی نمی‌پردازند؟ تحقیق درباره جرم وظیفه قاضی است به ویژه که دو قاضی هم حضور داشته‌اند. دیگر اینکه آن دو قاضی در زندان اوین چه می‌کرده‌اند و چرا متهم را به دادگستری نبرده‌اند؟<sup>۱۳۴</sup>

در حالی کمیسیون اصل نود بر لزوم بررسی دقیق در مورد "جایگاه دو نفر قاضی مورد اشاره در گزارش هیئت ویژه و علت حضورشان در ساعات مورد نظر در زندان اوین و نهایتاً نحوه اتخاذ تصمیم آنها"<sup>۱۳۵</sup> تأکید داشت – و خواستار تحقیق بیشتر در مورد "تخلفات دادستان عمومی تهران [مرتضوی] و سایر قضاتی که در مراحل اولیه بازداشت مرحوم خانم زهرا کاظمی دخالت و دستور غیرقانونی داشته‌اند"<sup>۱۳۶</sup>، بود – این سؤالات مهم همچنان بی‌پاسخ باقی مانده است.

## ۲. تداخل بیش از حد اختیارات ارگانهای متعدد در بازداشت و بازجویی و روشن نبودن حدود نظارت سازمانی

روشن نبودن حدود اختیارات و عدم نظارت بر کار ارگانهایی که دستگیری، بازداشت و بازجویی از بازداشت‌شدگان را به عهده دارند، مانع از تضمین نظارت و مسئولیت‌پذیری در اجرای قانون می‌شود. فقدان مکانیسمهای مؤثر برای کنترل اختیارات گسترده‌ای که به ارگانهای اجرایی قانون داده شده، به ویژه با توجه به اعمال قدرت فراوان از سوی "نهادهای موازی" که اعضا و فعالیتهای آنها تا حد زیادی مبهم باقی مانده است، مشکل‌آفرین است.<sup>۱۳۷</sup> این ضعفهای ساختاری همچنین میزان مسئولیت‌پذیری مقامات را در مقابل مردم ایران کاهش می‌دهد.

بندهای زندان اوین به "زندانهایی درون زندان" تقسیم شده است و این امر امکان یافتن فرد متخلف و مسئول را دشوار می‌سازد. گروه کاری سازمان ملل در اسفند ۱۳۸۱، یعنی تنها چند ماه قبل از بازداشت خانم کاظمی در زندان اوین، بازدید رسمی از این زندان انجام داد. گروه کاری، به وجود "زندانهایی درون زندان" اشاره کرد که خارج از نظارت مدیریت مرکزی زندان هستند – به طوری که علی‌رغم این واقعیت که گروه کاری از مقامات ارشد دولت (که خود همراه هیئت بودند) مجوز بازدید از بخش ۲۰۹ زندان را دریافت کرده بود، دو فرد ناشناس که ظاهراً عوامل اطلاعات بودند، خواستار ترک محل توسط هیئت شدند.<sup>۱۳۸</sup> چنان که گروه کاری با ابراز نگرانی اشاره کرد که:

<sup>۱۳۴</sup> اظهارات عبدالکریم لاهیجی درباره گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۱. همان‌طور در بخش پنجم، قسمت ب، بند ۲ توضیح داده خواهد شد واضح است که حضور این قضات منجر به اجرای رعایت تشریفات قانونی مناسب در بازداشت زهرا کاظمی نشد.

<sup>۱۳۵</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص ۵.

<sup>۱۳۶</sup> همان، صص. ۵ و ۶.

<sup>۱۳۷</sup> "نهادهای موازی" به مجموعه ای از گروههای فشار فراقانونی دولتی گفته می‌شود که غالباً در مسائل مربوط به امنیت و اطلاعات مداخله می‌کنند. گفته می‌شود که نمایندگان این ارگانها بخشهای خاصی از زندان اوین را کنترل می‌کنند. مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، صص. ۱۹-۱۳ و ۴۶.

<sup>۱۳۸</sup> گزارش گروه کاری سازمان ملل، رک. زیرنویس ۱۲۲، پاراگراف ۳۲، قسمت ۳.

این رویداد بسیار مایه تأسف بود چرا که از یک سو حاکی از وجود چیزی برای پنهان کردن بود و از سوی دیگر، یک مأمور سرویس مخفی مانع از اجرای دستور مقامات ارشد دولت شده بود، که مایه نگرانی برای آینده اصلاحاتی که در حال تدوین است می‌باشد. اما دستاورد مثبت این بازدید این بود که گروه کاری توانست صحت وجود "زندانی درون زندان" را که بیشتر زندانیان، به‌ویژه زندانیان سیاسی که مدتی در آنجا زندانی بودند، به هنگام مصاحبه با گروه کاری از آن صحبت کرده بودند، به‌صورت عینی تأیید کند.<sup>۱۳۹</sup>

چنین رویدادهایی نشان می‌دهند که حتی در صورت تمایل مقامات ارشد دولت به تلاش برای اجرای اصلاحات، این تلاشها می‌توانند به راحتی خنثی شوند.<sup>۱۴۰</sup> گروه کاری چنین نتیجه‌گیری می‌کند که "به‌دلیل فقدان ضمانتهای قانونی، حبس درون حبس' ذاتاً خودسرانه است و باید متوقف شود."<sup>۱۴۱</sup>

مصاحبه مرکز اسناد با یک زندانی سابق زندان اوین، گزارشهای ناظران حقوق بشر را در این مورد تأیید کرد که در حالی که کنترل زندان رسماً با سازمان زندانهای کشور است، ارگانهای مختلف دولت بلوکهای مجزایی از سلولهای زندان اوین را در کنترل دارند.<sup>۱۴۲</sup> به‌نظر می‌رسد که چند بند مختلف از زندان عملاً به مقامات قوه قضاییه، سپاه پاسداران، و نیز وزارت اطلاعات واگذار شده است. به‌طور اخص، چنین گزارش شده است که بخش ۲۰۹ تحت کنترل وزارت اطلاعات است (احتمالاً اعضای سپاه پاسداران نیز در کنترل این بخش سهیم هستند) و بخش ۲۴۰<sup>۱۴۳</sup> تحت کنترل سرویسهای اطلاعاتی قوه قضاییه قرار دارد.<sup>۱۴۴</sup>

توزیع عملی قدرت و اختیار در بازداشت و بازجویی در بین ارگانهای دولتی مختلف (و گاهاً رقیب) - از جمله، نهادهای فراقانون و موازی که اعضا، منبع قدرت و نحوه اعمال قدرت آنها تا حد زیادی مبهم است - شناسایی متخلفان و متهم کردن آنها به بدرفتاری در زندان را دشوارتر می‌کند.<sup>۱۴۵</sup>

<sup>۱۳۹</sup> همان.

<sup>۱۴۰</sup> گروه کاری سازمان ملل در سال ۱۳۸۳ گزارش داد که:

به دنبال شکایات ... [کمیسیون اصل نود مجلس] در مورد زندانهایی که در آنجا برخوردهای خودسرانه روی داده بود تحقیق کرد. هدف تحقیقات دو امر بود: شناسایی زندانهای غیررسمی (مخفی) و بازدید از آنها، و سپس وادار کردن وزارتاتهای مربوطه به اینکه این زندانها را رسماً تحت کنترل انحصاری سازمان زندانهای کشور قرار دهند. حتی اگر، به واسطه تلاشهای کمیسیون اصل نود، بیشتر این زندانها به تدریج تحت کنترل انحصاری سازمان زندانهای کشور قرار داده شوند، سرویسهای اطلاعاتی همچنان نفوذ عمده آشکاری دارند، چنان که گروه کاری سازمان ملل با اظهار تأسف در خلال بازدید از بخش ۲۰۹ زندان اوین به صحت این امر پی برد.

همان، پاراگراف ۳۶، قسمت ب (تأکید شده است).

<sup>۱۴۱</sup> همان.

<sup>۱۴۲</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۱۳.

<sup>۱۴۳</sup> گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری، رک. زیرنویس ۱، ص. ۲ و ۳، اشاره می‌کند که کاظمی در زمانی که در بازداشت قوه قضاییه بود در این بند نگهداری می‌شد.

<sup>۱۴۴</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۱۳. یک زندانی سابق که مرکز اسناد حقوق بشر ایران با او مصاحبه کرده نیز زندان اوین را به همین صورت توصیف می‌کند که در آن بندها تحت کنترل ارگانهای مختلف و خارج از نظارت سازمان زندانهای کشور، همانند دنیاهای مجزایی اداره می‌شوند. این شخص که مرکز اسناد حقوق بشر ایران با او مصاحبه کرده این دیدگاه دیده بان حقوق بشر را منعکس می‌کند که: "به‌دلیل این واقعیت که معمولاً زندانیان چشم بسته در داخل زندان منتقل می‌شوند این سازمان نتوانسته نوسانات قدرت در داخل زندان و ماهیت واقعی آنها را که زندانهای انفرادی را کنترل می‌کنند مشخص کند." همان، به گمان این شخص که مرکز اسناد حقوق بشر ایران با او مصاحبه کرده است شماری از این ارگانها در نهایت تحت نظارت دفتر رهبری می‌باشند.

<sup>۱۴۵</sup> گروه کاری سازمان ملل به همین صورت خاطر نشان می‌کند که "زندانها توسط چند منبع قدرت اداره می‌شود، نظیر وزارت اطلاعات، سرویس ضد اطلاعات ارتش و پلیس نظامی، سرویس حفاظت نیروی انتظامی و بازرسی عمومی، سرویس ضد اطلاعات سپاه پاسداران، و پلیس نظامی، بسیج، سرویس ضد اطلاعات وزارت دفاع." گزارش گروه کاری سازمان ملل، رک. زیرنویس ۱۲۲، پاراگراف ۳۶، بخش ب.

بایمان (Byman) و همکارانش، در تحقیق سال ۲۰۰۱ خود در مورد تصمیم‌گیریهای امنیتی در ایران به این نتیجه رسیدند که در نهادهای امنیتی متعدد ایران به‌طور قابل توجهی - هم در تئوری و هم در عمل - تداخل اختیارات وجود دارد و ساختار فرماندهی و نظارت آنها مشخص نمی‌باشد.<sup>۱۴۶</sup> آنها استدلال می‌کنند که تعدد این نهادها، نقش عمده عوامل غیردولتی، نقش مهم روابط شخصی افراد و "فقدان تقسیم کار به‌طور روشن و واضح" در بین ارگانهای امنیتی منجر به تعارض سیاستها و فعالیتهای اجرایی شده است.<sup>۱۴۷</sup> از طرف دیگر این تداخل وظایف ممکن است عمده باشد، چرا که نزاع داخلی فیما بین منابع قدرت دولت منجر به ایجاد مراکز قدرت چندگانه و رقیب می‌شود و ماهیت تداخل نهادهای امنیتی "منافعی برای ثبات نظام دارد...؛ زیرا هنگامی که چند نهاد نقش امنیتی دارند، انجام کودتای نظامی به مراتب دشوارتر خواهد بود."<sup>۱۴۸</sup>

تداخل اختیارات و نظارت در ساختار سیستم اطلاعاتی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، در حالی که نیروهای انتظامی رسماً تابع وزارت کشور هستند، فرمانده کل نیروی انتظامی مستقیماً از سوی رهبر منصوب می‌شود و او به نوبه خود افسران ارشد نیروی انتظامی را (که تا حد زیادی محافظه کار هستند) منصوب می‌کند. در نتیجه، عبدالواحد موسوی لاری، که یک اصلاح طلب است، در یک کنفرانس مطبوعاتی در آذر ۱۳۷۸ صراحتاً اعلام کرد که "او بر نیروی انتظامی کنترلی ندارد، چرا که افسران آن از دستورات او اطاعت نمی‌کنند."<sup>۱۴۹</sup>

شگفت این‌که تعدد ارگانهای اطلاعاتی خود آشکارا نتیجه ضمنی تلاش برای اصلاح سیستم در بعضی موارد بوده است.<sup>۱۵۰</sup> این ساختارهای پیچیده همچنین سؤالات مهمی را در مورد تجزیه و تحلیل مسئولیت مافوق (که در بخش پنجم، قسمت ج، بند ۲-۱ توضیحات بیشتری در مورد آن داده خواهد شد) مطرح می‌کند.

<sup>۱۴۶</sup> پلیس امنیتی ایران در دوران بعد از انقلاب، نوشته دانیل بایمان، شهرام چوبین، انوشیروان عهت‌شاهی، جروالد د. گرین. کمپانی راند، ۲۰۰۱.

Daniel Byman, Shahram Chubin, Anoushiravan Ehteshami, Jerrold D. Green, Iran's Security Policy in the Post-Revolutionary Era, Rand Corporation, 2001

رک. [http://www.rand.org/pubs/monograph\\_reports/MR1320/index.html](http://www.rand.org/pubs/monograph_reports/MR1320/index.html) [از این به بعد: سیاست امنیتی ایران] ص. ۲۱. در عین حال، این مؤلفان هشدار می‌دهند که فقدان نظارت ممکن است گمراه کننده باشد:

بی نظمی و هرج و مرج آشکار نهادهای ایران غالباً این برداشت ذهنی را ایجاد می‌کند که افراد و مقامات مافوق بدون نظارت عمل می‌کنند. این برداشت معمولاً نادرست است. برای حفظ یکپارچگی، مقامات معدودی جرأت می‌کنند که کارهای مهم را بدون دست کم تأیید روش و تاکتیک از سوی رهبری انجام دهند. به‌ویژه در سطوح پایین‌تر افراد بدون اجازه از بالا تصمیم نمی‌گیرند... ساختار نهادی ایران، نظارت یا حداقل آگاهی از فعالیتهای امنیتی را تقویت می‌کند. از زمان اجرای اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، توان کنترل و فرماندهی رهبر به شیوه به هم پیوسته و پیچیده‌ای که در آن هیچ ارگان یا فرد خاصی نمی‌تواند به عنوان مقام ارشد و یا مستقل از رهبری عمل کند، اعمال می‌شود.

همان، ص. ۲۲ (تأکید اضافه شده). اگر این فرضیه درست باشد، چون به آگاهی و توان برای جلوگیری و مجازات متخلفان در بین مقامات رسمی خاصی اشاره می‌کند، در مبحث تجزیه و تحلیل مسئولیت مافوق (که در بخش پنجم، قسمت ج، بند ۲-۱ مورد بحث قرار خواهد گرفت) تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

<sup>۱۴۷</sup> سیاست امنیتی ایران، رک. زیرنویس ۱۴۶، ص. ۲۱.

<sup>۱۴۸</sup> همان، ص. ۲۷.

<sup>۱۴۹</sup> مروری بر بخش امنیتی ایران، رک. زیرنویس ۱۱، ص. ۱۲.

<sup>۱۵۰</sup> هنگامی که به دنبال انتشار گزارش قانون‌شکنیهای خاصی در اواخر سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ دولت تلاش کرد وزارت اطلاعات را "پاکسازی" کند، بسیاری از کارکنانی که از این وزارت برداشته شدند در ارگانهای امنیتی موازی دست به کار شدند. به‌عنوان مثال نگاه کنید به مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۸، شماره ۷ (که گزارش داده بسیاری از این افراد "به سرویسهای اطلاعاتی قوه قضاییه منتقل شدند و در حال حاضر یک سرویس امنیتی موازی را اداره می‌کنند که فعالان و افشاکران سیاسی را هدف قرار می‌دهد.")

## مسئله تداخل اختیارات و فقدان تقسیم کار دقیق در بین ارگانهای اطلاعاتی

پرونده خانم کاظمی به وضوح مشکلاتی را نشان داد که به علت تداخل اختیارات ارگانهای مختلف بر نظارت بر بازداشت و بازجویی به وجود آمده بودند، همانطور که ایراد اتهام به گروههای مختلفی که او را در بازداشت نگه داشته بودند، شامل قوه قضاییه، وزارت اطلاعات و واحد اطلاعات نیروی انتظامی نافرجام ماند. به عنوان مثال، تحقیقات در مورد علت مرگ خانم کاظمی به جنگ بین محافظه کاران (که قوه قضاییه را در کنترل داشتند) و اصلاح طلبان که وزارت اطلاعات را تحت کنترل داشتند مبدل شد؛ یک ناظر در این باره می گوید کاظمی، "به دنیای موازی ساختار تقسیم شده قدرت در ایران وارد شده بود - چنان که در داخل زندان آشکار است و در خارج زندان نیز همین گونه است."<sup>۱۵۱</sup>

به نظر می رسد که تعدد سازمانهای اطلاعاتی مانع ایجاد مکانیسمهای نظارتی برای به حداقل رساندن سوءاستفاده ها و تضمین تحقیقات مناسب می شود. همانطور که کمیسیون اصل نود تأکید می کند، "به نظر می رسد با توجه به مخالفت کارشناسان ضدجاسوسی وزارت اطلاعات با دستگیری و ادامه نگهداری خانم کاظمی و سایر مسائل مطروحه در پرونده از بدو امر تا فوت، اجمالاً نوعی سردرگمی و نابسامانی را در برخورد انتظامی و قضایی با خانم کاظمی، قبل و حتی بعد از مرگ وی می توان مشاهده کرد."<sup>۱۵۲</sup> با این حال این نابسامانی الزاماً نتیجه فقدان دستورالعملهای قانونی در مورد حوزه اختیارات نبوده است. وزارت اطلاعات مکرراً تأکید می کرد که اگر خانم کاظمی مستقیماً به ارگانی که به لحاظ فنی مسئول تحقیقات جاسوسی بود تحویل داده می شد، به این پرونده به مراتب بهتر رسیدگی می شد:

مشاور قضایی ضدجاسوسی وزارت به آقای دادستان اعتراض می کند که شما چرا متهم به جاسوسی را به جایی تحویل دادید که در تخصص آنها نیست این خانم باید در اختیار وزارت اطلاعات باشد، نظر ما این بوده که وی را آزاد کنید برود، اما هنگامی که وی را دستگیر کردند قاعده این بوده که تحویل وزارت بدهید تا ما از وی تحقیق کنیم و نتیجه را به شما اعلام نمایم.<sup>۱۵۳</sup>

در واقع، وکیل خانواده کاظمی استدلال کرد که مقاماتی که در ابتدا خانم کاظمی را دستگیر کردند فاقد اختیارات قانونی برای این کار بودند، چرا که مأمورین انتظامی داخل زندان اوین حق دخالت در امور خارج از زندان را نداشتند (و در واقع، ظاهراً برای کنترل اغتشاشات یا برخورد با تخلفات احتمالی، مقامات انتظامی افسری را در خارج از زندان مستقر نموده بودند).<sup>۱۵۴</sup> به علاوه آنها استدلال کردند که مقررات مربوط به قوانین داخل و خارج زندان مقرر می دارد که مأمورین در پستهای مربوطه نمی توانند فراتر از حوزه مأموریت خود عمل کنند.<sup>۱۵۵</sup> از این دیدگاه، می توان مقاماتی را که خانم کاظمی را دستگیر کردند بر اساس ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی به ارتکاب بزه توقیف غیرقانونی متهم کرد.<sup>۱۵۶</sup>

<sup>۱۵۱</sup> ایران: راز یک قتل، رک. زیرنویس ۶.

<sup>۱۵۲</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵.

<sup>۱۵۳</sup> همان، ص. ۲. (که از معاونان وزارت اطلاعات نقل می کند).

<sup>۱۵۴</sup> تقاضای تجدیدنظر زهره کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۱، ص ۱۳.

<sup>۱۵۵</sup> گزارش شاهد A در مورد محاکمه احمدی، رک. زیرنویس ۸۴.

<sup>۱۵۶</sup> تقاضای تجدیدنظر زهره کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، قسمت ۱، ص ۱۳.

### ۳. ناکارآمدی راهکارهای قضایی در رسیدگی به تخلفات قوه قضاییه

نظر به سهم بودن قوه قضاییه در تخلفات یاد شده، قربانیان سوءاستفاده‌های قوه قضاییه راهی برای چاره‌جویی در پیش رو ندارند. از آنجایی که قوه قضاییه اساساً درگیر سرکوب سیستماتیک و برنامه ریزی شده افرادی است که دیدگاه‌های انتقادی نسبت به دولت ابراز می‌دارند و به طور مداوم حق برخورداری از رعایت تشریفات قانونی در دادرسی را نقض می‌کند،<sup>۱۵۷</sup> به لحاظ ساختاری و به‌ویژه در جاهایی که اعضای عالیرتبه قوه قضاییه متهم به ارتکاب جرم هستند قادر به انجام تحقیقات بی‌طرفانه نیست. به نظر می‌رسد که مصونیت از مجازات در سطح گسترده، برخی از عوامل قوه قضاییه را متقاعد ساخته است که آنها در صورت ارتکاب تخلفات قانونی در امان هستند؛ به‌عنوان مثال از دادستان مرتضوی نقل شده است که در جلسه‌ای با خانواده یک زندانی سیاسی صراحتاً گفته است: "من هیچ نیازی به قانون ندارم. من خودم قانونم."<sup>۱۵۸</sup>

#### ۳-۱. رسیدگی قضایی به پرونده کاظمی

محاکمه احمدی (که در بخش چهارم، قسمت ج شرح داده شد) ناکارآمدی راهکارهای قضایی در برخورد با تخلفات عاملان قضایی را به وضوح نشان داد.

موارد مشکل آفرین محاکمه، شامل مخالفت دادگاه با احضار شهود و عدم پیگیری حداقل بیست نفر که شاهد دستگیری خانم کاظمی بودند از سوی دادستان و درصد بالای "پس گرفتن" شهادت از سوی این افراد، همچنین این سؤال را مطرح می‌کند که آیا شهود تحت فشار قرار گرفته بوده‌اند. اظهارات حداقل یک شاهد مبنی بر اینکه او از سوی مقامات دولت برای پس گرفتن شهادت خود تحت فشار قرار گرفته است (نگاه کنید به بخش چهارم، قسمت ج، بند ۱) نگرانی در این مورد را تقویت می‌کند. پذیرش مدارکی که به‌طور واضح تغییر داده شده بودند، سؤالات بیشتری را در مورد اعتبار و قابل استناد بودن اسناد و مدارک استفاده‌شده در دادگاه مطرح می‌سازد.

قانونی بودن محاکمه مکرراً از سوی وکیل خانواده کاظمی که استدلال می‌کرد که دادگاه صلاحیت قانونی برای رسیدگی به پرونده ندارد زیر سؤال رفت.<sup>۱۵۹</sup> اما موضوع بحث‌انگیزتر، انتخاب متهم و نوع اتهام وی بود: تصمیم به ایراد اتهام علیه آقای احمدی (با وجود اینکه خانواده کاظمی به‌طور خاص اتهامات را علیه قوه قضاییه مطرح کرده بود) و تخفیف اتهام او از قتل عمد به "شبه عمد" حاکی از این است که فشار سیاسی مانع انجام پیگرد قانونی شد.

<sup>۱۵۷</sup> مثل مرده در تابوت، ر.ک. زیرنویس ۷۴، ص. ۴۳. به همین صورت در گزارش سال ۲۰۰۲ نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ایران، تأکید شده که:

خیلی آشکار به نظر می‌رسد ... که مانع اصلی اصلاحات و مانع معرفی و تقویت یک فرهنگ حقوق بشر، قوه قضاییه، حامیان و پشتیبانان آن هستند.... این گروهی است که مسئولیت سنگین نقض مداوم حقوق بشر در ایران را بر عهده دارد.

[Maurice Danby Copithorne, Report on the Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran, E/CN.4/2002/42.]

<sup>۱۵۸</sup> مثل مرده در تابوت، ر.ک. زیرنویس ۷۴، ص. ۴۳. بعید است که واگذار کردن تحقیقات به عاملانی که خود در نقض قانون دست دارند مؤثر باشد، همان طور که واگذار کردن اصلاحات قضایی به همین عاملان مؤثر نیست؛ به‌عنوان مثال، گروه کاری سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ با اظهار تأسف "انتصاب بحث برانگیز و مورد منازعه اخیر قاضی سعید مرتضوی، قاضی دادگاه مطبوعات، به‌عنوان دادستان کل تهران، و با مأموریت اصلاح سیستم دادرسی" را خاطر نشان می‌کند. گزارش گروه کاری سازمان ملل، ر.ک. زیرنویس ۱۱۹، قسمت ۶۴، بخش ۵.

<sup>۱۵۹</sup> تقاضای تجدیدنظر زهره کاظمی، ر.ک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۱، ص. ۲

عدم دسترسی و کیل به پرونده کامل دادگاه مانع از این شد که وکیل بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد- از جمله این امر که صفحات متعددی از پرونده رسمی گم شده بود (نگاه کنید به بخش چهارم، قسمت ج، بند ۳). بسیاری بر این باورند که آزار و اذیت و کلای خانواده کاظمی (از جمله دستگیری و بازداشت) بعد از محاکمه، انتقام از آنها به خاطر پیگیری پرونده بوده است.

#### ۴. ضعیف و ناکارآمد بودن ارگانهای تحقیقاتی حقوق بشر

در سالهای اخیر، چندین سازمان تحقیقاتی حقوق بشر در ایران شکل گرفته‌اند، اما آنها به لحاظ کارایی با هم تفاوت دارند و عدم قدرت اجرایی آنها، مانعی برای کمک به محاکمه ناقضان قانون حتی در مواردی است که تخلف محرز می‌باشد.

#### ۴-۱. کمیسیون اصل نود مجلس

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، اصل نود قانون اساسی ایران به کمیته‌ای از مجلس اجازه می‌دهد که در مورد شکایات افراد علیه قوای سه‌گانه دولت تحقیق کند و گزارش ارائه دهد. در دوره آزادی نسبی سیاسی، هنگامی که کمیسیون "اعمال فشار واقعی بر قضات تدریس و دیگر مقامات مسئول را آغاز کرد"، به نظر می‌رسید که مکانیسم اصل نود ممکن است بتواند یکی از چند ابزار محدود برای افزایش مسئولیت‌پذیری را فراهم کند.<sup>۱۶۰</sup> هرچند کمیسیون فاقد قدرت اجرایی واقعی بود، تنها راه موجود برای اعاده حق بسیاری از زندانیانی بود که گزارش عمومی کمیسیون را راهی برای جلب توجه به پرونده‌های خود تلقی می‌کردند.<sup>۱۶۱</sup> در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ کمیسیون در مورد سرکوب روزنامه‌نگاران و دانشجویان، برخورد با زندانیان سیاسی و مسئولیت‌پذیری دولت در مقابل خشونت علیه دانشجویان تظاهرکننده، قوه قضاییه را تحت فشار قرار داد.<sup>۱۶۲</sup> آنهايي که نزد کمیسیون اصل نود شکایت کردند در عین حال که جلب توجه به پرونده خود را مفید یافتند، خود نیز در معرض انتقام قرار گرفتند.<sup>۱۶۳</sup> حتی نمایندگان مجلس که بر اساس قانون اساسی موظف به انجام تحقیقات بودند از انتقام در امان نبودند؛ شماری از صریح‌ترین نمایندگان که خواستار اطلاعات در مورد شرایط زندانیان سیاسی شدند و یا از قوه قضاییه به خاطر هدف قراردادن روزنامه‌نگاران و فعالان انتقاد کردند در هنگام حضور در بین مردم از سوی عوامل لباس شخصی مورد حمله قرار می‌گرفتند.<sup>۱۶۴</sup>

<sup>۱۶۰</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۶۰.

<sup>۱۶۱</sup> همان.

<sup>۱۶۲</sup> همان، ص. ۶۱.

<sup>۱۶۳</sup> براساس مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۱، شخصی که شکایت کرده بود گفت "اگر هیچ ابزار مطبوعاتی نبود، هیچ تحقیقاتی از سوی پارلمان صورت نمی‌گرفت، کمیسیون اصل نودی نبود، فکر می‌کنم الان هنوز زندان بودم یا مرده بودم." اما شخص دیگری که شکایت کرده بود توضیح داد:

روزنامه‌ها در مورد شکایت من به کمیسیون اصل نود نوشتند. دو روز بعد از آنکه روزنامه‌ها شکایت من به کمیسیون اصل نود را منتشر کردند، چند مرد لباسی شخصی آمدند و مرا درست جلوی خانه ام سوار ماشین کردند. آنها مرا خارج از شهر به طرف جاده کوچ بردند و شدیداً مرا زدند. هنگامی که من را به تهران برگرداندند، من را جلوی ساختمان مجلس پایین انداختند و گفتند، "بفرمایید، اگر می‌خواهی برو و به کمیسیون [اصل نود] مجلس شکایت کن. آنجاست."

و همان‌طور که شخص دیگری که با او مصاحبه شد گفت: "اعضای کمیسیون اصل نود چه کار می‌توانند بکنند؟ نه تنها هیچ توان اجرایی ندارند، بلکه همیشه دستگیر می‌شوند" همان، ص. ۶۲.

<sup>۱۶۴</sup> مثل مرده در تابوت، رک. زیرنویس ۷۴، ص. ۶۲.

## ۴-۲. دیگر سازمانهای تحقیقاتی حقوق بشر

در دهه ۱۹۹۰، سه سازمان رسمی حقوق بشر شکل گرفتند- کمیسیون حقوق بشر اسلامی، کمیسیون حقوق بشر مجلس، و سازمان حقوق بشر (که توسط وزارت خارجه تأسیس شد)- که هر یک "وابسته به نهادهای مختلف دولت بودند و توسط احزاب مختلفی در داخل رژیم کنترل می‌شدند"<sup>۱۶۵</sup>، و اگر قدرت اجرایی هم داشتند این قدرت اجرایی محدود بود.<sup>۱۶۶</sup> به‌علاوه، کمیسیون اجرا و نظارت بر اجرای قانون اساسی در سال ۱۳۷۶ از سوی رئیس‌جمهور خاتمی منصوب شد تا شکایات درباره موارد نقض حقوق را بررسی کند.<sup>۱۶۷</sup>

در حالی که به‌نظر می‌رسید ایجاد سازمانهای تحقیقاتی حقوق بشر تضمین‌کننده مسئولیت‌پذیری متخلفان باشد، ناتوانی و ناکارآمدی نسبی این سازمانها خلاف آن را به‌نمایش گذاشت. شاید آمار دریافت شکایت توسط این سازمانها افشاگرتر باشد: به‌عنوان مثال، کمیسیون اجرا و نظارت بر اجرای قانون اساسی در گزارش سال ۱۳۷۸ خود اعلام کرد که بیش از ۴۰۰ شکایت دریافت کرده است اما "آنها را برای بررسی مناسب ندیده است."<sup>۱۶۸</sup> در عین حال، کمیسیون حقوق بشر اسلامی در یک فقره اعلام کرد که از ۴۴۴ شکایت دریافتی، ۱۶۱ مورد (بیش از یک سوم) مربوط به مسائلی است که می‌توان به قوه قضاییه نسبت داد که نقش قوه قضاییه را به‌عنوان ناقض اصلی حقوق بشر بیشتر متمایز می‌نماید.<sup>۱۶۹</sup>

## ۵. ضعف قانونمندی

تکیه عوامل رسمی بر نهادهای قانونی جهت محدود کردن حقوق افراد و عدم پایبندی آنها به محدودیت‌های قانونی بر قدرت خود.

"قانونمندی" به یک ساختار مبتنی بر قانون اساسی اشاره دارد که در آن خود دولت تابع محدودیت‌های قانونی است. اجزای اصلی این مفهوم عبارتند از برتری قدرت قانونی و این اصل که حدود اقدامات دولت به‌وسیله قانون تعیین شود (به این معنی که "قانون باید بر مسئولان، از جمله قضات و شهروندان عادی به‌طور یکسان اعمال شود")<sup>۱۷۰</sup> و تکیه بر مکانیسمهای عدالت بی‌طرفانه (یعنی دادگاهها باید قانون را در مورد همه افراد به‌طور یکسان اجرا کنند و آیین دادرسی

<sup>۱۶۵</sup> رضا افشاری، حقوق بشر در ایران: سوءاستفاده از نسبت‌گرایی فرهنگی ۹-۲۷۸ (۱۳۸۱ برابر با ۲۰۰۱)

<sup>۱۶۶</sup> استدلال شده است که این سازمانها غالباً بدرفتاری با شهروندان را توجیه کردند یا اطلاعات نادرست دادند و در بعضی موارد حتی در پنهان کردن موارد نقض حقوق بشر سهیم بودند. همان. اما کمیسیون حقوق بشر اسلامی، سرانجام شروع به مطرح کردن سؤالاتی در مورد ادعاهای شکنجه و وجود مراکز بازداشت مخفی، به‌ویژه آندسته که روحانیون را هدف قرار می‌داد نمود (همان) و بنا به گزارشها خواستار تحقیقات مستقل و کامل در مورد مرگ کاظمی شد. نگاه کنید به گزارش خبری سازمان عفو بین‌الملل، "ایران: یک تحقیق مستقل باید در مرگ زهرا کاظمی انجام شود"، ۲۴ تیرماه ۱۳۸۲ برابر با ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۳.

[Amnesty International, *Press Release, Iran: An independent inquiry must be opened into the death of Zahra Kazemi*]

<sup>۱۶۷</sup> کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، حمله به عدالت، رک. زیرنویس ۱۲۴، ص. ۱۹۵.

<sup>۱۶۸</sup> همان.

<sup>۱۶۹</sup> گزارش گروه کاری سازمان ملل، رک. زیرنویس ۱۲۲، قسمت ۳۶، بخش الف.

<sup>۱۷۰</sup> "حکومت قانون، به‌عنوان بحثی در قانون اساسی" نوشته ریچارد فالون، دی ۱۳۷۵ برابر با ژانویه ۱۹۹۷، ص. ۸.

[Richard Fallon, "The Rule of Law" as a Concept in Constitutional Discourse]



منصفانه ای را به کار بگیرند.<sup>۱۷۱</sup> بنابراین قانونمندی مستلزم قوه قضاییه‌ای است که مستقل از فشار قوای اجرایی و مقننه است و نیز یک سیستم قانونی - شامل قضات، وکلا و حقوقدانان - که از مداخله خودسرانه عوامل سیاسی به دور باشد.<sup>۱۷۲</sup>

رئیس جمهور خاتمی، از ابتدای دوره ریاست جمهوری خود، "بر اهمیت قانونمندی در تقویت و ارتقای بنیان سیستم سیاسی ایران تأکید داشت."<sup>۱۷۳</sup> در واقع، ایشان در سخنرانی آغاز کار خود در ۱۳ مرداد ۱۳۷۶، خاطرنشان کرد که "برای خدمت به مردم، بر مسئولان اجرایی واجب است و به همین صورت وظیفه و مأموریت ریاست جمهوری اسلامی است که در صدر همه، در راستای نهادینه سازی قانونمندی و قانون اساسی تلاش کند."<sup>۱۷۴</sup>

با وجود این، همان‌طور که مهرانگیز کار، وکیل عالی‌رتبه ایرانی، استدلال کرده است، حتی مخالفان اصلاحات سیاسی،

می‌دانستند ساختار قوانین ایران به اندازه‌ای عقب‌مانده است که می‌توانند پشت آن سنگر بگیرند و به حذف دگراندیشان از حیات سیاسی و مطبوعاتی و فرهنگی کشور، صورت قانونی ببخشند.<sup>۱۷۵</sup>

مهرانگیز کار می‌نویسد که از سال ۱۳۷۶ به بعد مجموعه‌ای از ابزارهای قانونی شکل گرفت تا "به‌طور مؤثری درهای مذاکره، بحث و انتقاد را ببندند"، از جمله تصویب قوانین جدید برای افزایش توان مقامات قضایی جهت جلوگیری از ابراز افکار مخالف و تصویب قوانین آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۷۸ که شدیداً حق دسترسی متهمین به وکیل را در مراحل تحقیق و بازجویی محدود می‌کرد.<sup>۱۷۶</sup> او همچنین استدلال می‌کند که این اقدامات به صورت عمده برای "فلج کردن مکانیسمهای نظارتی" نظیر مکانیسم اصل نود قانون اساسی و دادگاه انتظامی قضات صورت گرفت.<sup>۱۷۷</sup>

اتکای قوه قضاییه بر مقررات قانونی به‌عنوان ابزاری برای محدود کردن حقوق فردی - در زمینه‌های مختلف از شرایط سخت برای مجوز عکاسی گرفته تا دستگیری بر اساس اتهامات کیفری مبهم - با عدم پایبندی خود این قوه به محدودیت‌های موجود در قوانین ایران شدیداً تناقض دارد.

---

<sup>۱۷۱</sup> همان، ص. ۹. برای توضیحات بیشتر در مورد مفهوم قانونمندی، نگاهی کلی بیندازید به "درباره حکومت قانون: تاریخچه، سیاستها، فرضیه"، نوشته برایان تاماناها، ۱۳۸۱ برابر با ۲۰۰۱

[Brian Tamanaha, *On the Rule of Law: History, Politics, Theory* (2001)]

سه بخش اصلی که تاماناها متمایز می‌کند عبارتند از: (۱) دولت محدود به قانون؛ (۲) مشروعیت رسمی (قوانین عمومی که دارای ویژگیهای عمومیت، برابری در اجرا و قاطعیت باشند)؛ و (۳) حاکمیت قانون نه فرد ("نباید تابع میل و هوس غیر قابل پیش‌بینی دیگر افراد - خواه پادشاه، قضات، مقامات دولت، یا شهروندان باشد.") همان، ص. ۱۲۳-۱۱۵.

<sup>۱۷۲</sup> دستورالعملهای مؤثر در این زمینه را می‌توان در "اصول کلی سازمان ملل درباره استقلال [قوه] قضاییه" که در هفتمین کنگره سازمان ملل، سال ۱۹۸۵، در مورد جلوگیری از جرم و برخورد با مجرمان پذیرفته شد و با قطعنامه ۴۰/۳۲ و ۴۰/۱۴۶ مجلس عمومی به تصویب رسید، یافت.

[U.N. Basic Principles on the Independence of the Judiciary U.N. Doc.]

<sup>۱۷۳</sup> محدودیت‌های تغییر، رک. زیرنویس ۷۸، ص. ۱.

<sup>۱۷۴</sup> همان. در یک مورد دیگر، رئیس جمهور خاتمی حتی با قاطعیت بیشتری در مورد اهمیت احترام به حقوق قانونی سخن گفت و تأکید کرد که: "ممکن است یک سیستم بتواند با زور و ارعاب، آرامش را تحمیل کند، اما این آرامش چیزی بیشتر از سکوت یک قبرستان که در آن مردم مانند مرده‌های متحرک هستند نخواهد بود. در حفظ یک نظام، نباید حقوق انکارناپذیر شهروندان را نادیده گرفت." همان، ص. ۱۴.

<sup>۱۷۵</sup> اظهارات مهرانگیز کار، یک تصویر کلی از ساختار قوانین ایران در دوران اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶)، در پرونده‌ای که نزد مرکز اسناد حقوق بشر ایران است [از این به بعد: اظهارات مهرانگیز کار] قسمت یک، بخش دو.

<sup>۱۷۶</sup> اظهارات مهرانگیز کار، رک. زیرنویس ۱۷۵ (با استناد به تبصره اصل ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۷۸ برابر با ۱۹۹۹ تصویب شد).

<sup>۱۷۷</sup> اظهارات مهرانگیز کار، رک. زیرنویس ۱۷۵. گفته می‌شود که دادگاه انتظامی قضات می‌تواند اخراج قضات را بر اساس "ملاحظات دینی" مطالبه کند. محسن آرمین نماینده مجلس اظهار داشته است که: "قاضی مرتضوی در دادگاه انتظامی قضات به علت تخلفات متعدد محکوم شده است و مانع اجرای حکم محکومیت او شده‌اند." اظهارات محسن آرمین: مرتضوی باید محاکمه شود، رک. زیرنویس ۲۳، ص. ۱.

## ب- نقض قوانین داخلی و بین‌المللی در پرونده زهرا کاظمی

این قسمت به بررسی سه حوزه اصلی نقض قوانین بین‌المللی و داخلی در پرونده زهرا کاظمی می‌پردازد:

- منع شکنجه
- حقوق متهم
- مسئولیت تضمین حق حیات

### ۱. منع شکنجه

#### ۱-۱. بر اساس قوانین بین‌المللی، شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ممنوع است.

ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، که ایران عضو آن است، تصریح می‌کند: "هیچ کس نباید تحت شکنجه، رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرد...." در تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر سازمان ملل (که مسئول نظارت بر اجرای این کنوانسیون است) تأکید شده است که ماده هفتم کنوانسیون از جامعیت برخوردار است بدین معنی که "تمام دولتهای عضو موظفند از طریق قانونگذاری و دیگر ترتیبات لازمه قانونی نسبت به محافظت از همگان" در برابر اعمال شکنجه "توسط مقامات رسمی در هر حوزه‌ای که اقدام کنند - چه این مقامات در حیطه اختیارات قانونی‌شان مرتکب اعمال شکنجه شوند و چه در خارج از چارچوب اختیارات قانونی‌شان مرتکب اعمال شکنجه شوند و یا در صورتی مرتکب اعمال شکنجه شوند که به صورت شخصی و در حوزه خصوصی عمل می‌کنند - اقدام نمایند."<sup>۱۷۸</sup> علاوه بر این، "هیچ‌گونه توجیه یا معذوریتی موجب عفو و بخشودگی و یا تخفیف در مجازات نقض‌کنندگان ماده هفتم نمی‌شود، حتی در مواردی که اعمال شکنجه به دستور یک مقام ارشد یا نهاد رسمی دولتی صورت گرفته باشد."<sup>۱۷۹</sup> در حالی که ماده هفتم در مورد مصادیق عملی که "شکنجه" و یا آنچه که "رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز"<sup>۱۸۰</sup> محسوب می‌شوند تصریح نیست، تعریف شکنجه در ماده یکم کنوانسیون منع شکنجه از مقبولیت عام برخوردار است:

هر عمل عمدی که به واسطه آن درد یا صدمه شدید جسمی یا روانی به فرد وارد آورد، خواه به‌منظور کسب اطلاعات و یا گرفتن اقرار از خود فرد یا شخص ثالث، و خواه به‌منظور تنبیه فرد به خاطر عملی

<sup>۱۷۸</sup> نگاه کنید به "تفسیر عمومی شماره ۲۰، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نشست ۴۴"، در سند شماره ۳۰ در دوره یکم سالیانه اسناد (چاپ ۱۹۹۴) [از این به بعد: تفسیر عمومی ۲۰].

[General Comment 20, U.N. Hum. Rts. Comm., 44<sup>th</sup> Sess., U.N. Doc. HRI/Gen/1/Rev.1 (1994) at 30]

کمیته حقوق بشر "تفسیرهای عمومی" را به‌صورت دوره‌ای اتخاذ کرده و به تشریح تعهدات دولتهای عضو بر اساس مواد کنوانسیون می‌پردازد. فلسفه وجودی این کمیته نظارت بر رعایت کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌وسیله دولتهای عضو است. کمیته حقوق بشر اجازه دارد در مورد مکاتبات دریافتی از سوی اتباع کشورهای امضاکننده پروتکل اختیاری کنوانسیون که مدعی نقض حقوق تحت حمایت کنوانسیون می‌باشند اظهارنظر کند. شایان ذکر است که ایران پروتکل اختیاری کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا نکرده است.

<sup>۱۷۹</sup> همان، ص ۳۱.

<sup>۱۸۰</sup> شایان توجه است که کمیته حقوق بشر میان سطوح گوناگون رفتار[های خشونت آمیز] و مجازاتهای ممنوعه در ماده هفتم تمایز قائل نمی‌شود. تفسیر عمومی ۲۰ در بند ۴ بیان می‌دارد: "کنوانسیون هیچ تعریفی از مفاهیم مذکور در ماده هفتم ارائه نمی‌دهد و به همین ترتیب کمیته ارائه فهرستی از اعمال ممنوعه و یا روشی برای تمایز دقیق اشکال مختلف مجازات یا رفتار[های خشونت آمیز] را ضروری نمی‌بیند. هرگونه تعریف و تبیین چنین تمایزاتی بستگی به ماهیت، هدف و شدت رفتارهای خشونت آمیز ارتکاب شده دارد."

که او یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، و خواه به منظور ارباب یا تهدید فرد یا شخص ثالث، و یا بر مبنای هرگونه تبعیض انجام شده باشد؛ در صورتی که این درد یا صدمه به فرد، با تحریک، تشویق، رضایت یا موافقت یک مقام رسمی دولتی، یا هر شخصی که در چنین مقامی در حال انجام وظیفه است، وارد شده باشد، شکنجه محسوب می‌شود. درد یا صدمه‌ای که به طور ذاتی یا تبعی لازمه مجازات قانونی است، شکنجه تلقی نمی‌شود.<sup>۱۸۱</sup>

در عین حال، ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به وضوح بیان نمی‌کند که شرط دخالت یک مقام رسمی دولتی در اعمال شکنجه ضروری است یا نه.

منع شکنجه در قوانین بین‌المللی محدود به کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نبوده و اکنون در زمره اصول و ضوابط لازم‌الرعایه بین‌المللی<sup>۱۸۲</sup> می‌باشد که همه دولتها موظف به رعایت آن هستند. همچنین بر اساس قاعده "صلاحیت قضایی بین‌المللی" [قاعده قابل پیگرد بودن در قلمرو قضایی بین‌المللی] شکنجه [در همه جا] قابل [پیگرد و] مجازات است. بر اساس قاعده صلاحیت قضایی بین‌المللی:

قوانین بین‌المللی به همه دولتها اجازه می‌دهند که با اعمال قانون خود برای مجازات جرایم معینی اقدام کنند، حتی اگر میان دولت اعمال کننده قانون و جرم واقع شده، از نظر محل وقوع جرم و یا ملیت مجرم (یا حتی قربانی) هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد. وجود قاعده صلاحیت قضایی بین‌المللی در مورد جرایم خاص به دلیل قبیح و محکوم بودن آن دسته از جرایم در سطح جهان و علاقه مشترک بین‌المللی به همکاری برای جلوگیری از وقوع این جرایم است.<sup>۱۸۳</sup>

به‌طور کلی، دزدی دریایی، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل کشی، تجارت برده، تبعیض نژادی، حمله به هواپیماها [ی غیرنظامی] یا ربودن آنها، و اعمال شکنجه، بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی یا حقوق بین‌الملل قراردادی از جرایم قابل پیگرد تحت قاعده صلاحیت قضایی بین‌المللی محسوب می‌شوند.<sup>۱۸۴</sup>

## ۱-۲. بر اساس قوانین ایران شکنجه ممنوع است

در قوانین ایران حق مصونیت از شکنجه صریحاً مورد حمایت قرار گرفته و مشخصاً شامل ممنوعیتهای متعددی علیه اعمال شکنجه و بدرفتاری نسبت به بازداشت‌شدگان می‌شود:

39 U.N. GAOR Supp. (No. 51) at 197, U.N. Doc. A/39/51 (1984)

۱۸۱

<sup>۱۸۲</sup> این قاعده "یک معیار حقوقی بدون حقوق بین‌الملل عمومی ... است [که] همه دولتهای جامعه بین‌المللی آن را در کل به‌عنوان یک اصل نسخ ناپذیر پذیرفته و به رسمیت شناخته‌اند. تغییر چنین اصلی تنها در صورتی که با اصل و معیاری از حقوق بین‌الملل عمومی با مشخصات یکسان جایگزین شود امکانپذیر است." کنوانسیون قانون پیمان نامه‌ها در وین، ۲۳ مه ۱۹۶۹، ص. ۶۹۸-۶۹۹. [The Vienna Convention on the Law of Treaties]

رک. <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/viennaconvention.html>

<sup>۱۸۳</sup> تثبیت قوانین امور خارجه: حوزه قضایی بین‌المللی برای تعریف و مجازات تخلفات معین، سال ۱۹۸۷

[Restatement (3<sup>rd</sup>) of Foreign Relations Law: *Universal Jurisdiction to Define and Punish Certain Offenses*]

<sup>۱۸۴</sup> رک. آنتونیو کسسیسی، حقوق جزایی بین‌الملل، ۲۰۰۳، ص. ۲۸۶ [Antonio Cassese, *International Criminal Law*]

- هر نوع شکنجه به قصد گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اصل ۳۸ قانون اساسی تصریح می‌کند: "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود."<sup>۱۸۵</sup>
- آزار و اذیت کردن متهم، به منظور وادار کردن او به اقرار، مشمول مجازات است. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۴ (۱۹۹۶) تصریح می‌کند: "هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی و یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت."<sup>۱۸۶</sup>
- منع بدرفتاری تنها شامل شکنجه نمی‌شود. ماده ۱۶۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۰، فحاشی، تنبیه جسمانی و رفتار بیرحمانه و تحقیر آمیز با بازداشت‌شدگان را مطلقاً منع می‌کند.<sup>۱۸۷</sup> در واقع، اصل ۳۹ قانون اساسی تا جایی پیش می‌رود که مقرر می‌دارد: "هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است."<sup>۱۸۸</sup>
- قانون مجازات اسلامی به‌طور اخص از شرایطی سخن می‌گوید که در آن مقامات عمومی، حقوق اساسی [شهروندان] را نقض می‌کنند. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مجازات زیر را در مورد نقض حقوق اساسی [شهروندان]، که شامل حق مصونیت از شکنجه می‌شود، توسط مقامات دولتی مقرر می‌کند: "هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد."<sup>۱۸۹</sup>

<sup>۱۸۵</sup> گفته می‌شود که رئیس قوه قضاییه طی نامه‌ای در آبان ۱۳۷۹ (برابر با نوامبر ۲۰۰۰)، خطاب به تمامی قضات تأکید کرد که شکنجه ممنوع است و به قضات نسبت به بازداشت "بدون دلیل" مظنونین، جلوگیری از ملاقات زندانیان با وکلایشان و احضار مظنونین از طریق تلفن و بازداشت آنها بدون اطلاع دادن به خانواده‌هایشان هشدار داد. گزارش درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، تهیه شده توسط آقای موریس دانی کاپیتورن، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر، به دنبال قطعنامه ۲۸/۲۰۰۰ کمیسیون. مورخ ۶ ژانویه ۲۰۰۱، [E/CN.4/2001/39]. گفته می‌شود که در این نامه ذکر شده که "متأسفانه" شماری از قضات از خود رفتار نامناسبی نشان می‌دهند و رفتار آنها با متهمان "بر خلاف قوانین مدون و ضوابط شرعی است." همان. همچنین در نامه مذکور تصریح شده که نقض حقوق متهمان منجر به پیگرد قانونی [مقام قضایی] متخلف و در صورت محکومیت، عزل دائم وی خواهد شد. رؤسای ادارات و دادگاهها موظفند که نسبت به اجرای کامل مفاد نامه مزبور اطمینان حاصل کنند. همان. با این حال، مشخص نیست که آیا این دستور در ریشه کن کردن تخلفات ظاهراً گسترده در این زمینه مؤثر بوده است یا خیر.

<sup>۱۸۶</sup> علاوه بر این، مقامات مافوقی که چنین دستوراتی را صادر کنند بنا به نص صریح ماده ۵۷۸ مسئول هستند.

<sup>۱۸۷</sup> ردرس: گزارش ایران، رک. زیرنویس ۱۹۰، ص. ۹.

<sup>۱۸۸</sup> اعمال مجازات نابجا و غیرقانونی از سوی مقامات دولتی نیز ممنوع است: "چنانچه هر یک از مستخدمین دولتی محکومی را سخت تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد..." ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی.

## نکاتی در مورد تعریف شکنجه در قوانین ایران

در حالی که وجود ممنوعیتهای متعدد علیه اعمال شکنجه در قوانین ایران قابل تمجید می‌باشد، باید متذکر شد که روند قانونگذاری یک سال پیش از مرگ زهرا کاظمی پرسشهای زیادی را در مورد مفهوم حقوقی منع شکنجه در قوانین ایران مطرح کرد.<sup>۱۸۹</sup>

بنا به گزارشها، مجلس ایران، به منظور محدود کردن استفاده گسترده از شکنجه و اجبار [افراد] برای گرفتن اقرار در محاکمات کیفری، لایحه‌ای را در اسفند ۱۳۸۰ تصویب کرد. در خرداد ۱۳۸۱، ناظران حقوق بشر گزارش دادند که شورای نگهبان لایحه مزبور را رد کرده است.<sup>۱۹۰</sup> ظاهراً شورای نگهبان نسبت به اینکه لایحه مزبور توانایی قضات را در اعمال تشخیص قضایی برای رد و یا پذیرش اقرار محدود می‌کرد اعتراض کرده و لایحه را خلاف شرع دانسته بود. در نتیجه لایحه برای بازنگری به مجلس برگردانده شد.<sup>۱۹۱</sup>

لایحه پیشنهادی، همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، حتی در صورت تصویب نیز مشکل‌آفرین بود. این لایحه نه تنها حق دسترسی به موقع و سریع به وکیل را برای متهمان تحت بازداشت در جرایم کیفری صریحاً تضمین نمی‌کرد، بلکه در آن هیچ محدودیتی برای مدت بازداشت در حبس مجرد پیش‌بینی نشده بود؛ دو موردی که مدتهاست اعمال شکنجه توسط مقامات را تسهیل می‌کند.<sup>۱۹۲</sup> بنا به گزارشها، این لایحه همچنین گروههای خاصی از مظنونین را به طور مشخص از حمایت‌های قانونی ذکر شده در لایحه محروم کرده بود، از جمله:

- اعضای "گروههای مرتد"
- محارب، اصطلاحی که در مورد انواع زیادی از مخالفان و منتقدان دولت به کار برده می‌شود.
- متهمین به "جاسوسی"؛ تعریف دقیقی از جرم جاسوسی در قوانین جزایی ایران موجود نیست.<sup>۱۹۳</sup>

سهولت ایراد این اتهامات در پرونده‌هایی نظیر پرونده زهرا کاظمی مایه نگرانی است: مدتها پیش از آنکه کمیسیون اصل نود به این نتیجه برسد که اتهامات جاسوسی علیه خانم کاظمی بی‌اساس بودند ایشان فوت کرده بودند. اگر قانونگذاران سعی در ایجاد نوعی خلاء قانونی برای مستثنی کردن گروههای پیشگفته فوق از حمایت‌های قانونی منع شکنجه بنمایند، چنین خلاء قانونی‌ای به خودی خود به منزله نقض آشکار مقررات کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و حقوق بین‌الملل خواهد بود.<sup>۱۹۴</sup> همان‌طور که پیشتر توضیح داده شد، اسناد بین‌المللی متعددی مقرر می‌دارند که اعمال شکنجه به هیچ عنوان موجه نیست. به هر حال، صرف پیشنهاد چنین استثنائات قانونی‌ای حاکی از وجود موانع عمده‌ای بر سر راه ایجاد یک فرهنگ واقعی احترام به ممنوعیت شکنجه در ایران می‌باشد.

<sup>۱۸۹</sup> همچنین شایان توجه است که همانند سایر قوانین، مفهوم شکنجه مطابق با معیارهای اسلامی تعریف می‌شود. از این رو، مجازات‌های معینه شرعی که به حدود معروف هستند شکنجه یا تنبیه غیرانسانی و تحقیرکننده تلقی نمی‌شوند.

<sup>۱۹۰</sup> این نهاد مسئول تضمین این امر است که تمامی قوانین مصوب مجلس مطابق با دستورات اسلامی باشد.

<sup>۱۹۱</sup> گزارش "ایران: رای مخالف به لایحه شکنجه محکوم شد" گروه دیده بان حقوق بشر،

[Human Rights Watch, *Iran: Veto on Torture Bill Condemned*, June 12, 2002]

که در آدرس <http://hrw.org/english/docs/2002/06/12/iran4038.htm> قابل دسترسی است.

<sup>۱۹۲</sup> همان

<sup>۱۹۳</sup> همان

<sup>۱۹۴</sup> همچنین نگاه کنید به "محافظه کاران در ایران از تحریم شکنجه حمایت می‌کنند"، نازیلا فتحی، ۶ مه ۲۰۰۴ برابر با ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۳، (که گزارش داده شورای نگهبان یک قانون جدید منع شکنجه را در فاصله کوتاهی بعد از تصویب آن لایحه در مجلس و پس از سه بار رد پیاپی لایحه پیشین تصویب کرد).

[Nazila Fathi, *Hard-Liners in Iran Back Torture Ban*, The New York Times]

### ۱-۳. حق مصونیت از شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در پرونده زهرا کاظمی نقض شد

تجزیه و تحلیل مستقل پزشکی قانونی انجام شده توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران در مورد اسناد و مدارک پزشکی موجود [پیوست ۱۰] نشان می‌دهد که حق مصونیت از شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در پرونده زهرا کاظمی نقض شده است.

پس از بررسی شواهد پزشکی موجود از جمله، گزارش دکتر شهرام اعظم، نتایج گزارش شده سی تی اسکن<sup>۱۹۵</sup> و اطلاعات موجود در گزارش کالبدشکافی تأیید شده از سوی دولت، این گزارش موارد زیر را متذکر شده است:

- نوع و محل جراحتهای قابل مشاهده بر سطح بدن نشان می‌دهند که کاظمی احتمالاً تحت شکنجه قرار گرفته بود.
- جراحتهای وارده در ناحیه سر در نتیجه اصابت وسایل کند بوده و نمی‌توانسته حاصل یک ضربه یا افتادن باشد.
- شکستگی حلقه پایه جمجمه (که هنگامی رخ می‌دهد که سر شدیداً به طرف جلو هل داده شود و مطالعات، وارد شدن ضربه به فک را مسبب چنین تکان شدیدی می‌دانند) که به احتمال خیلی زیاد در اثر وارد شدن ضربه به سر رخ داده است.
- موارد متعدد شکستگی، زخم و سوختگی در سطح بدن، از جمله شکستگی انگشتان پا، انگشتان دست، ناخنها و بینی.
- وجود جراحتهای تدافعی (کوفتگی در صورت استفاده از یک وسیله کند و بریدگی و سوراخ شدن در صورت استفاده از یک وسیله نوک تیز و معمولاً در سطح پشت دستان، مفاصل میچ و ساعدها و هنگامی که قربانی تلاش می‌کند جلوی ضربه‌ها را بگیرد ایجاد می‌شود.) تحلیلگر پزشکی قانونی مرکز اسناد حقوق بشر ایران خاطر نشان کرده که برخی از خراشها و کوبیدگیهای گزارش شده مانند کبودشدگی (اکیموسیس) در پشت ساعد راست، بر اساس چنین مشاهداتی قابل توضیحند.
- چندین جراحت پوستی در اثر تجاوز مکرر به کاظمی وارد شده است، چرا که جراحتهای در دو سوی بدن، در نیم تنه بالا و دستها و پاها بوده و صرفاً در یک طرف بدن نبوده‌اند. مشکل می‌توان تصور کرد که جراحات در اثر یک مکانیسم تصادفی (زمین خوردن) بوده و همه این جراحات در اثر آن اتفاق افتاده است. علاوه بر این قابل تذکر است که در جریان بازجویی غالباً انگشتان دست و ناخنها هدف قرار می‌گیرند.<sup>۱۹۶</sup>

<sup>۱۹۵</sup> در تحلیل پزشکی قانونی نتایج گزارش شده از سی تی اسکن سر و نیز گزارش رسمی کالبدشکافی که در اسناد زیر آورده شده است مورد بررسی قرار گرفت: اظهارات عبدالکریم لاهیجی تحت عنوان *تداوم مصونیت شکنجه گران*، در ۲۰ تیر ۱۳۸۴ (از این به بعد: *اظهارات عبدالکریم لاهیجی: تداوم مصونیت شکنجه گران*) [پیوست شماره ۱۱]؛ گزارش پزشکی دکتر شهرام اعظم، رک. زیرنویس ۴، و نامه محسن آرمین: مرتضوی در هر حال باید "تحت پیگرد قانونی" قرار گیرد، ۵ مرداد ۱۳۸۲ [از این به بعد: *محسن آرمین: نامه سرگشاده به سعید مرتضوی*] [پیوست شماره ۱۲].

<sup>۱۹۶</sup> شهادت یک مأمور اطلاعاتی موسوم به پریدخت سعادت نژاد این تحلیل را تأیید می‌کند. خانم سعادت نژاد شهادت داد که در ۳ تیر ۱۳۸۴ هنگامی که کاظمی به بازداشتگاه تحت مسئولیت او منتقل شد، یکی از مقامات به سعادت نژاد گفت که او کاظمی را شب قبل مورد ضرب و شتم قرار داده و توصیه کرد که مقامات اطلاعاتی نیز همین کار را بکنند. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بند ۳، بخش اول، قسمت ۴-۶، صص. ۸ و ۹. به علاوه، گزارش شده که هنگامی که کاظمی به محل دیگری منتقل می‌شد، قادر به راه رفتن نبود و او را حمل می‌کردند. همان، بخش اول، قسمت ۴-۶، صص. ۷ و ۸.

اسناد و مدارک پزشکی موجود نشان می‌دهد که سوء رفتاری که با کاظمی شده (ضرب و شتم شدید و بر روی نقاط مختلف بدن زهرا کاظمی، پارگیهایی که احتمالاً در اثر شلاق زدن ایجاد شده، شکستگی بینی و له شدگی انگشتان دست و پا و تجاوز به عنف) به اندازه‌ای شدید بوده که مصداق شکنجه مطابق مقررات حقوق بین‌الملل باشد.<sup>۱۹۷</sup>

## ۲. حقوق متهم

### ۲-۱. ایران بر اساس قوانین بین‌المللی موظف به حمایت از حقوق متهمان است.

کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران عضو آن است مقررات لازم را برای موارد زیر وضع کرده است:

- حق مصونیت در مقابل دستگیری خودسرانه<sup>۱۹۸</sup>
- حق تفهیم اتهام و اطلاع یافتن فرد از دلیل دستگیری خود بدون فوت وقت<sup>۱۹۹</sup>
- حق دسترسی به وکیل (هم در محاکمه و هم در مراحل قبل از محاکمه) و پزشک<sup>۲۰۰</sup>

<sup>۱۹۷</sup> به‌عنوان مثال، موتیا برعلیه زئیر (*Muteba v. Zaire*)، نشست بیست و دوم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۲/۱۲۴) [CCPR/C/22/D/124/1982]، مویو برعلیه زئیر (*Muiyo v. Zaire*)، نشست سی و یکم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۵/۱۹۴) [CCPR/C/31/D/194/1985]، و کانانا برعلیه زئیر (*Kanana v. Zaire*)، نشست چهل و نهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۹/۳۶۶) [CCPR/C/49/D/366/1989 (1993)] و کمیته حقوق بشر مجموعه‌ای از اعمال زیر را شکنجه تلقی می‌کنند: ضرب و شتم، شک الکتریکی به آلت تناسلی، اعدامهای ساختگی و جلوگیری از دسترسی به غذا و آب. علاوه بر شکنجه، ماده هفتم همچنین رفتار "بیرحمانه و غیرانسانی" یا "تحقیرآمیز" را ممنوع می‌کند. پژوهشگران از وجود چنین رفتاری در پرونده‌هایی نظیر: لیتون برعلیه جامائیکا، (*Linton v. Jamaica*)، نشست چهل و ششم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۷/۲۵۵) [CCPR/C/46/D/255/1987 (1992)] (مؤلف در اثر ضرب و شتم بیهوش شد، اعدام ساختگی شد و از مراقبت‌های پزشکی مناسب محروم شد)؛ بیلی برعلیه جامائیکا، (*Bailey v. Jamaica*)، نشست چهل و هفتم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۸/۳۴۴) [CCPR/C/47/D/334/1988 (1993)] (زندانی مکرراً با چماق، لوله‌های آهنی و باتون مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بدون مراقبت پزشکی برای جراحاتی که به سر و دستان او وارد شده بود رها شده بود)؛ هیلتون برعلیه جامائیکا (*Hylton v. Jamaica*)، نشست پنجاه و یکم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۹۰/۴۰۷) [CCPR/C/51/D/407/1990 (1994)] (زندانی از سوی نگهبانان زندان شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مکرراً به مرگ تهدید شد) گزارش می‌دهند. همچنین، پرونده‌های زیادی وجود دارد که کمیته حقوق بشر موارد نقض ماده هفتم را در آنها یافته است بدون اینکه مشخص کند کدام قسمت ماده هفتم نقض شده است. به‌عنوان مثال، در هانری برعلیه ترینیداد و توباگو، (*Henry v. Trinidad and Tobago*)، نشست شصت و چهارم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۹۷/۷۵۲) [CCPR/C/64/D/752/1997 (1999)] نویسنده‌ای شدیداً از ناحیه سر توسط مقامات زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود که که نیاز به چندین بخیه داشت که این عمل نقض ماده هفتم می‌باشد.

به‌علاوه، اینکه تجاوز به عنف شکلی از شکنجه است به طور فزاینده‌ای مورد پذیرش است. نگاه کنید به دادستان برعلیه آکایه سو، (*Prosecutor v. Akayesu*)، دادگاه جنایی بین‌المللی رواندا، ۱۹۹۸، شماره پرونده ICTR-96-4-T؛ حنا پیرس، "بررسی معنی جهانی تجاوز سیاسی و اهمیت شکنجه قلمداد کردن آن"، سال ۲۰۰۲، صص. ۵۳۴ و ۵۳۵.

[Hannah Pearce, *An Examination of the International Understanding of Political Rape and the Significance of Labeling it Torture*, 14 INTL. J. REF. L. 534, 535 (2002)]

(که به بررسی معانی کنونی شکنجه و "وقوع تجاوز به عنف در سطح بین‌المللی که به‌عنوان یک سلاح استراتژیک برای تحقیر و تخفیف قربانی به کار می‌رود" می‌پردازد و استدلال می‌کند که "تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی در حد زیادی به‌عنوان شکنجه به کار می‌روند و از این روست که ارتکاب شکنجه مرتباً از طریق تجاوز به عنف صورت می‌گیرد".)

<sup>۱۹۸</sup> ماده ۹ بند ۱ مقرر می‌دارد بازداشت باید بر اساس قوانین موجود صورت بگیرد و نباید خودسرانه باشد.

<sup>۱۹۹</sup> ماده ۹ بند ۲ مقرر می‌دارد که "هرکس که دستگیر می‌شود باید از دلیل دستگیری خود مطلع شود و بی‌درنگ از هر نوع اتهامی علیه خود آگاه گردد." لزوم بیان ماهیت و علت اتهام از بیان صرف اتهام فراتر می‌رود و دادستان ملزم است که نه تنها جرم را دقیقاً تشریح کند بلکه حقایقی را که به اتهام منجر شده توضیح دهد. این تا حد زیادی به مقررات ماده ۹ بند ۳ مربوط می‌شود که مقرر می‌سازد "هرکس که بر اساس یک اتهام جزایی دستگیر یا بازداشت شود باید توسط قاضی یا هر مقام دیگری که قانون به او اختیارات قضایی داده محاکمه شود و باید از حق محاکمه در زمان معقول یا حق آزادی برخوردار باشد."

<sup>۲۰۰</sup> علاوه بر حق دسترسی به وکیل در محاکمه، حق دسترسی به وکیل در مراحل قبل از محاکمه نیز وجود دارد که ریشه در ماده ۱۴ بند ۳ دارد. کمیته حقوق بشر صراحتاً اظهار داشته که "تمامی افرادی که دستگیر می‌شوند باید بلافاصله به وکیل دسترسی داشته باشند، بی‌درنگ توسط پزشک مورد معاینه قرار گیرند و بتوانند فوراً به قاضی ای که در مورد قانونی بودن بازداشت آنها رأی خواهد داد درخواست رسیدگی بدهند." کمیته حقوق بشر و نتایج مشاهدات گرجستان، فصل اول، ۱۹۹۷ [Hum. Rts Comm., *Concluding Observations on Georgia*] پاراگراف ۲۵۴. حضور وکیل (و پزشک) شرطی الزامی است و تضمین‌کننده حفظ حقوق متهمان است. [وجود وکیل تضمین می‌کند که] با بازداشت‌شدگان بدر رفتاری نشود و هر نوع اعتراضی که با استفاده از روشهای غیرمجاز گرفته شده باشد مسموع نخواهد بود.

• حق برخورداری از رفتار انسانی<sup>۲۰۱</sup> و حق مصونیت از شکنجه و بدرفتاری<sup>۲۰۲</sup>

• حق برخورداری از اصل برائت<sup>۲۰۳</sup>

در قوانین بین‌المللی، حمایت‌هایی مشابه اما در سطح گسترده‌تر برای متهمین در نظر گرفته شده است؛ به‌عنوان مثال، در "مجموعه اصول مربوط به حمایت از تمامی اشخاصی که تحت هر نوع بازداشت یا حبس قرار دارند"<sup>۲۰۴</sup>، حقوق زیر مقرر شده‌اند:

• حق مصونیت از شکنجه و بدرفتاری (ماده ۶) و مورد بی‌حرمتی قرار گرفتن (ماده ۲۱)

• اینکه کسانی که شخصی را تحت بازداشت نگه می‌دارند صرفاً از اختیاراتی استفاده کنند که قانون به آنها داده است (ماده ۹)، به بازداشت شده فرصت کافی بدهند تا از خود دفاع کند (ماده ۱۱) و گزارش مفصلی از دلیل بازداشت، محل بازداشت و مأمورینی که در بازداشت نقش داشته‌اند تهیه شود (ماده ۱۲). همچنین باید گزارش دقیقی در مورد افرادی که در بازجویی نقش داشته‌اند تهیه شود (ماده ۲۳).

• شخص بازداشت شده از حق ارتباط داشتن با خانواده و وکیل برخوردار باشد (مواد ۱۵ و ۱۷) و اگر از اتباع بیگانه است از حق ارتباط با کنسولگری کشورش برخوردار باشد (ماده ۱۶).

• بازداشت شده از این حق برخوردار باشد که مورد مداوای پزشکی قرار بگیرد (ماده ۲۴).

• اگر شخصی در زمانی که تحت بازداشت است فوت کند باید در مورد آن تحقیق ویژه صورت بگیرد و نتایج تحقیق قابل دسترسی باشد (ماده ۳۴).

## ۲-۲. در قوانین ایران مجموعه‌ای از حمایت‌های قانونی برای تضمین حقوق متهم وجود دارد.

قوانین ایران مجموعه‌ای محدودتر اما در عین حال پراهمیت از حمایت‌های قانونی را در زمینه رعایت تشریفات قانونی در دستگیری و بازداشت ارائه می‌کنند، از جمله:

• منع دستگیری خودسرانه<sup>۲۰۵</sup>

<sup>۲۰۱</sup> بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که دولتها با بازداشت‌شدگان "به‌طور انسانی رفتار کنند و به کرامت ذاتی انسان احترام بگذارند." پایبندی به این ماده جنبه‌های متعددی دارد، از جمله منع شکنجه و بد رفتاری و رعایت کامل تشریفات قانونی.

<sup>۲۰۲</sup> ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: "هیچ کس نباید مورد شکنجه، رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار بگیرد. (این مطلب به‌طور مفصل در بخش پنجم، قسمت ب، بند ۱ توضیح داده شده است).

<sup>۲۰۳</sup> دو اصل الزامی دیگر از حق برخورداری از رفتار انسانی دفاع می‌کنند: اصل برائت (مطابق با بند ۲ ماده ۱۴)؛ تفسیر کلی ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی استاندارد را "اثبات گناهکاری فارغ از هر گونه شک عقلایی" تعیین می‌کند و اصل دیگر حق جدا نگه داشتن متهمین از محکومینی که دوران حبس خود را می‌گذرانند می‌باشد (بند ۲ الف ماده ۱۰).

<sup>۲۰۴</sup> G.A. res 43/173, annex, 43 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 298, U.N. Doc. A/43/49 (1988)

مجموعه این اصول الزام آور نیست اما این قطعنامه، قطعنامه بسیار معتبری است که اصول منعکس شده در آن را شورای اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد کرده است و این اصول می‌بایست از سوی دولتها و در قانونگذاریها و فعالیتهای آنها در سطح ملی مورد توجه قرار گیرند.

<sup>۲۰۵</sup> اصل ۳۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که "هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند."



- لزوم تفهیم اتهام به متهم بدون فوت وقت و لزوم وجود مقررات در موارد خطای قضایی<sup>۲۰۶</sup>
- مجازاتهای مشخص برای آن دسته از مأمورین قضایی یا سایر مأمورینی که به صورت غیرقانونی افراد را در بازداشت نگه می‌دارند یا به صورت غیرقانونی افراد را تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهند.<sup>۲۰۷</sup>
- منع شکنجه با هدف کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار. قاضی تحقیق نباید به زور متوسل شود.<sup>۲۰۸</sup>
- اصل برائت<sup>۲۰۹</sup>

## ۲-۳. عدم رعایت حقوق متهم در پرونده زهرا کاظمی

ترتیب زمانی حوادث در گزارش هیئت ویژه رئیس جمهوری (بخش چهارم، قسمت الف) و شرح طولانی کمیسیون اصل نود در مورد غیرقانونی بودن دستگیری زهرا کاظمی (بخش چهارم، قسمت ب) نشان می‌دهند که تضمینهایی که در قوانین آیین دادرسی ایران برای رعایت حقوق متهم وجود دارد در موارد متعددی در این پرونده صریحاً نقض شده‌اند.

تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی مدعی نقض تعداد دیگری از تضمینهای متعدد در قوانین آیین دادرسی ایران برای رعایت حقوق متهم می‌باشد.<sup>۲۱۰</sup> به‌عنوان مثال، وکیل خانواده کاظمی قانونی بودن دستگیری اولیه و صدور قرار بازداشت موقت او را زیر سؤال برد. این واقعیت که هم وزارت اطلاعات و هم نیروی انتظامی (که به لحاظ فنی از شرایط لازم برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی را برخوردار هستند) ادعای خطرناک بودن زهرا کاظمی به لحاظ امنیتی را رد کرده بودند، باعث تردید جدی در مورد قانونی بودن دستگیری یا بازداشت کاظمی می‌شود. وکیل خانواده کاظمی استدلال کرد که بازداشت زهرا کاظمی نقض اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۲۴ آیین دادرسی کیفری می‌باشد که پیش شرطهایی را برای اعمال بازداشت افراد تعیین می‌کنند. به‌علاوه وکیل کاظمی مدعی شد که "در بدو ورود خانم زهرا کاظمی و قبل از صدور دستور تحت نظر نگه داشتن مشارالیها، دلایل اتهام و نوع آن به وی تفهیم نشده است و مقررات اصل ۳۲ قانون اساسی و مواد ۲۴ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری توسط مقام صادرکننده دستور تحت نظر رعایت نشده است."<sup>۲۱۱</sup> این استدلال با نتیجه‌گیری کمیسیون اصل نود مبنی بر اینکه "تحت نظر قرار دادن خانم کاظمی با حضور قضات محترم زندان اوین، به هیچ وجه نمی‌تواند مطابق با ماده ۲۴ [قانون آیین دادرسی کیفری] ... باشد."<sup>۲۱۲</sup> مطابقت دارد.

<sup>۲۰۶</sup> اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد "در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود."

<sup>۲۰۷</sup> به‌علاوه، ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد "هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون دستور توقیف یا بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد."

<sup>۲۰۸</sup> اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است." همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، اصل ۳۸ صراحتاً مقرر می‌سازد که "اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است." به‌علاوه، ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری مقرر می‌سازد که قاضی تحقیق نباید به هنگام بازجویی از متهم، به فشار و زور متوسل شود.

<sup>۲۰۹</sup> اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌سازد که "اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد."

<sup>۲۱۰</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، بند ۳، ص. ۱۳ (تحت عنوان "تخلفات و جرایم وارد شده از بدو دستگیری خانم زهرا کاظمی تا زمان مرگ آن مرحومه").

<sup>۲۱۱</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، بند ۳، ص ۱۶.

<sup>۲۱۲</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص ۴.

تصمیم به بازداشت خانم کاظمی به‌ویژه با توجه به ماده ۱۴ رهنمودهای سازمان ملل در مورد وظایف دادستانها شگفت‌انگیز است: "در صورتی که تحقیقات بی‌طرف نشان دهند که اتهامات وارده بی‌اساس هستند، دادستانها مجاز نیستند که تعقیب را شروع کنند یا به آن ادامه دهند و یا تلاش به اقامه دعوی نمایند."<sup>۲۱۳</sup> شواهد بالا نشان می‌دهند که شمار دیگری از حقوق متهمان بر اساس قوانین بین‌المللی نقض شده‌اند: به‌عنوان مثال، اصل برائت،<sup>۲۱۴</sup> حق دسترسی به وکیل و حق دسترسی به مراقبتهای پزشکی سریع و کافی.<sup>۲۱۵</sup>

### ۳. عدم حمایت و احترام دولت به حق زندگی

بند یک ماده شش کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران عضو آن است، تضمین می‌کند که "هر انسانی دارای حق ذاتی زندگی است" و "هیچ کس نباید به‌طور خودسرانه از حق زندگی محروم شود."<sup>۲۱۶</sup> این اصل به‌صورت زیر توسط کمیته حقوق بشر سازمان ملل تفسیر شده است:

دولتهای عضو نه تنها باید در راستای جلوگیری و مجازات سلب حق زندگی از طریق اعمال جنایتکارانه اقدام کنند بلکه باید ازارتکاب قتل به‌طور خودسرانه توسط نیروهای امنیتی خود جلوگیری به عمل آورند. سلب حق زندگی توسط مقامات دولتی از بیشترین اهمیت برخوردار است. از این رو، قانون باید قاطعانه شرایطی را که تحت آن یک شخص ممکن است توسط این مقامات از حق زندگی محروم شود کنترل و محدود کند.<sup>۲۱۷</sup>

وظیفه ایران در تضمین حق زندگی بر اساس قوانین بین‌المللی به مراتب از خودداری از ارتکاب قتل فراتر می‌رود و همچنین دربرگیرنده وظیفه انجام تحقیقات کامل درباره موارد نقض بند ۱ ماده ۶ و چاره‌جویی در این موارد می‌باشد (این مطلب در ادامه توضیح داده خواهد شد). بنابراین در تضمین حق زندگی بدیهی است که: در درجه اول، وظیفه عمومی

<sup>۲۱۳</sup> رهنمودهای سازمان ملل در مورد وظایف دادستانها در سال ۱۹۹۰ در هشتمین نشست سازمان ملل در مورد جلوگیری از وقوع جرم و برخورد با متخلفان به تصویب رسید. این سند اگرچه الزام آور نیست از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است.

<sup>۲۱۴</sup> در گزارشهای رسانه‌های گوناگون احتمال اینکه کاظمی تحت فشار به مجرم بودن خود اعتراف کرده باشد به‌صورت حدس و گمان مطرح شده بود؛ به‌عنوان مثال یکی از این رسانه‌ها گزارش داد که:

هنگامی که کاظمی به زندان برگردانده شد و از او خواسته شد که اقرارنامه‌ای را امضاء کند، او [در اعتراض] نوشت که در جریان بازجویی در دادسرا مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. بازجویان وی اظهاراتش در این مورد را در پرونده نگه داشتند.

THE GUARDIAN (UN), Killer Images, Nov. 19, 2005 (<http://www.guardian.co.uk/weeken/story/0,3605,1644900.00.html>)

کمیسیون اصل نود همچنین به اظهارات خانم کاظمی که بیان داشته بازجویان او را مورد ضرب و شتم قرار داده و انگشت پایش را شکسته اند اشاره می‌کند. گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۴.

<sup>۲۱۵</sup> در گزارش کمیسیون اصل نود ذکر شده که:

بر اساس اظهارات جناب آقای دکتر پزشکیان، وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جلسه مورخ ۸۲/۵/۷ این کمیسیون مبنی بر این که اگر خانم کاظمی به موقع به مراکز پزشکی دولتی منتقل می‌شد که دارای رزیدنتهای جراحی مغز هستند، "قطعاً نجات پیدا می‌کرد" جای این سؤال جدا مطرح است که با توجه به استقرار بهداری و حضور پزشکانی در زندان اوین مسئول مستقیم یا غیرمستقیم چنین تعلل سرنوشت‌ساز چه کسانی هستند؟

اظهاراتی که در جلسه کمیسیون مورخ ۷ مرداد ۱۳۸۲ بیان شد. گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۵.

<sup>۲۱۶</sup> ممنوعیت محروم کردن افراد از حق زندگی به‌طور خودسرانه به این معنی است که نباید جان افراد با قرار دادن آنها در شرایط نامعقول و نایجا به خطر بیفتد. برخی از شاخصهای خودسرانه بودن، عمدی بودن قتل و لزوم به قتل رساندن فرد است. به‌عنوان مثال نگاه کنید به سوارز دو گوئرو بر علیه کلمبیا (*Suarez de Guerrero v. Colombia*)، نشست پانزدهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، [CCPR/C/15/D/45/1979 (1982)]، پاراگراف ۱۳، بخش ۲

<sup>۲۱۷</sup> کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تفسیر عمومی ۶، نشست شانزدهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد سال ۱۹۸۲، قسمت ۶، بخش ۳

دولتهاست که شرایطی را فراهم کنند که سوءاستفاده‌های مجریان قانون به حداقل برسد و راه حلهای قضایی در دسترس باشند و در درجه دوم، دولتها دارای این وظیفه ویژه هستند که شرایط مزبور را در مورد تک تک افراد فراهم آورند.<sup>۲۱۸</sup>

نهادهای دولتی نظیر پلیس و زندانها، که افراد را تحت بازداشت قرار می‌دهند مسئولیتهای خاصی دارند. صرف ننگ داشتن افراد در بازداشتگاهها، که در قلمرو دولت هستند و افراد نمی‌توانند به میل خود آنها را ترک کنند، موجب می‌شود که دولت موظف به تأمین رفاه و تضمین امنیت بازداشت شدگان در مدت بازداشت آنها باشد.<sup>۲۱۹</sup> بنابراین دولتها آشکارا موظف به تضمین حفظ جان افراد تحت بازداشت می‌باشند؛ وظیفه‌ای که مکمل وظیفه دولت در خودداری از قتل است.<sup>۲۲۰</sup> به‌عنوان مثال، در پرونده لانتسوف برعلیه روسیه فدرال (Lantsov v. Russian Federation)<sup>۲۲۱</sup> که در آن یک مرد جوان "در سلامت کامل وارد بازداشتگاه شد اما شرایط موجود در بازداشتگاه منجر به مرگ وی شد"، کمیته حقوق بشر تأکید کرد که:

امر مسلم این است که دولتهای عضو با دستگیری و بازداشت افراد مسئولیت حفاظت از زندگی آنها را بر عهده می‌گیرند. دولتها موظفند که با ساماندهی شرایطی که افراد در آن تحت بازداشت به سر می‌برند، در حد معقول از وضعیت سلامت بازداشت‌شدگان خود اطلاع داشته باشند.

در پرونده مورد اشاره، کمیته حقوق بشر احراز کرد که ماده ۶ به دلیل "عدم انجام اقدامات مناسب برای محافظت از جان لانتسوف در خلال مدتی که در بازداشتگاه به سر برده است"<sup>۲۲۲</sup> نقض شده است.

در پرونده خانم کاظمی، یک زن ۵۴ ساله که ظاهراً از سلامت کامل برخوردار بود، به زندان اوین برده شد و بعد از سه روز و نیم بازجویی، با جراحات مهلکی بیرون آمد. این نشان می‌دهد که ایران تعهدات خود را در مورد حفاظت از جان زهرا کاظمی در مدتی که تحت بازداشت بود، نقض کرده است.<sup>۲۲۳</sup>

<sup>۲۱۸</sup> گزارش کشتار به عنوان نقض حقوق بشر، "کیت تامپسون و کامیل گیفورد، مرکز حقوق بشر دانشگاه اسکس، سال ۲۰۰۲، صص. ۲۰-۲۱ و ۳۲ [از این به بعد: گزارش کشتار به عنوان نقض حقوق بشر]

[Kate Thompson and Camille Gifford, *Reporting Killings as Human Rights Violations*]

<sup>۲۱۹</sup> همان، ص. ۳۴.

<sup>۲۲۰</sup> نگاه کنید به پرونده درمیت بارباتو برعلیه کشور اوروگوئه (*Dermi Barbatov v. Uruguay*) که در آن کمیته حقوق بشر احراز کرد که ماده ۶ نقض شده است چون "علی‌رغم اینکه کمیته قادر نیست قطعاً نتیجه‌گیری کند که آیا هوگو درمیت خودکشی کرده یا [آن گونه که مقامات دولتی ادعا کرده بودند و خانواده قربانی نسبت به این ادعا اعتراض کرده بودند] وادار به خودکشی شده بود یا در بازداشت کشته شده بود، این امر مسلم است که مقامات اروگوئه تحت هر شرایطی، عمداً یا اهمالاً، مسئول عدم مراقبت کافی از جان وی بوده‌اند." درمیت باربادو برعلیه اوروگوئه، نشست هفدهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۱/۸۴)، [1982] CCPR/C/17/D/84/1981، قسمت ۹، ۱۰ و ۱۱؛ فابریکانت برعلیه کانادا، نشست هفتاد و نهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۲۰۰۱/۹۷۰)، [2003] CCPR/C/79/D/970/2001، قسمت ۹، ۳ (در این پرونده تأکید شده که دولت "مسئول جان و رفاه بازداشتیهای خود است.")

<sup>۲۲۱</sup> لانتسوف برعلیه روسیه فدرال (*Lantsov v. Russian Federation*)، نشست هفتاد و چهارم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۹۷/۷۶۳)، [2002] CCPR/C/74/D/763/1997، قسمت ۹، ۲.

<sup>۲۲۲</sup> همان.

<sup>۲۲۳</sup> جراحات وارده به زهرا کاظمی شدیدتر از آن بودند که خشونت اعمال شده را بتوان استفاده موجه از زور از سوی مأموران اجرای قانون تلقی کرد. نظر به اینکه امکان سوءاستفاده به وسیله ضابطین قانونی همواره وجود دارد، دستورالعملهای بین‌المللی در مورد نحوه استفاده از زور به وسیله این مأموران در حین انجام وظیفه شامل قواعد سختگیرانه‌ای هستند. استانداردهای پذیرفته شده در سطح بین‌المللی برای استفاده بجا از زور را به‌عنوان نمونه می‌توان در آیین‌نامه رفتار ضابطین قانونی (که در قطعنامه ۳۴/۱۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ پذیرفته شده) مشاهده کرد. مطابق این آیین‌نامه توسل به زور "تنها در صورت وجود نیاز شدید و تا حدی که برای انجام وظیفه لازم است" مجاز است (ماده ۳) و نیز "توسل به زور از سوی مأموران اجرای قانون تنها در موارد استثنایی مجاز می‌باشد؛ از آنجایی که ... ممکن است به دلیل اینکه در بعضی شرایط برای جلوگیری از جرم یا کمک به دستگیری قانونی مجرمان و مظنونین استفاده از زور ضروری باشد، به مأموران اجرای قانون می‌توان اجازه داد که به زور متوسل شوند، مع الوصف نباید توسل به زور از حدود قانونی فراتر برود" (تفسیر الف از ماده ۳). با توجه به خصوصیات جسمانی خانم کاظمی و عدم احتمال مسلح بودن وی، بعید است که میزان زوری که علیه وی به کار برده شده الزامی یا بجا بوده باشد.

### ج- وظیفه دولتها برای تأمین چاره‌جویی و جبران خسارت بر اساس قوانین بین‌المللی

شماری از کنوانسیونهای عمومی حقوق بشر دولتها را ملزم می‌کنند حقوقی را که در این کنوانسیونها ذکر شده است برای تمامی افراد "تضمین کنند"، مانند الزامی کردن انجام تحقیقات در موارد نقض قانون توسط مراجع ذیصلاح و فراهم کردن تشریفات قانونی جهت جبران خسارت برای قربانیان. ایران به‌عنوان یکی از اعضای کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملزم است که:

الف. تضمین کند هر کس که حقوق یا آزادیهای او، که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، نقض شده، غرامت معتبر و مؤثر دریافت کند، صرف نظر از اینکه تخلف مزبور توسط اشخاصی که سمت رسمی دارند ارتکاب شده باشد؛

ب. تضمین کند هر کس که مدعی چنین غرامتی است محق است که خواسته وی توسط مراجع قضایی، اجرایی یا قانونگذاری ذیصلاح یا هر مرجع ذیصلاح دیگر برآورده شود و امکانات لازم برای تأمین چاره‌جویی قضایی مناسب فراهم شود؛

ج. تضمین کند که مراجع ذیصلاح نسبت به اجرای حکم پرداخت این غرامتها پس از صدور احکام قانونی اقدام کنند.<sup>۲۲۴</sup>

کمیته حقوق بشر سازمان ملل احراز کرده است که بنابر این مقررات، مراجع دولتی باید درباره موارد نقض شده ادعایی مانند اعدامهای اختصاری، شکنجه و مفقود شدن تحقیق کنند و مسئولان چنین تخلفاتی را مورد پیگرد قانونی قرار دهند.<sup>۲۲۵</sup> این کمیته همچنین مقرر کرده است که دولتها "ملزم هستند هرچه سریعتر و به‌طور کامل، درباره موارد بدرفتاری در زندان تحقیق کنند".<sup>۲۲۶</sup>

دادگاه حقوق بشر اروپا مقرر می‌دارد که در پرونده‌هایی که دولتها به‌طور انحصاری در مورد جزئیات جراحات یا مرگ یک قربانی تحت بازداشت مطلعند، مسئولیت ارائه توضیح قانع‌کننده برعهده دولتها می‌باشد.<sup>۲۲۷</sup>

به‌منظور تضمین مسئولیت‌پذیری واقعی، دولتها موظفند تحقیقات لازم را بر اساس استانداردهای بین‌المللی تمامیت، به موقع بودن و بی‌طرفی انجام دهند. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی ۲۰ تأکید کرده "تحقیقات باید سریع و بی‌طرفانه توسط مراجع ذیصلاح انجام شود تا بدین ترتیب بتواند چاره‌جویی مؤثر را فراهم کند." سازمانهای اجرایی کنوانسیونهای حقوق

<sup>۲۲۴</sup> کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳، بند ۲.

<sup>۲۲۵</sup> به‌عنوان مثال نگاه کنید به درمیت باریاتو برعلیه اوروگوئه، ر.ک. زیرنویس ۲۲۰ (که دولت "موظف بوده که اقدامات لازم [...] را برای روشن ساختن حقایق فوت هوگو درمیت انجام دهد")؛ موتبا برعلیه زئیر، (*Muteba v. Zaire*)، ر.ک. زیرنویس ۱۹۷. دادگاه حقوق بشر اروپا نیز به همین صورت منع شکنجه در ماده ۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا را به‌عنوان وظیفه کلی تضمین‌کننده حقوق مذکور در کنوانسیون تفسیر می‌کند و دولتها را موظف می‌سازد که درباره تمامی موارد شکنجه به‌طور کامل تحقیق کنند. به‌عنوان مثال، در پرونده آکسوی بر علیه ترکیه، (*Aksoy v. Turkey*)، 23 E.H.R.R. 553 594، پاراگراف ۹۸، دادگاه احراز کرد که عدم انجام تحقیقات از سوی مقامات باعث ایجاد مانعی برای تأمین غرامت مؤثر شده است. "چنین دیدگاهی از سوی مقام دولتی مسئول تحقیق درباره تخلفات جنایی باعث تضعیف هرگونه چاره‌جویی دیگر برای تحقیق در مورد این تخلفات شد." (

<sup>۲۲۶</sup> استفانز برعلیه جامائیکا (*Stephens v. Jamaica*)، نشست پنجاه و پنجم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۸۹/۳۷۳) (1995) [CCPR/C/55/D/373/1989]، پاراگراف ۹، قسمت ۲

<sup>۲۲۷</sup> هیو جوردان برعلیه انگلستان، [103 (2001) ¶ 327 at ¶] (*Hugh Jordan v. The United Kingdom*, 2001 E.C.H.R. 327 at ¶ 103)، درخواست شماره ۲۴۷۴۶/۹۴

بشر تأکید کرده‌اند که چنین تحقیقاتی باید بی‌طرفانه باشند و چنین بی‌طرفی مستلزم استقلال مأمورین تحقیق از کسانی که به هر نحو در وقوع رویداد دخالت داشته‌اند می‌باشد.<sup>۲۲۸</sup>

## ۱. وظیفه دولتها برای انجام تحقیقات و پیگرد موارد نقض قانون

نهادهای مجری حقوق بشر و صاحب‌نظران حقوقی استدلال کرده‌اند که حق جبران خسارت که در بسیاری از کنوانسیونهای حقوق بشر مقرر شده به‌طور ضمنی به این معنی است که دولتها موظفند به تحقیق در مورد متخلفان بپردازند و آنها را تحت پیگرد قرار دهند.<sup>۲۲۹</sup> شماری از کنوانسیونهای حقوق بشر به‌طور خاص پیگرد متخلفان را الزامی می‌دانند.<sup>۲۳۰</sup> همان‌طور که در زیر ذکر شده، کمیته حقوق بشر صراحتاً بر وظیفه دولتها جهت پیگرد متخلفان بر طبق ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد حق زندگی تأکید می‌کند:

دولتهای عضو موظفند به‌طور کامل درباره موارد ادعا شده نقض حقوق بشر و به‌ویژه مفقود شدن اشخاص و موارد نقض حق حیات تحقیق کنند و مسئولان را تحت پیگرد قرار داده، محاکمه و مجازات نمایند. اجرای این تعهد در مواردی که عواملان موارد نقض قانون شناسایی شده‌اند منطقی‌تر خواهد بود.<sup>۲۳۱</sup>

<sup>۲۲۸</sup> به‌علاوه، نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل، دادگاه حقوق بشر اروپا و دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا به‌طور مفصل معیارهای عملی تحقیق و تفحص را مقرر کرده‌اند و اصول سازمان ملل در مورد جلوگیری مؤثر و تحقیق در مورد اعدامهای غیرقانونی، خودسرانه و اختصاری مجموعه‌ای کامل است که در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده و استانداردهای تحقیق در مورد قتل‌های منتسب به نیروهای امنیتی و تشریفات قانونی متأخر بر آن را ارائه می‌کند.

همچنین نگاه کنید به ولاسکوئز-رودریگز [Velasquez-Rodriguez, Inter-Am. Ct. H. R. (Ser.C) No. 4 (1988)] پرونده ناپدید شدن شخصی که گفته می‌شد توسط نیروهای امنیتی هوندوراس شکنجه و کشته شده بود. در این پرونده، دادگاه حقوق بشر کشورهای آمریکایی از تحقیقات در مورد ناپدید شدن ادعایی انتقاد کرد چرا که این تحقیقات توسط نیروهای نظامی که ادعا شده بود خودشان در این جرم دخالت داشته‌اند انجام شده بود.

علاوه بر این، وجود یک قوه قضاییه مستقل در انجام تحقیقات قضایی مؤثر پیش فرض است. اصول اولیه در استقلال قوه قضاییه سازمان ملل تأکید می‌کند که قوه قضاییه باید "در مورد موارد مطروحه نزد این قوه به صورت بی‌طرف، بر اساس واقعیت، در مطابقت با قانون و بدون هیچ‌گونه محدودیت، تأثیر نامناسب، رشوه، فشار، تهدید یا مداخله، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و از سوی هر منبع یا شخصی، قضاوت کند." (اصل ۲).

<sup>۲۲۹</sup> رک. نایومی روت-آریازا، *مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل برای بررسی و تعقیب تخلفات بزرگ حقوق بشر*، 78 CAL. L. REV. 1490، سال 1990

[Naomi Roht-Arriaza, *State Responsibility to Investigate and Prosecute Grave Human Rights Violations in International Law*]

داین اورتلیکر، *تسویه حساب: وظیفه تعقیب تخلفات حقوق بشر رژیم سابق*، 100 Yale L. J. 2537

[Diane Ortlicher, *Settling Accounts: The Duty to Prosecute Human Rights Violations of a Prior Regime*]

و مایکل شارف، *مسئولیت پذیری برای جنایات بین‌المللی و تخلفات جدی حقوق بشر: کلمه قانون: حوزه مسئولیت قانونی بین‌المللی برای تعقیب جنایات حقوق بشری*، 41 59 LAW & CONTEMP. PROB. 1996

[Michael Scharf, *Accountability for International Crime and Serious Violations of Fundamental Human Rights: The Letter of the Law: the Scope of the International Legal Obligation to Prosecute Human Rights Crimes*]

<sup>۲۳۰</sup> به‌عنوان مثال، کنوانسیونهای ژنو، کنوانسیون نسل‌کشی و کنوانسیون منع شکنجه، تمامی دولتهای عضو را موظف می‌سازند که حقایق قضایی را در مورد تخلفات روشن سازند - دولت باید پرونده را به‌منظور پیگرد و یا استرداد مظنون به مراجع ذی‌صلاح تحویل دهد.

<sup>۲۳۱</sup> باؤتستا دو آریانا برعلیه کلمبیا (*Bautista de Arellana v. Colombia*)، نشست پنجاه و پنجم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره (۱۹۹۳/۵۶۳)، [CCPR/C/55/D/563/1993 (1995)]، پاراگراف ۸، قسمت ۶، (تأکید شده). به‌علاوه، فرض قضایی به‌طور گسترده‌ای بر این است که هرچا شخصی در سلامت کامل بازداشت شود و در مدت بازداشت مجروح شود یا فوت کند، دولت در مورد جراحت یا فوت مسئول است. ... هرچا که امکان توضیحی در مورد فوت وجود ندارد و یا توضیحات مزبور مستند نیستند ... می‌توان چنین استدلال کرد که دولت مستقیماً مسئول قتل است. "ارائه گزارش قتل به‌عنوان موردی از موارد نقض حقوق بشر، رک. زیرنویس ۲۱۶، ص. ۲۶.

همچنین نگاه کنید به تفسیر دادگاه حقوق بشر کشورهای آمریکایی از کنوانسیون حقوق بشر کشورهای آمریکایی. در پرونده ولاسکوئز-رودریگز، رک. زیرنویس ۲۲۸، ص. ۱۶۶، دادگاه در مورد وظیفه "تضمین" حقوق مذکور در بند ۱ ماده ۱ چنین مقرر می‌دارد:

تعهد مزبور دولتهای عضو را موظف می‌سازد که ساختار دولت و به‌طور کل تمام ساختارهایی که توسط ایشان اعمال قدرت صورت می‌پذیرد را به ترتیبی سازمان دهند که تضمین‌کننده کامل آزادی و بهره‌مندی از حقوق بشر از نظر قضایی باشد. در نتیجه چنین تعهدی دولتها می‌بایست از ارتکاب هرگونه نقض حقوق تضمین شده در این کنوانسیون جلوگیری کرده و تخلف مزبور را مورد پیگرد قانونی و مجازات قرار دهند. علاوه بر این، در صورت امکان، دولتها مکلفند که نسبت به جبران خسارت در نتیجه نقض این حقوق اقدام نمایند.

همچنین برخی حقوقدانان استدلال کرده‌اند که تعهد برای تعقیب عاملان جرایم خاص مانند جنایت علیه بشریت در عرف حقوق بین‌الملل عملاً در حال شکل‌گیری است.<sup>۲۳۲</sup>

در پرونده زهرا کاظمی، دو کمیسیون ویژه دولتی در مورد فوت وی تحقیقاتی انجام دادند، معذک نظر به اینکه هر دو کمیسیون به این نتیجه رسیدند که شناسایی عاملان مسئول در مرگ خانم کاظمی نیازمند تحقیقات بیشتری است، جامعیت این تحقیقات زیر سؤال رفت. همچنین انتشار بیانیه قوه قضاییه که تبرئه تنها متهم محاکمه شده، رضا احمدی، را نشانگر تصادفی بودن مرگ کاظمی و در نتیجه موجب مختومه بودن پرونده اعلام کرد، کامل بودن تحقیقات در مورد این پرونده به وسیله قوه قضاییه را مورد شک و تردید قرار داد.

به‌علاوه، از آنجایی که خانم کاظمی در مدت بازداشت در حبس قوه قضاییه بود و محتمل است که قوه قضاییه در مرگ کاظمی مقصر بوده باشد، بی‌طرفی تحقیقات جزایی قوه قضاییه در مرگ زهرا کاظمی به شدت مورد سؤال است. هم در گزارش کمیسیون اصل نود و هم در تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی در مورد دخالت گسترده در تحقیقات مربوط به مرگ خانم کاظمی (از جمله تهدید شهود و دست بردن در اسناد و مدارک مستند) توسط اشخاص و نهادهایی که به‌طور بالقوه در مرگ کاظمی نقش داشتند، مبسوطاً توضیح داده شده است. تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی صریحاً به تبیین مراحل متعددی می‌پردازد که می‌بایست در طی یک تحقیقات بی‌طرفانه به انجام می‌رسید و مأمورین تحقیق در پرونده کاظمی در به انجام رسانیدن این مراحل قصور کردند. (نگاه کنید به تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش یکم، قسمت ۴، "نقص تحقیقات در دادسرا").

این معضلات نشان‌دهنده عدم رعایت "مقررات اصول مربوط به منع مؤثر اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و اختصاری و تحقیق درباره آنها" به‌وسیله ایران در موارد زیر است:

- محافظت از شاکیان، شهود و خانواده‌های ایشان و مأموران تحقیق در برابر خشونت یا ارباب
- عزل هر مقام یا مقامی که به‌طور بالقوه در "اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و اختصاری" دست داشته است و نیز جلوگیری از نظارت چنین مقامی بر شاکیان، شهود یا خانواده‌های ایشان و یا مأموران تحقیق [در طی مدت تحقیق]
- حق خانواده‌ها جهت ارائه اسناد و مدارک دیگر
- وظیفه دولت نسبت به محاکمه اشخاصی که بنا بر تحقیقات در ارتکاب جرم نقش داشته‌اند
- گزارش مکتوب مفصل در مورد روشها و یافته‌های تحقیقات انجام شده که می‌باید در زمان معقول به اطلاع عموم برسد<sup>۲۳۳</sup>

<sup>۲۳۲</sup> به‌عنوان مثال، نایومی روت-آریازا استدلال می‌کند که مقررات کنوانسیون و آرای دادگاهها (نظیر آنهایی که در بالا بحث شد)، عمل دولت (از جمله پیروی از قطعنامه‌های سازمان ملل و مدافعات دولت [مربوطه از اقداماتش] در مقابل سازمانهای بین‌المللی) و قاعده مسئولیت دولت حاکی از ظهور یک تعهد جدید درباره وظیفه دولتها برای تحقیق موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل و اقدام علیه مسئولین و متخلفین بر اساس عرف حقوق بین‌المللی می‌باشد. نایومی روت-آریازا، مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل برای بررسی و تعقیب تخلفات بزرگ حقوق بشر، رک. زیرنویس ۲۲۹، ص. ۴۴۹-۴۵۱

<sup>۲۳۳</sup> اصول مربوط به منع مؤثر اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و اختصاری و تحقیق درباره آنها

[E.S.C. res. 1989/65, annex, 1989 U.N. ESCOR Supp. (No. 1) at 52 (Principles 15-18), U.N. Doc. E/1989/89 (1989)]

در قطعنامه 1985/65، پاراگراف ۱، شورای اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد کرده که دولتها باید در قانونگذاریهای داخلی و عملکرد خود این اصول را مد نظر داشته و به آنها احترام بگذارند.

## ۲. مسئولیت دولت و فرد بر اساس قوانین بین‌المللی

### ۱-۲. مسئولیت دولت در قبال نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر

بر اساس نظریه و دکترین "مسئولیت دولت"، دولتها ممکن است در موارد نقض کنوانسیونهای حقوق بشر مسئول تلقی شوند. به عبارت دیگر، اقدامات مقامات دولتی، در جایی که قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند، ممکن است به دولتی نسبت داده شود که آنها تحت قدرت آن عمل می‌کنند. این اصل در مواد مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولتها در قبال اقدامات غیرقانونی بین‌المللی منعکس شده است. ماده هفتم این مصوبه مقرر می‌دارد که اقدامات هر نهاد دولتی یا هر شخص و یا نهادی که اختیارات دولتی بدان تفویض شده است، در صورتی که آن ارگان، شخص یا نهاد از این اختیارات استفاده کند، در حکم فعل دولتی است، "حتی اگر این ارگان، شخص یا نهاد از حدود اختیارات خود تجاوز کند و از دستورالعملهای مربوطه تخطی نماید."<sup>۲۳۴</sup> بر اساس این رهنمودها، جمهوری اسلامی ایران در قبال شکنجه و جراحات مهلک وارد شده به زهرا کاظمی، در هنگامی که ایشان منحصراً در بازداشت مقامات دولتی بود، مسئول تلقی می‌شود.

### ۲-۲. مسئولیت فرد در قابل نقض قوانین کیفری بین‌المللی

قوانین بین‌المللی وظایف و مسئولیتهایی را بر افراد و همین‌طور دولتها تحمیل می‌کنند. از این رو، افراد ممکن است به خاطر جنایاتی که مرتکب می‌شوند، نظیر شکنجه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت متهم شوند، حتی اگر در مقام انجام وظایف قانونی یا به دستور مافوق عمل کنند. چنین مسئولیت مستقیمی در عرف حقوق بین‌الملل و شماری از کنوانسیونها، از جمله کنوانسیون منع شکنجه، منشور نورمبرگ، دادگاه جنایات بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY)، دادگاه جنایات بین‌المللی رواندا (ICTR) و دادگاه جنایی بین‌المللی رم (ICC) تصریح شده است. افراد همچنین ممکن است بر اساس قوانین داخلی به واسطه ارتکاب جنایاتی مانند قتل، شکنجه یا تجاوز به عنف، که در صورت ارتکاب بنا بر قوانین داخلی از مصونیت قانونی برخوردار نیستند تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. با این حال، بر اساس قوانین بین‌المللی حتی عالی‌ترین مقامات و رؤسای دولت، صرف نظر از اینکه بر اساس قوانین داخلی از مصونیت برخوردار باشند یا خیر، نمی‌توانند در مورد جنایات ادعای مصونیت کنند.

### ۱-۲-۲. اشکال مسئولیت

بر اساس قوانین بین‌المللی اقدامات افراد در چندین مورد منجر به مسئولیت جنایی برای ایشان می‌گردد. بارزترین شکل مسئولیت جنایی زمانی است که فرد مباشر جرم باشد، یعنی مستقیماً مرتکب تخلف شود. به‌عنوان مثال، هنگامی که فرد به

<sup>۲۳۴</sup> در سال ۲۰۰۱، کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصل مسئولیت دولتها در قبال اقداماتی که در سطح بین‌المللی جرم تلقی می‌شوند را منتشر کرد که چارچوب مسئولیت دولت را مشخص می‌کند. [U.N. GAOR, 56<sup>th</sup> Sess., Supp. No. 10, at 59, 68, U.N. Doc. A/56/10 (2001)] ماده ۴ مقرر می‌سازد که "عملکرد هر نهاد دولتی بر اساس قوانین بین‌المللی به‌عنوان فعل آن دولت تلقی می‌شود، چه کارکرد نهاد مزبور قانونگذاری، اجرایی، قضایی و یا هر کارکرد دیگری باشد و چه نهاد مزبور در ساختار تقسیمات کشوری، سازمان دولتی یک ارگان دولت مرکزی یا زیر مجموعه ای از ارگانهای منطقه ای دولت با هر ماهیتی باشد." بنا به تعریف، "ارگان" دربرگیرنده "هر شخص یا نهادی است که جایگاه آن در چارچوب قوانین داخلی دولت مشخص شده است."

تنهایی و بدون کمک، مرتکب عمل فیزیکی قتل شود. اما مسئولیت جنایی ممکن است گروه‌های دیگری از افراد را در بر گیرد؛ کسانی که دستور ارتکاب جرم را صادر می‌کنند و یا دیگران را به ارتکاب جرم تشویق و ترغیب می‌کنند، کسانی که برای ارتکاب جرم نقشه می‌کشند و یا برنامه‌ریزی می‌کنند، کسانی که شریک جرم هستند و در ارتکاب آن معاونت می‌کنند و یا کسانی که به نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر کمک می‌کنند.<sup>۲۳۵</sup> به‌علاوه بر اساس نظریه و دکرین مسئولیت مافوق (که در پایین شرح داده خواهد شد)، آن دسته از فرماندهان و مقامات ارشدی که مستقیماً در ارتکاب عمل جنایی دخالت نداشته‌اند، اما از نظارت بر زیردستان خود و جلوگیری از نقض قانون توسط آنها و یا مجازاتشان قصور کردند، ممکن است مسئول تلقی شوند.

### اشکال گوناگون مسئولیت جنایی

- "ارتکاب جرم" هم به مباشرت مستقیم شخص در ارتکاب فعل مجرمانه و هم به امتناع مجرمانه (خودداری از انجام وظیفه قانونی که همان ترک فعل است) اطلاق می‌شود.
- "دستور، تشویق یا ترغیب" به معنی (سوء) استفاده از مقام قانونی برای قانع کردن دیگری به ارتکاب تخلف است. دستورات می‌توانند آشکارا یا ضمنی باشند و نیازی نیست که مستقیماً به متخلف ابلاغ شده باشند.
- "معاونت در جرم" به معنی ترغیب، همکاری کردن یا راهنمایی در ارتکاب جرم می‌باشد. معاونت در جرم به معنی کمک عملی، تشویق و حمایت روانی است که محققاً تأثیر بسزایی در آمادگی برای ارتکاب جرم دارد.<sup>۲۳۶</sup>
- "توطئه برای ارتکاب جرم یا همکاری در جرم توسط گروهی از افراد با هدف مشترک" به شرایطی اشاره دارد که در آن چند شخص مجتمعاً مرتکب فعل مجرمانه می‌شوند اما هر یک از آنها مرتکب عمل متفاوتی می‌شود. به‌عنوان مثال، در ارتکاب جرم شکنجه، ممکن است یک نفر مرتکب نقض عمل شکنجه شود، در حالی که یک نفر دیگر به بازجویی از متهم و نوشتن پاسخهای وی پردازد.<sup>۲۳۷</sup> در خصوص این جرم، تمامی اشخاص مرتکب که از هدف جنایی آگاهی دارند و قصد و نیت در ارتکاب فعل مجرمانه دارند، از دیدگاه کیفری، صرف نظر از نوع کمکی که به ارتکاب جرم می‌کنند، به یک اندازه مسئول هستند.<sup>۲۳۸</sup>

<sup>۲۳۵</sup> به‌عنوان مثال نگاه کنید به ماده ۲۵ قانون دادگاه جنایی بین‌المللی رم.

<sup>۲۳۶</sup> دادگاه جنایات بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده دادستان برعلیه فوروندزیجا (*Prosecutor v. Furundzija*)، پاراگراف ۲۳۵، اعلام کرد که "مبنای مسئولیت جنایی مستقیم فردی و قابلیت مجازات شخصی برای کمک و همدستی ... را عرف حقوق بین‌الملل تعیین می‌کند" و "لازمه آن همکاری عملی، تشویق یا پشتیبانی روانی است - به گونه‌ای که تأثیری اساسی بر ارتکاب جرم داشته باشد؛ و جرم ممکن است در اثر غفلت یا اقدام عملی روی داده باشد. دادگاه جنایی بین‌المللی رواندا در بسیاری از پرونده‌ها از جمله پرونده باگوسورا (*Bagosora*) خاطر نشان کرد که: "همکاری و تشویق ممکن است دربرگیرنده اقدامات فیزیکی، اظهارات شفاهی و یا حتی خودداری از اقدام در جایی باشد که ممکن است حضور یک مقام مسئول در مکانی که در آن ارتکاب جرم صورت می‌گیرد به معنای تأیید آن جرایم باشد." دادستان برعلیه تیونسسته باگوسورا گراتین کابیلیگی، آلويس نتاباکوزه، آناوله نسنکیوموا، شماره پرونده ICTR-98-41-T، تصمیم‌گیری بر درخواست برانث، پاراگراف ۱۷، فوریه ۲۰۰۵.

<sup>۲۳۷</sup> آنتونیو کسپسی، حقوق جزایی بین‌الملل (۲۰۰۳).

<sup>۲۳۸</sup> برای توضیحات بیشتر در مورد اشکال گوناگون مشارکت در جرم به‌عنوان نمونه نگاه کنید به آنتونیو کسپسی، حقوق جزایی بین‌الملل، فصل نهم؛ ای. وان اسلیدرگ، وظیفه جنایی اشخاص در قبال تخلفات قانون بین‌الملل، ۲۰۰۳، فصل دوم.

[E. Van Sliedregt, *The Criminal Responsibility of Individuals for Violations of International Law*]



## ۲-۲-۲. مسئولیت مافوق

همان‌طور که در بالا شرح داده شد، افرادی که دستور ارتکاب جرم را نداده‌اند و یا در ارتکاب آن معاونت نکرده‌اند ممکن است بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق به ارتکاب جرم جنایی متهم شوند اگر به‌طور مؤثر بر اشخاص تحت اختیار خود (یعنی مقامات مادون) نظارت نداشته باشند یا از ارتکاب تخلفات به‌وسیله ایشان جلوگیری نکنند و یا در صورت ارتکاب تخلف آنها را مجازات نکنند. به‌عنوان مثال، دادگاه جنایات بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مسئول یک اردوگاه اسیران را بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق به اتهام قتل، شکنجه، سبب شدن درد و رنج بسیار، اعمال جراحات شدید و اعمال غیرانسانی‌ای که افراد تحت فرمان او مرتکب شده بودند، محکوم کرد. او تقریباً به مدت شش ماه مسئول اردوگاه اسیران بود اما نتوانسته بود از تجاوزات مزبور جلوگیری به عمل آورد، اگرچه مقام عالی مربوطه "کاملاً از اینکه نگهبانان اردوگاه زندان سلیبسی مرتکب نقض قوانین بشردوستانه بین‌المللی شده بودند آگاه بود."<sup>۲۳۹</sup>

برای آنکه شخصی بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق به ارتکاب جرم جنایی متهم شود، شروط زیر باید فراهم شوند:

۱. باید یک رابطه مافوق/مادون یا رئیس و مرئوس وجود داشته باشد،
  ۲. مافوق باید بر مباشرین جرم (متخلفین) به‌طور مؤثر فرماندهی، نظارت و ریاست داشته باشد،
  ۳. مافوق باید در زمان تصدی آگاه باشد یا بتواند با اطلاعات کسب شده احراز کند که جرم مربوطه در حال وقوع بوده یا قبلاً صورت گرفته است، و
  ۴. مافوق باید از اقدامات لازم برای جلوگیری یا سرکوب جنایات ارتكابی قصور کرده باشد.<sup>۲۴۰</sup>
- این شروط با جزئیات بیشتری در زیر توضیح داده خواهد شد.

مقامات مافوق نظامی و غیرنظامی. ممکن است یک شخص بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق متهم شود صرف نظر از اینکه وی فرمانده نظامی یا یک مقام ارشد غیرنظامی است که بر شخص مباشر جرم ریاست و نظارت داشته است.<sup>۲۴۱</sup> بر اساس قانون دادگاه جنایی بین‌المللی رم، برای اینکه بتوان یک مقام ارشد غیرنظامی را از لحاظ جنایی مجرم دانست او باید از وقوع جرم به‌طور واقع مطلع باشد یا عمداً شواهد مربوط به جرایم ارتكابی را نادیده گرفته باشد.<sup>۲۴۲</sup>

نظارت مؤثر مافوق بر مادون. احکام دادگاههای بین‌المللی چنین مقرر داشته‌اند که برای آنکه دادگاه تشخیص دهد که مافوق بر مادون اعمال نظارت کرده است، وجود یک رابطه سلسله مراتبی رسمی ضروری نیست. اختیار قانونی رسمی

<sup>۲۳۹</sup> دادستان برعلیه دلایچ (*Prosecutor v. Delalic, et. al*)، "چلیچی" (*Celebici*)، شماره پرونده ICTY-96-21-T، پاراگراف ۷۷۰، ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸

<sup>۲۴۰</sup> آنتونیو کسیمی، رک. زیرنویس ۲۳۷، صص. ۲۰۷-۲۰۹

<sup>۲۴۱</sup> به‌عنوان نمونه نگاه کنید به دادستان برعلیه دلایچ (*Prosecutor v. Delalic, et. al*)، "چلیچی" (*Celebici*)، شماره پرونده ICTY-96-21-A، تقاضای تجدید نظر، ۲۰ فوریه ۲۰۰۱، پاراگراف ۱۹۶؛ همچنین نگاه کنید به اساسنامه رم، اصل ۲۸-ب.

<sup>۲۴۲</sup> اصل ۲۸-ب اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم.

جهت نظارت بر اعمال مقامات مادون لازم نیست و صرف توانایی بلاواسطه و واقعی مافوق جهت صدور دستور و تنبیه مقام مادون برای اثبات رابطه مافوق-مادون کافی است.<sup>۲۴۳</sup>

آگاهی مافوق از جنایات. همان‌طور که در بالا عنوان شد، برای اینکه مافوق از دیدگاه جنایی مسئول باشد، باید در زمان تصدی به‌طور بلاواسطه از ارتکاب جرم توسط مقامات مادون خود در زمان حال یا گذشته آگاه باشد و یا در این مورد اطلاعاتی داشته باشد که به او اجازه بدهد وقوع چنین جرایمی را احراز کند. از آنجا که دادگاهها نمی‌توانند بااطمینان از اینکه یک مقام مافوق در یک زمان خاص چه اطلاعاتی داشته است یقین حاصل کنند مجموعه‌ای از قوانین به تدریج تدوین شده‌اند که به قضات اجازه می‌دهند استنباط کنند که مافوق تحت شرایط ویژه‌ای می‌توانسته چه اطلاعاتی در مورد جرایم مزبور داشته باشد. از این رو، با گردآوری شواهد کافی می‌توان ثابت کرد که مافوق نمی‌توانسته است از جنایات ارتكابی ادعا شده ناآگاه بماند و می‌توان نتیجتاً استدلال کرد که مقام مافوق از آگاهی "ضمنی" برخوردار بوده است. به‌عنوان مثال، در یکی از آرای دادگاه جنایات بین‌المللی یوگسلاوی سابق چنین آمده است که "جنایاتی که در اردوگاه زندان سلیسی روی داده است از چنان تکرر و شدتی برخوردار بوده‌اند که به هیچ‌عنوان ممکن نیست که متهم از آنها نامطلع بوده باشد و یا در مورد آنها نشنیده باشد". علاوه بر این در رأی مذکور ذکر شده است که "مع الوصف، او [مقام فرمانده اردوگاه] هیچ سیستم نظارتی را جهت اخذ گزارشات در مورد تجاوزاتی که در اردوگاه اسپران روی می‌داد ایجاد نکرد."<sup>۲۴۴</sup> همچنین شرط آگاهی مافوق هنگامی صدق می‌کند که وقتی مقام مافوق به‌طور کافی از ادعاهای مربوط به تخلفات مقامات مادون خود مطلع باشد ملزم است که نسبت به انجام تحقیقات بیشتر در مورد اینکه آیا چنین تخلفاتی به واقع توسط مقامات مادون روی داده است یا خیر اقدام کند.<sup>۲۴۵</sup>

وظیفه جلوگیری و مجازات. دادگاهها وظیفه جلوگیری و مجازات را به‌طور موسع تفسیر می‌کنند و تخطی از این وظیفه را در مواردی احراز کرده‌اند که یک مقام مافوق اجازه دهد که نوعی فضای مصونیت از مجازات برای متخلفین حاکم شود و ارتکاب جنایات بین‌المللی تحمل یا ترغیب شود. به‌عنوان مثال، ممکن است یک فرمانده به‌دلیل عدم ایجاد یک فضای منضبط و قانونمدار، که نتیجتاً باعث ترغیب ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود، به قصور در مجازات مرتکبین جنایات متهم شود.<sup>۲۴۶</sup> در یک رأی دادگاه جنایات بین‌المللی یوگسلاوی سابق وظیفه مافوق جهت مجازات به این صورت تفسیر شد که اگر مافوق شخصاً توان مجازات متخلفان را نداشته باشد، موظف است که در مورد جرایم تحقیق کند و آنها را به مقامات ذی‌صلاح گزارش دهد.<sup>۲۴۷</sup> در ایالات متحده، هیئت منصفه یک دادگاه، وزیر سابق دفاع و امنیت ملی و رئیس کل سابق

<sup>۲۴۳</sup> بخش استیناف دادگاه جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده چلیچی (*Celebici*) اعلام کرد که "اگر تا جایی که یک مقام مافوق بر مقامات مادون خود کنترل دارد، از ارتکاب جرم توسط آنها جلوگیری نکند یا آنها را پس از ارتکاب جرم مجازات نکند و یا از اعمال اختیارات خود جهت کنترل ایشان قصور کرده باشد، مسئول ارتکاب جنایات مقامات مادون تلقی خواهد شد." چلیچی، ر.ک. زیرنویس ۲۴۱، ص. ۱۹۸؛ همچنین نگاه کنید به دادستان برعلیه آلکسوفسکی (*Prosecutor v. Aleksovski*)، شماره پرونده IT-95-14/1-A، تقاضای تجدید نظر، ۲۴ مارس ۲۰۰۰، پاراگراف ۷۶؛ و دادستان برعلیه بالسکیچ (*Prosecutor v. Blaskic*)، شماره پرونده ICTY-95-14-T، ۳ مارس ۲۰۰۰، پاراگراف ۳۰۲.

<sup>۲۴۴</sup> چلیچی، ر.ک. زیرنویس ۲۳۹، پاراگراف ۷۰.

<sup>۲۴۵</sup> همان، پاراگراف ۳۸۳.

<sup>۲۴۶</sup> دادستان برعلیه باگیلیشما (*Prosecutor v. Bagilishema*)، شماره پرونده ICTR-95-1A-T، ۷ ژوئن ۲۰۰۱، پاراگراف ۵۰.

<sup>۲۴۷</sup> دادستان برعلیه کوردیچ و چرکز (*Prosecutor v. Kordic & Cerkez*)، شماره پرونده IT-95-14/2-T، ۲۶ فوریه ۲۰۰۱، پاراگراف ۴۴۶. دادگاه خاطرنشان کرد که "مقامات عالی غیرنظامی نیز بسته به اختیارات قانونی مؤثری که اعمال کرده‌اند و اینکه آیا اختیارات ایشان توان ملزم کردن مقامات ذی‌صلاح را به ایشان می‌داده است یا خیر، از تعهدات مشابهی برخوردار خواهند بود." همان.

گارد ملی سالوادور را بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق در مورد شکنجه‌ای که مقامات مادون آنها مرتکب شده بودند مسئول دانست، اگرچه افسران ارشد در هنگام وقوع جرم حاضر نبودند و مرتکب آن اعمال نشده بودند.<sup>۲۴۸</sup> نمونه‌هایی از اقدامات مؤثری را که مقامات مافوق می‌توانستند برای جلوگیری و مجازات اعمال جنایتکارانه در حیطه وظایف خود انجام دهند توسط شاکیان چنین برشمرده شد:

- صدور بیانیه‌های عمومی مکرر در تقبیح تخلفات ارتكابی،
- درخواست گزارش سریع در مورد تمامی موارد مرگ و بازداشت افراد غیرنظامی،
- مجازات افسران به خاطر قصور در تهیه گزارش در مورد تخلفات یا پیگیری آنها،
- صدور دستورالعمل‌های مشخص درباره رفتار با افراد غیرنظامی و نحوه رسیدگی به تخلفات ادعا شده،
- بازرسی شخصی مکان‌هایی که ادعا شده تخلفات حقوق بشر در آنها روی داده است،
- همکاری با تحقیقات قضایی و غیردولتی،
- مراقبت از کسانی که شاهد تخلفات حقوق بشر بوده‌اند، و
- عزل و انفصال افراد متهم به نقض حقوق بشر به جای ارتقای آنها.<sup>۲۴۹</sup>

## ۲-۲-۳. مسئولیت مافوق در پرونده کاظمی

هنگامی که زهرا کاظمی در بازداشت دولت بود، قرائن متعددی می‌بایست مقامات مافوق و مسئولان زندان اوین را از موارد بالقوه و بالفعل نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق جزا مطلع می‌ساخت. این قرائن دلالت بر نیاز آشکار به تحقیقات بیشتر از سوی مقامات مافوق داشتند. از جمله قرائن مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مدارک مربوط به استفاده گسترده از شکنجه در اوین به‌خوبی جمع‌آوری شده بود و این می‌بایستی باعث ایجاد یک سیستم می‌شد که مقامات مافوق به‌وسیله آن بتوانند از هر مورد گزارش نقض قوانین حقوق بشر که نیاز به تحقیق داشت مطلع شوند. به‌علاوه، می‌بایستی مقاماتی که در گذشته مظنون به دست داشتن در ارتكاب شکنجه بودند، به دقت تحت نظارت قرار می‌گرفتند.
- زهرا کاظمی شکنجه شد و شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفت. شرایط جسمانی او در مدتی که در زندان اوین بود می‌بایستی مقامات مافوق را به انجام تحقیقات و اطمینان می‌داشت. خانم کاظمی اظهارنامه‌ای در مورد بدرفتاریهایی که با او شده بود نوشت و گزارشی درباره تجاوز و ضرب و شتم او تهیه شد.<sup>۲۵۰</sup>

<sup>۲۴۸</sup> نگاه کنید به بت وان شاک، مسئولیت مافوق، ماهیت دلیل در پرونده روماگوزا برعلیه گارسیا، سال ۲۰۰۳، ص. ۱۲۱۳

[Beth Van Schaack, *Command Responsibility: The Anatomy of Proof in Romagoza v. Garcia*]

<sup>۲۴۹</sup> همان، ص. ۱۲۵۵

<sup>۲۵۰</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۲؛ تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش دوم، صص. ۶-۱۱.

● شماری از شهود خاطر نشان کردند که در جریان انتقال در زندان، کاظمی قادر به راه رفتن نبوده است - بدن بی حال او بر روی زمین کشیده می‌شد.<sup>۲۵۱</sup>

● در جریان انتقال در زندان، بنا به گزارشات یکی از مقامات انتقال‌دهنده کاظمی به مأمور تحویل‌گیرنده کاظمی گفت که او کاظمی را "تا جایی که توانسته" زده است و به افسر تحویل‌گیرنده توصیه کرد که او نیز همین کار را بکند.<sup>۲۵۲</sup>

از این شواهد می‌توان نتیجه گرفت مقامات مافوق که دارای توان و کنترل مؤثر بر افرادی بودند که خانم کاظمی را در اختیار داشتند آن گونه که بر اساس قوانین بین‌المللی ملزم هستند، اقدامات لازم را برای جلوگیری از جنایت یا مجازات مرتکبین آن انجام ندادند. به‌علاوه، اسناد و مدارک مهمی در مورد دخالت در روند تحقیقات مربوط به مرگ خانم کاظمی، از جمله توسط شخص دادستان، آقای مرتضوی، که خود بنا بر مقام رسمی‌اش به‌عنوان دادستان کل تهران موظف به مجازات تخلفات حقوق بشر است موجود می‌باشد.

---

<sup>۲۵۱</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش اول، قسمت ۴-۶، بند ۲، صص. ۷ و ۸

<sup>۲۵۲</sup> رک. به زیرنویس ۱۹۵ (به نقل از تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، بخش اول، قسمت ۴-۶، صص. ۸ و ۹)

## بخش ششم: نتیجه گیری

همان‌طور که این گزارش نشان می‌دهد، موارد متعددی از نقض حقوق بشر در پرونده زهرا کاظمی روی داده است. به نظر می‌رسد که دستگیری اولیه خانم کاظمی و تحت بازداشت نگه داشتن وی برخلاف قانون صورت گرفته و در مدت بازداشت وی مواردی از بدرفتاری و عدم تناسب در اقدامات اجرایی و قضایی روی داده است، نظیر نقض آشکار حمایت‌هایی که بر اساس قوانین ایران و قوانین بین‌المللی به بازداشت‌شدگان و افراد متهم اعطا شده است. به‌علاوه، ماهیت جدی و گستردگی جراحات وارده بر خانم کاظمی - شکستگی بینی، شکستگی انگشتان دست و پا و ناخن‌ها، کبودشدگی گسترده در قسمتهای متعددی از بدن، بریدگی و ظاهراً تجاوز - نشان می‌دهند که قانون منع شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز نقض شده است. نهایتاً اینکه ماهیت مهلک جراحاتی که در مدت بازداشت بر خانم کاظمی وارد شده بود نشان می‌دهد که مقامات ایرانی به وظیفه خود جهت تأمین حق حیات عمل نکرده‌اند. با وجود این واقعیت که می‌بایستی آن گونه که حقوق جزا مقرر داشته عاملانی که مستقیماً مسئول این تخلفات بودند و همین‌طور آنهایی که بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق نقش داشتند، مسئول تلقی شوند، تاکنون هیچ کسی به‌عنوان مسئول این تخلفات اعلام نشده است. اینکه قوه قضاییه در نهایت هیچ کسی را مسئول مرگ کاظمی ندانسته شگفت‌انگیز است. همان‌طور که وکیل خانواده کاظمی خاطرنشان کرده:

اگر دستگاه قضایی نتواند واقعیت قضیه‌ای را که در محل حفاظت شده و تحت پوشش امنیتی شدید رخ داده، کشف نماید چگونه می‌تواند در سایر موارد کشف حقیقت کند؟!<sup>۲۵۳</sup>

متأسفانه، مشکلات سیستماتیک و حساب شده سازمانی که در این گزارش به آن اشاره شده و به‌ویژه به عملکرد قوه قضاییه مربوط می‌شود، نشان می‌دهد امید اندکی برای ایجاد مسئولیت‌پذیری در آینده وجود دارد.

علاوه بر مسئول دانستن متخلفین در پرونده خانم کاظمی، به منظور اطمینان از عدم بروز از این تخلفات در آینده، نیاز به اصلاحات ساختاری و سازمانی شدیداً احساس می‌شود. اقدامات اجرایی خطرات جدی در زمینه قتل خودسرانه به‌دست مقامات دولتی ایجاد می‌کند. از این رو، همان‌طور که قبلاً پیشنهاد شد، وظیفه دولت در تأمین حق حیات باید اقدامات دولت را هم قبل و هم بعد از تخلفات ادعایی در بر گیرد؛ در حالی که وظیفه تأمین حق حیات به اقدامات در راستای جلوگیری از قتل (نظیر تدوین قوانین مناسب، آموزش و نظارت بر مأموران اجرای قانون) مربوط می‌شود، اقداماتی که بعد از مرگ صورت می‌گیرد (مانند تحقیقات کامل و مستقل و تعقیب بی‌طرفانه متخلفین ادعایی) نیز به تضمین این حق کمک می‌کند، چرا که این اقدامات همانند فعالیتهای بازدارنده‌ای عمل می‌کنند که به جلوگیری از مصونیت از مجازات کمک می‌کند.

در این گزارش به منظور بالا بردن توانایی ایران در برآورده کردن این ملزومات قانونی، دو حوزه مهم که نیازمند اصلاح است متمایز شده است:

<sup>۲۵۳</sup> تقاضای تجدیدنظر زهرا کاظمی، رک. زیرنویس ۳، بخش سوم، قسمت ۱، صص. ۲۱ و ۲۲.

## الف - تقویت مکانیسمهای مسئولیت پذیری

موضوعی که در این گزارش به کرات آمده لزوم تقویت مکانیسمهای مسئولیت پذیری است -- هم به معنی مثبت (نظارت حفاظتی) و هم به معنی منفی آن (تحقیق در مورد تخلفات و مقصر دانستن عاملان به گونه‌ای که باعث منع مصونیت از مجازات شود).

عامل مهم در زمینه وظیفه تأمین حق حیات لزوم نظارت مؤثر است که به نوبه خود مستلزم وجود سلسله مراتب فرماندهی روشن بر تمامی مقامات مسئول دستگیری، بازداشت و زندان است. باید تمامی موارد مرگ و جراحاتی که در اثر استفاده از زور روی می‌دهد بی‌درنگ به مقامات مافوق گزارش داده شده و در مورد آنها تحقیق شود. قوانین داخلی ایران اصل مسئولیت کیفری را برای مقاماتی که دستورات غیرقانونی صادر می‌کنند به رسمیت می‌شناسد و علاوه بر آن مقامات نیروی انتظامی و قوه قضاییه باید به این امر که ممکن است بر اساس نظریه و دکترین مسئولیت مافوق در قوانین بین‌المللی و ساختار نظارت و نیز مسئولیت‌پذیری بر طبق قوانین داخلی مسئول شناخته شوند توجه داشته باشند. علاوه بر این، تعیین حدود مسئولیت به طور شفاف برای آنکه شهروندان قادر باشند مقامات متخلف را مسئول بدانند الزامی است و باید نظارت به طور واقعاً مستقل برای بررسی ادعاهای مربوط به تخلف مقامات فراهم باشد.

به همین صورت، پرونده خانم کاظمی بر اهمیت وجود تقسیم اختیارات یا قلمرو قدرت به طور روشن و واضح در زمینه مسائل اطلاعاتی و امنیتی تکیه می‌کند. اما این کار آسان نخواهد بود؛ همان‌طور که در بالا اشاره شد، تداخل وظایف ممکن است حاصل ملاحظات استراتژیکی باشد و به نظر می‌رسد مهار کردن ارگانهای امنیتی متعددی که در سالهای اخیر بیشتر شده‌اند از ایجاد آنها مشکلتر باشد.

## ب - تقویت قانونمندی

مقامات جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانند صرفاً به دلیل اینکه در موارد بازداشت و بدرفتاری با زندانیان مطابق با قوانین رفتار کرده‌اند به توجیه عملکرد خود پرداخته و ادعای صلاحیت اخلاقی کنند و همزمان مقررات آیین دادرسی را که در قوانین داخلی ایران ذکر شده نادیده بگیرند. احترام واقعی به حاکمیت قانون مستلزم پای بندی به محدودیتهایی است که بر قدرت دولت و نیز اقدامات مقامات دولتی اعمال شده است. همان‌طور که پرونده کاظمی نشان می‌دهد، قانونمندی نمی‌تواند صرفاً به قوه مجریه محدود شود بلکه مستلزم گسترش نوعی فرهنگ قانونمندی در قوه قضاییه و جامعه مدنی است. در حالی که موانع چندگانه‌ای بر سر راه ایجاد چنین فرهنگ قانونمندی وجود دارد، یکی از این موانع که به‌ویژه در پرونده کاظمی مشخص شده گرایش به سوءاستفاده از موضوع ترس از "مداخله خارجی" در راستای توجیه تخلفات است -- چارچوبی که حمایت از حقوق بشر را بدنام می‌کند و حامیان حقوق بشر در ایران را در معرض خطر قرار می‌دهد. محسن آرمین نماینده مجلس از این گرایش فکری که غالباً در اعمال مقامات قضایی منعکس شده است، انتقاد کرده و می‌گوید:

هر حرکتی را توطئه دیدن، در هر ماجرا به دنبال جاسوس و نقشه سرنگونی گشتن، مطبوعات و فعالان سیاسی و صاحبان اندیشه مخالف را عامل بیگانه و وابسته به خارج پنداشتن، احساس فعال مایشائی

کردن و موازین و حدود قانونی را زیر پا گذاشتن، اقتدار نظام را در اعتراف گیری از بازداشت‌شدگان و انجام مطاحبه‌های تلویزیونی آنچنانی ... اتهام جاسوسی به زهرا کاظمی ... حاصل همین روند است.<sup>۲۵۴</sup>

در واقع، کمیسیون اصل نود عدم "دقت لازم قضایی که از وظایف هر مقام قضایی است"<sup>۲۵۵</sup> را در مورد آقای مرتضوی، خاطر نشان کرد.

همان گونه که پرونده خانم کاظمی نشان می‌دهد، قوه قضاییه نه تنها به قوانین بین‌المللی بلکه به قوانین داخلی ایران نیز که تصریح می‌کند قوه قضاییه یک قوه "مستقل" است و مطابق با آیه "وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ" (سوره النساء، آیه ۵۸) مسئول حمایت از حقوق جامعه و تحقیق در مورد جرایم است، پای بند نبوده است.<sup>۲۵۶</sup> تا زمانی که به سوءاستفاده‌های سیستماتیک و حساب شده قوه قضاییه - ارگانی که به ظاهر مسئول تضمین اجرای درست قانون است - رسیدگی نشود، مصونیت از مجازات در برابر موارد نقض حقوق بشر همچنان در سطح گسترده باقی خواهد ماند.

---

<sup>۲۵۴</sup> اظهارات محسن آرمین: مرتضوی باید محاکمه شود، رک. زیرنویس ۲۳.

<sup>۲۵۵</sup> گزارش کمیسیون اصل نود، رک. زیرنویس ۲، ص. ۴.

<sup>۲۵۶</sup> نگاه کنید به فصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۶ "وظایف قوه قضاییه" و قسمت "قضاء در قانون اساسی" در مقدمه قانون اساسی ایران

